

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بلندای فقه شیعه

جلد پنجم

(مقایسه و بررسی تطبیقی دو اندیشه فقهی شیعه)

حضرت آیت الله العظمیٰ مکارم شیرازی (مدظله العالی)

سرشناسه: نکونام، محمدرضا، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور: بلندای فقه شیعه، مقایسه و بررسی تطبیقی
دو اندیشه‌ی فقهی شیعه / محمدرضا نکونام.
مشخصات نشر: اسلام‌شهر، صبح فردا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.
شابک: ج ۹: ۴ - ۰۸ - ۶۴۳۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک دوره: ۱ - ۰۹ - ۶۴۳۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: فقه شیعه.
موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره: ۸ ب ۷۴ ن / ۷ / ۱۶۹ BP
رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷/۳۲۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۹۷۹۸۹

بلندای فقه شیعه - جلد نهم

حضرت آیت‌الله العظمی محمدرضا نکونام (مد ظله العالی)



ناشر: صبح فردا

محل چاپ: نقش‌گستر

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

تهران - اسلام‌شهر - نسیم‌شهر - وجیه‌آباد

دوازده‌متری جواهرزاده - پلاک ۳۶

کدپستی: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵ * تلفکس: ۰۲۲۹۴۳۶۳۴۸۱

www.nekoonam.com www.nekounam.ir

ISBN : 978 - 600 - 6435 - 08 - 4

شابک دوره: 1 - 09 - 6435 - 600 - 978

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

بخش دوازدهم

تنگناهای فرصت در وصیت و ارث

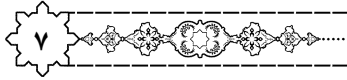
۱۱	وصیت
۱۱	وجوب وصیت
۱۲	وجوب عمل به وصیت
۱۷	تأخیر در عمل به وصیت
۱۸	اثبات وصیت
۲۶	کافی نبودن مال مورد وصیت
۲۶	منجزات مریض
۲۶	وصی و ناظر
۳۸	امین بودن قیّم
۴۱	خیانت وصی
۴۲	عدول وصیت کننده از وصیت و فسخ آن
۴۵	تصرف و فسخ
۴۶	وصیت باطل
۴۹	وصیت شخصی که خودکشی کرده
۴۹	بازگشت وارثان از اجازه‌ی خود

۵۱	تبدیل و تغییر وصیت
۵۳	دیگر مسایل وصیت
۷۳	تشییع لباس میت به تنهایی
۷۴	تصرف در مال غیر
۷۷	ارث
۷۷	ارث بردن کسانی که با هم در تصادف کشته شده‌اند
۸۲	ارث بردن مهدوم علیهم
۸۶	ارث پدر و فرزند که با هم کار می‌کرده‌اند
۸۸	ارث همسر
۹۳	ارث جنین
۹۴	حبوه و امور اختصاصی به پسر بزرگ‌تر
۹۴	ارث بردن از غایب
۹۵	دیگر مسایل ارث

بخش سیزدهم

آغازی نوین «احکام مردگان»

۱۱۱	مردگان
۱۱۱	حکمت غسل میت و غسل مس میت
۱۱۲	تجهیز و دفن میت بدون حضور ولی
۱۱۴	شستن میت در آبی که مصرف عمومی دارد
۱۱۶	اجرت گرفتن فرد برای انجام واجبات
۱۱۷	برطرف ساختن موی زاید بدن میت



- ۱۱۷ ظاهر بدن میت، موضوع غسل
- ۱۱۸ غسل و تیمم ناهمگون و نامحرم
- ۱۲۱ محرمیت
- ۱۲۲ غسل میتی که جنسیت وی ناشناخته است
- ۱۲۳ یافتن استخوان
- ۱۲۳ غسل میتی که از بدن او خون جاری است یا بعض اعضایش از بین رفته
- ۱۲۴ بند نیامدن خون میت در حال غسل
- ۱۲۵ غسل جیره
- ۱۲۵ جریان ادرار یا خون حیض
- ۱۲۶ تیمم
- ۱۲۶ تجهیز میت ناشناخته از جهت دین
- ۱۲۷ تشخیص ندادن بدن میت کافر از مسلمان
- ۱۲۸ کفن نوشته شده با آیات قرآن کریم
- ۱۲۸ نوشتن اسم میت و پدر او بر کفن
- ۱۳۰ نماز بر میت دیوانه
- ۱۳۱ نماز بر مسلمان مشروب فروش
- ۱۳۲ نماز بر میت در تابوت بسته
- ۱۳۳ گذاردن میت در مسجد
- ۱۳۳ در لحد گذاشتن میت توسط نامحرم
- ۱۳۴ دفن موقت امانی
- ۱۳۶ گذاردن قرآن کریم در قبر میت
- ۱۳۶ ملاک رو به قبله بودن فرد دارای نقص عضو

۱۳۷	شتاب نداشتن در دفن فرد سکنه کرده و مانند آن
۱۳۸	گذاردن مرده در سرداب به جای دفن
۱۳۹	نبش قبر
۱۴۱	نبش قبر بدون وصیت میت
۱۴۲	اثبات حق و نبش قبر
۱۴۲	دفن اضطراری میت در مسجد
۱۴۴	دفن میت به روی دست چپ
۱۴۹	احکام قبرستان
۱۵۲	مس میت بعد از تیمم دادن آن
۱۵۴	حکمت غسل مس میت
۱۵۶	لمس استخوان مردگان و غسل مس میت
۱۵۸	افراد رجم شده
۱۵۸	نیت غسل و تکفین محکوم به رجم
۱۵۹	چراغانی حجله در جلوی منزل از دنیا رفته
۱۶۰	پخش صدای قرآن و سکوت
۱۶۳	صوت و صدای نامحرم
۱۶۶	نجس نبودن مرده‌ی مسلمان
۱۶۷	دندان عاریه‌ای میت
۱۶۸	میهمانی و ضیافت در خانه‌ی میت
۱۷۳	زلزله

بخش دوازدهم

تکناهای فرصت
در وصیت و ارث

وصیت

□ وجوب وصیت

س ۴۰۲۵- بنده جوانی هستم بیست ساله و غیر از وسایل معمولی منزل چیز دیگری

ندارم، در این صورت آیا وصیت کردن بر من واجب است یا نه؟

ج- وصیت بر کسی واجب است که دینی یا امانتی از مردم نزد او باشد یا

واجباتی بر عهده‌ی او باشد و اما کسی که هیچ یک از آن‌ها بر ذمه‌ی او

نیست، وصیت بر او واجب نیست.

□ □ □ □

س ۴۰۲۶- وصیت بر چند قسم است؟

ج- وصیت گاهی تملیک عین است و گاهی تملیک منفعت و گاهی جعل

ولایت یا وکالت و گاهی ابرای دین و گاهی اسقاط حق و گاهی عهد و اذن

و درخواست است؛ مانند وصیت به مراسم تجهیز و غسل و نماز و

وصیت به قضای نماز و روزه و حج و رد امانات و امثال این‌ها.

□ □ □ □

□ وجوب عمل به وصیت

س ۴۰۲۷ - شخصی وصیت نموده که جنازه‌ی وی به مشاهد مشرفه حمل شود ولی به هنگام وفات وصی وی غایب بوده و نمی‌دانستند که وصیتی کرده است یا نه و به ناچار او را دفن نموده‌اند و حال که وصی آمده، آیا جایز است نبش قبر نمایند و بدن را به عتبات عالیات حمل کنند یا نه؟

«گلپایگانی»: نبش جهت حمل به مشاهد مشرفه به نظر حقیر جایز است، لکن واجب نیست؛ چون وصیت به حمل قبل از دفن بوده و موضوعش منتفی شده. بلی، اگر وصیت به نبش و حمل کرده، واجب است.

* * *

«نکونام»: با غیبت وصی، موضوعی برای نبش باقی نمی‌ماند و وصیت به نبش در صورتی که ناهنجاری به همراه داشته باشد جایز نیست و اگر به آن وصیت شود، عمل به آن لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۰۲۸ - کسی همسر خود را وصی قرار داده که یک سوم اموال او را در امور خیر مصرف نماید ولی پس از مرگ او، فرزندان وی به آن راضی نشدند، آیا بر مادر واجب است یک سوم اموال مزبور را در امور خیر هزینه نماید و آن را به فرزندان خود ندهد یا نه؟

ج - در فرض مسأله تا مقدار ثلث مجموع ترکه که از جمله همین پول است، می‌تواند؛ بلکه لازم است به مصرف وصیت برساند، در صورتی که وصیت مسلم باشد.

□ □ □ □

س ۴۰۲۹ - شخصی در حدود هفده سال پیش فرزند خود را وصی قرار داده تا یک سوم اموال او را به مصرف خیر برساند و فرزند نیز به آن عمل نموده ولی از

یک سوم سهم زمین هنوز باقی است و قیمت آن کاهش یافته، آیا در این صورت وی می‌تواند آن را به قیمت فعلی بفروشد تا به وصیت عمل کند یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر وصیت به بقای زمین و صرف منافع آن نباشد و مصرف مخصوصی نیز تعیین نکرده و به وصی اختیار مطلق داده باشد، جایز است هر نحو صلاح بداند عمل نماید، و اولی آن است که اگر احتمال دین مالی یا واجبی را در حق موصی بدهد، صرف در ادای آن‌ها نماید.



س ۴۰۳۰ - کسی به حمل جنازه‌ی خود وصیت کرده ولی وارثان او به عمد وی را در محل دیگری دفن نموده‌اند، آیا در این صورت باید او را حمل کرد یا نه؟
«گلیپگانی»: اگر وصیت به حمل به مشاهد مشرفه باشد، عمل به وصیت واجب است.



«نکونام»: بعد از دفن وی موضوعی برای عمل به وصیت باقی نمی‌ماند؛ هرچند وارثان با عمل نکردن به وصیت گناه کرده‌اند.



س ۴۰۳۱ - شخصی وصیت نموده که پس از فوت وی یک دانگ و نیم از جمله شش دانگ خانه‌ی مسکونی او را بفروشند و به مصرف حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام برسانند ولی وارثان به این وصیت عمل نکردند و سهم حضرت ابوالفضل علیه السلام را نپرداخته‌اند، در این صورت آیا خرید خانه‌ی مذکور برای خریدار مشکل شرعی ندارد؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله، اگر موصی اذن در فروش خانه داده به این نحو

که قیمت آن را به مصرف حضرت ابوالفضل (سلام الله علیه) برسانند، صحت بیع با فرض آن که قیمت را به مصرف نرسانند، مشکل، و تصرف در آن مقدار از خانه تا وجه آن به مصرف نرسد، خالی از اشکال نیست.

* * *

«نکونام»: چنانچه خریدار به چگونگی و وضعیت ملک آگاهی دارد، خرید خانه‌ی مذکور جایز نیست.

□ □ □ □

س ۴۰۳۲ - حاکم شرع یا کسی که از طرف او اجازه دارد چنانچه برای صغیری قیم معین کند، آیا لازم است اموال صغیر را بررسی نماید و آن را صورت برداری کند و عده‌ای را بر آن گواه بگیرد یا لازم نیست؟

ج - اگر در معرض تضییع باشد، لازم است در چند نسخه صورت برداری نماید و نزد اشخاص امین بگذارد تا از حیث و میل محفوظ بماند.

□ □ □ □

س ۴۰۳۳ - زنی پیش از مرگ به طور عادی وصیت نموده که وارثان وی، اموال او را در راه اجاره‌ی روزه، نماز، خمس و روضه‌خوانی و زکات هزینه نمایند، آیا عمل به وصیت وی واجب است یا نه و هرگاه یکی از وارثان از عمل به وصیت خودداری نماید، تکلیف وصی چیست؟

ج - با فرض تحقق وصیت مذکوره، بر وصی واجب است آنچه را که به عنوان زکات و سهمین وصیت شده از اصل مال خارج نماید و نسبت به بقیه‌ی موارد وصیت در زاید بر ثلث محتاج به امضای ورثه است و اگر بعضی از ورثه امتناع نماید، با علم به وصیت، بر وصی در صورت قدرت لازم است او را اجبار نماید به عمل به وصیت به وسیله‌ی ارجاع به حاکم

شرع، و در صورت حجر یا انکار بعضی از ورثه واجب است عمل نسبت به سهام سایر ورثه که امتناع ندارند و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۴۰۳۴ - شخصی وصیت کرده که پس از درگذشت او بابت مهریه‌ی همسر خود خانه‌ی مسکونی او را به وی بدهند، در این صورت آیا وارثان مکلف هستند که عین خانه‌ی مسکونی را به او بدهند یا می‌توانند وجه نقد نیز به او بپردازند و اگر وارث به وصیت عمل نکند، آیا فقط اثر تکلیفی دارد و آنان گناه کرده‌اند یا غاصب شمرده می‌شوند؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر وصیت به فعل بوده، واجب است ورثه عمل به آن وصیت نمایند ولیکن اگر معصیت کنند و مهریه‌ی او را از غیر خانه ادا کنند، ذمه‌ی موصی بری می‌شود و خانه نیز ملک ورثه است و اگر وصیت کند که خانه ملک زن باشد در مقابل مهر و زن نیز قبول کند، ملک زن است و احکام ملک بر آن مترتب است و این حکم در صورتی است که خانه زاید بر ثلث ترکه نباشد و الا در مقدار زاید موقوف به امضای ورثه است.



«نکونام»: اگر ارزش خانه بیش از یک سوم مال باشد، مهر از دیون میت به شمار می‌آید و بر وارثان است که آن را بپردازند؛ هرچند لازم نیست عین خانه را به او تحویل دهند و پرداخت قیمت آن نیز کافی است.



س ۴۰۳۵ - مدت پنج سال پیش پدرم در حال احتضار، دو جبه آب و یک قطعه باغ جهت استیجار حج به من وصیت کرد و من نیز پذیرفتم که در این امر وکیل شوم

و ملک دیگری که وقف بودن آن از طرف پدرم شایع بود تقسیم شد ولی وقف‌نامه‌ی آن بعد از چهار سال پیدا شد و طبق آن عمل کردیم، حال اگر می‌خواستیم از آن باغ و دو حبه آب برای پدرم حج بگیرم، بچه‌های دیگر محروم و بی‌حق می‌شدند و بر این اساس باغ و دو حبه آب را تقسیم کردم، حال با توجه به این که هیچ کدام از بچه‌ها وصیت پدر را قبول ندارد و حاضر به پرداخت پول برای استیجار حج پدر نیست، وظیفه‌ی شرعی بنده که پسر بزرگ‌تر هستم چیست؟ آیا باید حج بلدی بگیرم یا حج میقاتی نیز کافی است؟

ج - در فرض سؤال، اگر وصیت به حجة الاسلام یعنی حج واجب بوده است، رد ورثه نسبت به وصیت تأثیر ندارد و واجب است حج بلدی استیجار شود، منتها به مقدار حج میقاتی از اصل ترکه و مابه‌التفاوت حج میقاتی و بلدی را از ثلث ترکه باید برداشت.

□ □ □ □

س ۴۰۳۶ - شخصی با این که خود به مکه رفته باز وصیت نموده که برای وی حج بلدی بخرند، آیا می‌شود حج وی را به میقاتی تبدیل کرد یا نه؟
ج - چنانچه وصیت کرده که حج بلدی استیجار شود، واجب است طبق وصیت حج بلدی استیجار شود.

□ □ □ □

س ۴۰۳۷ - شخصی کسی را وصی قرار می‌دهد که پس از مرگ وی خمس او را بپردازند و بعد از فوت وی ورثه‌ی او از دادن خمس خودداری کردند و اظهار می‌دارند که متوفی دارای فرزندان صغیر است و اگر به وصیت عمل شود و از اموال وی برداشته شود، فرزندان صغیر او درمانده می‌شوند، بنابراین، از دادن خمس خودداری می‌ورزند، در این صورت آیا وصی مقصر است یا نه؟
ج - اگر وصی قدرت عمل به وصیت متوفی را ندارد، بر او تکلیفی نیست

ولیکن بر ورثه لازم است ممانعتی از پرداخت حقوق واجبهی میت ننمایند و اشخاصی که ممانعت از عمل به وصیت می نمایند، معصیت کارند.



□ تأخیر در عمل به وصیت

س ۴۰۳۸ - آیا وارثان می توانند سهم یک سوم را از عین ملک بردارند و پول آن را در ظرف چند سال و به تدریج بپردازند تا در مواردی که مورث تعیین نموده هزینه شود یا لازم است بدون تأخیر آن را هزینه کنند؟
ج - در صورتی که موصی اذن در تأخیر نداده، تأخیر در عمل به وصیت جایز نیست.



س ۴۰۳۹ - کسی شخصی را وصی قرار داده که بعد از فوت وی چند سال نماز و روزه و یک حج از اموال وی استیجار شود و هم چنین وجوه و مظالم و بدهی های او را از مال او جدا نموده و به مصارف خود برساند اما عین اموال که پول نقد نیست، در دست وارثان است، آیا وصی می تواند آنان را به فروش آن اجبار نماید یا نه؟

ج - بر وصی واجب است عمل به وصیت، و اگر موصی (کسی که وصیت نموده) اذن در تأخیر نداده، تأخیر جایز نیست و ورثه حق ممانعت از عمل به وصیت را ندارند؛ مگر در زاید بر ثلث مال که نفوذ وصیت در آن موقوف به امضای ورثه است.



س ۴۰۴۰ - اگر وصیت شود که یک سوم مال وی در راه خیر هزینه شود، آیا وصی می‌تواند از آن به یکی از ورثه دهد تا برای مرده نماز و روزه‌ی استیجاری را به احتیاط انجام دهد، در حالی که معلوم نیست نماز و روزه‌ی قضا داشته باشد؟
«گلبایگانی»: مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: در صورتی که کار خیری است همچون رسیدگی به فقیران آبرومند که لازم است انجام پذیرد، باید آن را مقدم داشت.

□ □ □ □

□ اثبات وصیت

س ۴۰۴۱ - زنی دارای سیصد تومان وجه نقد است و وصیت نموده که مبلغ مذکور را به شخص معینی بدهند تا وی آن را در امور خیر هزینه نماید و برای اثبات وصیت خود چند زن را شاهد می‌گیرد، آیا اجرای وصیت نسبت به همه‌ی مال بر وارثان لازم است؟

ج - وصیت در ثلث ترکه نافذ است و در زاید بر ثلث محتاج به امضای ورثه است و شهادت زن در وصیت به اموال، اگر یک نفر باشد، نسبت به ربع آن چه به آن شهادت می‌دهد و اگر دو نفر باشند، نسبت به نصف و اگر سه نفر باشند، نسبت به سه ربع، و اگر چهار نفر باشند، نسبت به تمام آن چه به آن شهادت می‌دهند با رعایت شرایطی که در شاهد معتبر است پذیرفته می‌شود.

□ □ □ □

س ۴۰۴۲ - زنی در حال حیات به واسطه‌ی ناسازگاری با شوهر خود بارها اظهار داشته که شوهر وی از اموال او ارث نمی‌برد ولی این موضوع را به هنگام

وصیت بیان نکرده، در این صورت آیا شوهر از همه‌ی مال وی یا از یک سوم که وصیت نموده آن را هزینه‌ی استیجار نماز و روزه کنند، ارث می‌برد یا خیر و آیا تفاوتی میان وصیت کتبی و شفاهی هست یا نه؟

ج - وصیت در ثلث نافذ است؛ چه برای صوم و صلوات باشد و یا غیر آن، و در مورد سؤال در صورت وصیت از دو ثلث باقی مانده‌ی ماترک که مورد وصیت نیست، نصف آن را شوهر ارث می‌برد و در صورت عدم وصیت از تمام ماترک ارث می‌برد، و در وصیت کتابت لازم نیست، به هر نحوی که ثابت شود، عمل به آن واجب است. وصیت در ثلث نافذ است.

□ □ □ □

س ۴۰۴۳ - شخصی چند سال پیش وصیت‌نامه نوشته و ثلث مال خود را به یکی از وارثان بخشیده ولی وی چند سال دیگر زندگی نموده و اموال خود را زیاده‌تر کرده و دارای فرزندان غیر از فرزندان قبل شده و اکنون آن صغیر می‌باشند و وی از دنیا رفته است، آیا این وصیت‌نامه که چند سال پیش نوشته شده در اموالی که در زمان وصیت کردن بوده نافذ است یا اموال فعلی را نیز شامل می‌شود؟

ج - در صورتی که از وصیت‌نامه‌ی قبل برنگشته باشد، اموال بعد را شامل است و در ثلث مال فعلی نافذ است.

□ □ □ □

س ۴۰۴۴ - شخصی چند سال پیش وصیت غیر رسمی نموده و فردی را وصی خود قرار داده ولی بعد از آن، بخشی از املاک مورد وصیت را فروخته، آیا بعد از مرگ وی این وصیت به قوت خود باقی است و وصی هم‌چنان وصی شرعی او به شمار می‌رود یا خیر؟

ج - ظاهر آن است که نسبت به آنچه از اموال مورد وصیت باقی مانده،

باید به وصیت عمل شود؛ مگر آن که تصرفاتی که در زمان حیات کرده،
 اماره بر عدول او از اصل وصیت باشد.



س ۴۰۴۵ - شخصی به یک سوم اموال خود وصیت نموده و وارثان وی بعد از مرگ
 او وصیت را انکار کردند اما حال ورثه می خواهند به آن عمل نمایند، در این
 صورت آیا باید قیمت زمان مرگ وی را معیار قرارا دهند یا قیمت روز آن را که
 با افزایش همراه بوده است، و اگر کسی آن را خریداری نماید، آیا مالک آن
 می گردد یا نه؟

ج - در صورتی که خود موصی ثلث را در اعیان مخصوصی معین نموده،
 همان عین ثلث حین الموت است و باید به قیمت فعلی حساب شود و اگر
 وجه معین نموده، مثلاً گفته هزار تومان ثلث خرج کنید، همان هزار تومان
 فعلی باید مصرف شود و ترقی قیمت، مال ورثه است.



س ۴۰۴۶ - شخصی مبلغی را که زاید بر ثلث اموالش می باشد برای انجام نماز و
 روزهی استیجاری وصیت کرده و وارثان بیش از یک سوم آن را امضا
 نمی نمایند، در این صورت بر وصی واجب است بر اساس وصیت تمام آن مبلغ
 را در گرفتن نماز و روزه هزینه کند؛ هرچند ورثه راضی نباشند یا نه؟

ج - نفوذ وصیت در زاید بر ثلث اموالش موقوف به امضای ورثه است ولی
 در وصیت زاید بر ثلث اگر واجب و غیر واجب هر دو ذکر شده، واجب
 مقدم است.



س ۴۰۴۷ - شخصی باغ خود را تا سی سال حبس نموده تا از عواید آن نماز و روزه
 استیجار نمایند یا در تعزیهی حضرت سید الشهداء علیه السلام مصرف نمایند و هم چنین

وصیت کرده که ثلث دارایی وی را برای او هزینه نمایند، در این صورت آیا باغی که حبس شده از اصل ترکه محسوب می‌شود یا از یک سوم مال؟

ج- در فرض مسأله، اگر شخص مذکور وصیت به حبس باغ نموده، ارزش منافع سی سال از ثلث محسوب است و اگر خودش حبس کرده که حتی در زمان خودش منافع را صرف عزاداری یا صوم و صلوات پدر می‌کرده، از اصل محسوب است؛ لکن در این صورت منافع آن را در صوم و صلوات خودش صرف نکنند و در صوم و صلوات پدر و عزاداری صرف بنمایند.



س ۴۰۴۸- شخصی وصیت می‌کند که پس از فوت وی تمام ثروت و دارایی وی ثبت شود که یک سوم آن را وصی وی هزینه‌ی تجهیز وی نماید و دو سوم دیگر میان وارثان تقسیم شود و نیز پیش از وصیت مبلغ یک هزار و پانصد تومان وجه نقد به رسم امانت به کسی سپرده تا آن را در زمان زندگی خود هرگاه احتیاج پیدا کرد مصرف نماید و اگر تا بعد از مرگ وی چیزی از آن بماند، وی از این پول مالی را خریداری کند و آن را وقف نماید یا در خیرات دیگر هزینه کند و هم‌چنین وی می‌گوید حاضر است مبلغ مذکور را به عنوان صلح یا هبه به امین واگذار نماید تا ایشان آن را بعد از مرگ وی همان‌گونه که گفته شد هزینه کند، آیا برای امین جایز است امانت مذکور را قبول نماید یا نه و در صورت جواز، آیا با آن پول مالی را خریداری و وقف نماید یا در امور خیر دیگر هزینه کند؟

ج- در فرض سؤال، صاحب پول در حال حیات شرعاً جایز است آن پول را صلح کند به شخص امین و شرط کند اگر خودش احتیاج پیدا کرد فسخ کند و اگر در حال حیات فسخ نکرد، امین مزبور بعد از فوت او معادل آن مبلغ چیزی بخرد و وقف کند یا در کار خیر صرف نماید و هم‌چنین جایز

است آن مبلغ را نزد امین امانت گذارد و سفارش کند صرف در کار خیر یا وقف شود؛ لکن در این صورت، با فرض آن که ثلث خود را وصیت کرده و در مصارف معینه صرف شود، لازم است نسبت به دو ثلث این مبلغ از ورثه استجازه نماید و با اجازه‌ی آنها به مصرف وصیت برساند و با عدم اجازه باید بین ورثه تقسیم شود.



س ۴۰۴۹ - اگر کسی وصیت کند که از اموال وی برای او هزینه کنند اما مقدار آن را تعیین نکرده و به ثلث نیز مقید نشده و صغیر نیز دارد، وصی چه مقدار می‌تواند از مال وی برای او هزینه کند؟

ج - اگر به حسب وجود بعضی قرائن و معمول و متعارف وصیت منصرف به مبلغ معینی نباشد، ظاهر آن است که وصی به نظر خودش تا مقداری که زاید بر ثلث نباشد، می‌تواند عمل نماید.



س ۴۰۵۰ - شخصی سهم فرزندان خود را به آنان رد کرده و مقداری از آن را برای خود نگاه داشته و وصیت کرده است که من در حیات خود سهم هر یک از فرزندان را به آنان رد کردم و دیگر حقی به این مقدار مالی که برای خود مانده ندارم و پسر بزرگ خودم را وکیل نموده‌ام که این مال را بعد از من بفروشد و برایم حج خریداری نماید و وصیت‌نامه‌ای در حضور شاهدان نوشته، آیا این وصیت‌نامه صحیح است و عمل به آن جایز است یا نه؟

ج - وصیت در ثلث ترکه نافذ است، و در زاید بر ثلث محتاج به امضای ورثه است؛ بنابراین، اگر اموالی را که به فرزندان داده به آنان بخشیده است و مبلغی که به مصرف حج بلدی می‌رسد، از ثلث بقیه‌ی اموالش بعد

از آن چه بخشیده بیش تر نباشد، باید برای او حج بلدی استیجار نمایند
والا استیجار حج میقاتی هم کافی است.



س ۴۰۵۱- اگر کسی به نماز، روزه و رد مظالم وصیت کرده، آیا پرداخت پول آن به
صغیر نیز تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج - وصیت تا مقدار ثلث که نافذ است از تمام مال برداشته می‌شود و
مابقی بین ورثه تقسیم می‌شود؛ چه صغیر باشند و چه کبیر و یا مختلط.



س ۴۰۵۲ - شخصی دو نفر را وصی قرار داده و وصیت نموده که من یک باب
عمارت و چند رأس گوسفند دارم که نصف آن برای همسر من باشد و نصف
دیگر را به فروش برسانید و برای من هزینه نمایید و بعد از مرگ وی به وصیت
وی عمل شد اما همسر وی معتقد است که افزوده بر نصف عمارت، از نصف
دیگر یک‌هشتم به او می‌رسد، در این صورت اگر همسر وی بقیه‌ی وجه را ندهد
آیا وصی مدیون هستند یا نه و آیا افزوده بر نصف عمارت و گوسفندان و
وسایل خانه، زن از نصف دیگر نیز یک‌هشتم ارث می‌برد یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر سایر ورثه غیر از زوجه وصیت را امضا کرده
باشند واجب است به همان نحوی که موصی معین کرده عمل نمایند و
امضای زوجه و رد او اثری ندارد و اگر سایر ورثه امضا نکرده باشند، ربع
مجموع مال به زوجه می‌رسد، و این در صورتی است که وصیت باشد و
اگر به صلح، اموال را منتقل نموده، با شرط مذکور باید مطابق صلح مزبور
عمل نمایند.



س ۴۰۵۳ - شخصی وصیت نموده که یک سوم اموال او را به مصرف خاصی برسانند و ملکی را برای این منظور معین نموده و پس از مدتی از دنیا رفته، اما ملک نسبت به موقع وصیت با نصف ترکه برابر است و با هنگام مرگ با یک سوم مال معادل می‌گردد، آیا کدام یک از این دو را باید لحاظ نمود؟

ج - اگر وصیت به عین معینه یا مقدار کلی از مال مثلاً پنجاه هزار تومان باشد، ثلث یا کم‌تر و بیش‌تر بودن نسبت به اموال حین وفات موصی سنجیده می‌شود؛ یعنی اگر ارزش آن عین در حین وصیت به مقدار نصف ترکه بود و بعد به جهت نقصان قیمت یا زیادی آن یا به دست آمدن مال دیگری برای موصی ارزش آن در حین وفات موصی به قدر ثلث ترکه است، تمامی آن عین ثلث است، و اگر در حین وصیت ارزش آن به مقدار ثلث بود و بعد از جهت بالا رفتن قیمت یا پایین آمدن اموال دیگر موصی یا تلف بعضی از اموال او ارزش آن در حین وفات به مقدار نصف است، آن عین زاید بر ثلث است و اگر وصیت به کسر مشاع باشد، مثل این که موصی بگوید ثلث مال من بعد از مرگم مال زید باشد و بعد اموال دیگری تحصیل کند، به حسب موارد، حکم آن مختلف می‌شود؛ پس اگر قرینه‌ای بود که معلوم شد مراد موصی ثلث حین الوصیه است یا مرادش ثلث حین الفوت است بر طبق آن عمل می‌شود، و اگر قرینه‌ای که مراد او را معلوم کند نبود، باید به مقدار کم‌تر اکتفا کرد و زاید بر آن ملک ورثه است.



س ۴۰۵۴ - هرگاه موصی بگوید یک سوم مال من بعد از مرگ برای کسی باشد یا آن را در فلان مورد مصرف کنید، آیا لازم است تعیین آن با رضایت وارثان

باشد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، موصی با ورثه به نحو مشاع شریک است و باید تعیین و افراز ثلث با رضایت همه‌ی ورثه باشد.

□ □ □ □

س ۴۰۵۵ - شخصی تمام اموال خود را به سه نوه‌ی پسر خود به سیزده هزار و پانصد تومان صلح کرده و شرط نموده مبلغ مزبور بعد از او در موارد زیر هزینه شود

اول - چهار هزار تومان خمس؛

دوم - سه هزار و پانصد تومان حج؛

سوم - هزار تومان نماز و روزه‌ی استیجاری؛

چهارم - سه هزار تومان هزینه‌ی مجالس سه روز اول و هفتم و چهلم و سال؛

پنجم - دو هزار تومان هزینه‌ی ساخت ملک موقوفه.

حال، آیا اوصیای آن مرحوم باید سیزده هزار تومان را در موارد یاد شده هزینه نمایند یا باید یک سوم مال را برای او خرج کنند؟

ج - در فرض مسأله که ماترک سیزده هزار و پانصد تومان است و شرط مصارف مذکوره بعد از موت است، به نظر حقیر وصیت است و آنچه دین است مثل خمس و مقدار حج میقاتی از اصل خارج و پس از ادای دیون در مقدار ثلث مال وصیت نافذ و در زاید بر آن موقوف به امضای ورثه است و تفاوت بین حج میقاتی و مال الوصایه‌ی حج از ثلث محسوب است.

□ □ □ □

□ کافی نبودن مال مورد وصیت

س ۴۰۵۶ - شخصی وصیت کرده که از یک سوم مال وی بیست سال نماز و روزه برای او استیجار کنند و بخش معینی از آن یک سوم نیز به پسر بچه‌ی صغیر وی بدهند، اما مال به هر دو نمی‌رسد، حال کدام یک را مقدم بدانند؟
ج - ظاهراً نماز و روزه مقدم است.

□ □ □ □

□ منجزات مریض

س ۴۰۵۷ - زنی مدت دو سال یا بیش‌تر مریض بوده و به همان بیماری فوت کرده و نزدیک یک ماه پیش از مرگ خود همه‌ی اموال خود را به پسر شوهر فعلی خود به بیع یا صلح یا هبه انتقال داده، در حالی که خود پسری دارد که از شوهر دیگر او وارث وی می‌باشد، آیا این انتقال نسبت به همه‌ی اموال او نافذ است یا نسبت به یک سوم آن؟
ج - منجزات مریض به نظر حقیر نسبت به تمام اموال او نافذ است.

□ □ □ □

□ وصی و ناظر

س ۴۰۵۸ - شخصی کسی را وصی قرار داده و حقی برای او تعیین نکرده، آیا در این صورت وصی حقی دارد یا نه و چنانچه وصی و ناظر حقی داشته باشند، مقدار آن چیست؟

ج - موارد مختلف است، در صورتی که وصی قبول وصایت نموده و قرینه بر تبرع و مجانیت عمل وصی در وصیت نباشد، جایز است وصی اجرت المثل عمل خود را بردارد، و مقدار آن موکول به عرف است.

□ □ □ □

س ۴۰۵۹ - شخصی به هنگام حیات فردی را به صورت رسمی وصی خود قرار می‌دهد و در خصوص یک سوم مال و مصرف آن چیزی به او نمی‌گوید، آیا وصی می‌تواند نسبت به آن، چنان که میان وصی و وصیت کننده عرف است، اقدام نماید یا نه؟

ج - در صورتی که بین وصی و موصی مقدار مصرف معهود و معلوم بوده، وصی باید به علم خود عمل نماید و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۴۰۶۰ - شخصی عمارت مسکونی خود را بابت یک سوم معین نموده و عمارت نیز به مقدار آن می‌باشد و فرزند ارشد خود را وصی قرار می‌دهد، در این صورت آیا وصی پدر می‌تواند خانه را تصرف نماید و نماز و روزه‌ی او را خود انجام دهد و آیا وارثان دیگر حق مداخله در این عمارت را دارند یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر عمارت را بابت ثلث معین کرده باشد که به مصرف صلوات و صوم برسد و به غیر وصی منصرف نباشد، وصی می‌تواند عمارت را خودش بردارد و صوم و صلوات را بجا آورد و در نزاع موضوعی، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۴۰۶۱ - اگر کسی را وصی قرار دهند اما وی آن را رد کند، آیا اصل وصیت باطل می‌شود یا نه؟

«گلبایگانی»: رد کردن وصی در وصایای عهدیه موجب بطلان وصایت است نه اصل وصیت؛ مگر آن که از قراین اطمینان حاصل شود که با رد نمودن وصی، موصی هم از اصل وصیت برگشته است.



«نکونام»: رد کردن وصی سبب باطل شدن وصیت نمی‌گردد و لازم است وصیت وی توسط حاکم شرع یا مؤمنان یا وارث صالح عملی شود.

□ □ □ □

س ۴۰۶۲ - کسی ملکی را به عنوان یک سوم مال خود قرار داده و سه نفر از فرزندان خود را وصی نموده تا عواید آن را به مصرف خیر برسانند یا عین آن را بفروشند و در موارد خیر هزینه نمایند، حال یک نفر از آنان فوت شده، در این صورت آیا فرزندان او جای پدر خود در امر وصایت می‌گیرند یا نه؟

ج - در فرض سؤال، دو نفر وصی که در حیاتند عمل به وصیت نمایند.

□ □ □ □

س ۴۰۶۳ - کسی ملکی را به عنوان یک سوم مال خود قرار داده و مواردی را برای هزینه آن تعیین می‌کند و شخصی را وصی خود قرار می‌دهد تا منفعت آن ملک را در آن موارد هزینه نماید اما وصی فوت شده و برادرانی دارد، آیا آنان بدون اذن حاکم شرع می‌توانند در آن ملک تصرف بنمایند یا نه؟

«گلپایگانی»: مراجعه به حاکم شرع نمایند.

* * *

«نکونام»: بدون مراجعه به حاکم شرع و اذن وی کسی حق تصرف ندارد.

□ □ □ □

س ۴۰۶۴ - شخصی از دنیا رفته و برای وارثان خود دو قیم شرعی تعیین نموده به این شرط که هر دو در امر آنان دخالت داشته باشند و یکی از آنان که همهی حساب و معاملات اموال کودکان صغیر در دست او بوده و گاهی نیز آن را به دیگری اطلاع می‌داده از دنیا رفته اما در دفتر خود یادآوری نموده که فلان مبلغ به وارثان بده‌کارم و قیم دیگر از آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و وارثان قیم نیز

می‌گویند پولی بوده و از بین رفته و به ما ارتباطی ندارد تا آن را پرداخت نماییم، حال آیا کودکان صغیر می‌توانند از وارثان وصی مالی را مطالبه نمایند یا نه؟

ج - هرگاه عین عبارت قیمی که فوت نموده این باشد که در سؤال ذکر شده، اظهر در این است که مبلغی را که معین نموده مدیون بوده، بنابراین جزو دیون او محسوب است و باید از ترکیه‌ی او پرداخت شود. بلی، اگر معلوم بشود که این مبلغ نزد او امانت بوده و خیانت او هم معلوم نباشد و تلف شده باشد، چیزی بر ورثه‌ی او نیست، و اگر اختلافی در موضوع دارند، مرافعه‌ی شرعیه نمایند.

□ □ □ □

س ۴۰۶۵ - اگر شخصی پسر دوم خود را وصی و پسر نخست خود را ناظر در امر وصایت نماید، چنانچه وصی برای انجام کارهای میت مانند نماز تعلل و مسامحه نماید، تکلیف ناظر چیست؟ آیا وی می‌تواند بدون اجازه‌ی وصی در کارهای میت اقدام بنماید یا آن که خود وصی باید آن را انجام دهد یا آن که باید با اجازه‌ی حاکم شرع عمل نماید؟

ج - در فرض مسأله، ناظر با اجازه‌ی حاکم شرع وصی را الزام به عمل نماید و اگر امتناع نمود، با اجازه‌ی حاکم شرع ناظر عمل به وصیت نماید، بی‌اشکال است.

□ □ □ □

س ۴۰۶۶ - مقداری پول با کلیده‌ی عواید ملکی که یک سوم مال است وصیت شده در وقت معین و در مورد خاصی صرف شود، آیا وصی می‌تواند در فاصله‌ی زمانی مانده تا آن وقت، از عواید آن به عنوان قرض الحسنه استفاده کند یا خیر؟

ج - جواز اقتراض مذکور محل اشکال است.

□ □ □ □

س ۴۰۶۷ - کسی که کودکان صغیری دارد دیگری را وصی خود قرار داده و وصی در یک سوم مال تصرف می‌کند و سپس او نیز فوت می‌شود اما حال وارثان وصیت کننده از وارثان وصی مال خود را مطالبه و وصی را به خیانت متهم می‌کنند و مدرکی در دست نیست که وصی یک سوم مال را در چه چیزی هزینه کرده است، آیا آنان می‌توانند مطالبه‌ی یک سوم مال را بنمایند یا نه؟

ج - ورثه‌ی موصی حقی بر ورثه‌ی وصی ندارند؛ مگر آن که اثبات کنند وصی خیانت کرده و ضامن شده است.

□ □ □ □

س ۴۰۶۸ - کسی یکی از فرزندان خود را وصی قرار داده تا کفالت فرزندان صغیر او را بنماید و همه‌ی مخارج آنان را عهده‌دار شود، آیا وی می‌تواند مخارج خود را از مال زید بردارد یا آن را از دیگر وارثان مطالبه نماید یا نه؟

ج - وصی حق ندارد مخارج شخصی خود را از ترکه بردارد و یا از ورثه مطالبه نماید. بلی، اگر انجام وصیت محتاج به عملی است که عرفاً اجرت دارد و قصد مجانیت نکرده، می‌تواند اجرت المثل عمل را مطالبه نماید.

□ □ □ □

س ۴۰۶۹ - شخصی در زمان حیات خود به این جانب وکالت داده که به منزل او بروم و مقداری وجه نقد و وسایل او را تصرف نمایم و در صورت فوت، به هرگونه صلاح می‌دانم آن را هزینه کنم و حتی در موقع گفت‌وگو از آن شخص سؤال نمودم که آیا می‌توانم موجودی شما را برای امور خیر یا نماز و روزه مصرف نمایم و وی به این جانب اختیار داد که پس از فوت او به هر طریق که صلاح بدانم دارایی او را به مصرف خیرات برسانم، در ضمن، نامبرده مدت چهل سال بوده که ساکن تهران شده و اهل تبریز است و ورثه‌ی او معلوم نیست چه کسانی

هستند و در زمان حیات خود اظهار می‌کرد که خواهی در تبریز داشته که تا حال فوت نموده، اکنون وظیفه‌ی من درباره‌ی اموال او چیست؟

ج - در فرض سؤال، نسبت به ثلث ترکه‌ی میت وصیت او نافذ است و باید به وصیت او عمل نمایید و نسبت به مازاد بر ثلث باید مادامی که رجای دسترسی به وارث هست، آن را نگاه دارید و هر وقت مأیوس شدید، با اجازه‌ی حاکم شرع از طرف صاحبش آن را مظالم بدهید یا به حاکم شرع تسلیم نمایید تا به وظیفه‌ی خود عمل نماید.

□ □ □ □

س ۴۰۷۰ - شخصی در وصیت‌نامه‌ی خود پنج نفر از وارثان را وصی قرار داده تا یک سوم اموال او را در اولین فرصت در مواردی که تعیین نموده هزینه کنند و در وصیت‌نامه چنین قید شده که برای انجام هر عملی که مربوط به یک سوم مال است همه‌ی آنان موافقت نمایند و این توافق کتبی و با امضای همه‌ی آنان باشد، اکنون بیست و یک سال از فوت وی گذشته و در این مدت بین اوصیا درباره‌ی نحوه‌ی صرف آن توافق حاصل نشده و ملکی که به عنوان ثلث تعیین گردیده و در تصرف ورثه است به علت عدم توافق رو به خرابی نهاده، تکلیف وارثان در مورد این مال چیست و آنان چگونه می‌توانند ذمه‌ی خود را بری نمایند؟ لازم به تذکر است که دیگر وارثان آماده‌اند ملک مورد نظر را در تصرف پنج نفر وصی مزبور قرار دهند که به مصرف مربوط به ثلث برسانند ولی در همین مورد نیز اوصیا با همدیگر اتفاق ندارند، تکلیف ما چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر الزام آن‌ها به اتفاق توسط حاکم شرع ممکن نیست، ورثه با اذن حاکم شرع مورد وصیت را در اختیار اکثر اوصیا که اتفاق نظر دارند بگذارند تا طبق نظر خودشان عمل به وصیت نمایند، و اگر

بعضی از اوصیا امین و بعضی دیگر خاین باشند، با اذن حاکم شرع موصی به را تحت اختیار امنای از اوصیا قرار دهند تا به تکلیف خود عمل نمایند.

□ □ □ □

س ۴۰۷۱ - شخصی در وصیت‌نامه‌ی خود نوشته عواید ملکی را که به عنوان یک سوم مال خود قرار داده‌ام هزینه‌ی روزه و نماز و رد مظالم و کفارات مطلق و امور خیر نمایید، آیا باید این عواید به گونه‌ی برابر در مصارف مزبور هزینه شود یا به تفاوت و مراد از کفارات مطلق چیست؟

ج - اگر در وصیت تعیین نشده، به طور تساوی در موارد مذکوره صرف نمایند و نسبت به کفارات مطلقه اگر از حال او ظاهر باشد که خصوص کفارات معینه‌ای به ذمه دارد، در همان کفارات صرف شود و الا در کفاراتی که محتمل است به ذمه‌ی او باشد صرف شود.

□ □ □ □

س ۴۰۷۲ - زنی وصیت کرده که برادر وی وصی اوست و شوهر وکیل است که وصایای مرا بر طبق وصیت‌نامه عمل نماید، اما شوهر می‌گوید چون من از آن اطلاع نداشته‌ام، من این وصیت را قبول ندارم و وصیت باطل است، در این صورت تکلیف چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر وصیت محرز باشد، زوج که تا بعد از فوت نفهمیده به احتیاط لازم عملی که در عهده‌ی اوست باید انجام دهد و رد نکند. بلی نسبت به سهم الارث، زاید بر ثلث را می‌تواند امضا نکند.

* * *

«نکونام»: بر شوهر لازم است به آن وصیت؛ چنانچه بیش از یک سوم اموال نباشد، عمل کند.

□ □ □ □

س ۴۰۷۳ - کسی وصیت می‌کند هزار تومان از یک سوم مال وی را بابت صله‌ی ارحام به دو نوه‌ی صغیر او بدهند و هزار تومان نیز بدهی دارد و هزار تومان دیگر برای نماز و روزه‌ی خود وصیت می‌نماید و بعد از وفات وی چون پول نقد در میان نبود با تأیید ناظر، یک قطعه باغ در مقابل همان وصیت از اموال وی جدا برای عمل به وصیت کنار گذاشتند و بقیه‌ی آن را قسمت نموده‌اند و آن باغ در دست وصی است و وی مدت بیست سال است که از عواید آن استفاده می‌کند و حال می‌خواهد باغ را به اسم خود ثبت نماید و اظهار می‌دارد که نماز و روزه‌ی موصی را خود انجام داده‌ام و دو کودک صغیر نیز که بالغ شده‌اند باغ را به وصی داده‌اند اما بعد از آن چند بار آن را مطالبه کرده‌اند و وصی در جواب گفته حق شما فقط هزار تومان پول امروزی است و حال آن که قیمت باغ به سبب ترقی اجناس و بالا رفتن نرخ‌ها تقریباً صد برابر شده، آیا آنان می‌توانند باغ را مطالبه نمایند یا تنها حق مطالبه‌ی هزار تومان را دارند؟

ج - در فرض مسأله، اگر وصی باغ را خریده و در مقابل پول باغ، نماز و روزه بجا آورده و پول صغیرها را به ذمه گرفته، فعلاً باغ مال وصی می‌باشد و اگر نخریده، باغ مال ورثه است و وصی پول نماز و روزه را طلب دارد و باید از باغ موصی به مقدار موصی به بپردازند و تتمه، مال مجموع ورثه است، کما فرض الله تقسیم نمایند و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۴۰۷۴ - شخصی فوت نموده و بعضی از وراثان، او را فاقد هرگونه بدهی می‌دانند و برخی دیگر از آنان که وصی شرعی وی می‌باشند بدهی مالی میت؛ مانند زکات، حج، خمس، مظالم و کفارات و هم‌چنین نماز و روزه‌ای را که انجام

نداده و باید برای آن استیجار نمایند پذیرفته‌اند، آیا در این صورت، وصی می‌تواند با اعمال نفوذ و بدون ایجاد فساد، وارثان دیگر را از تصرف در مال وی منع کند یا نه؟

ج - بلی، نسبت به بدهی‌های مالی میت که یقینی باشد؛ مثل زکات، حج، مظالم، خمس و نذور صحیحه و کفارات می‌تواند از اصل مال و نسبت به مواردی که وصیت کرده تاملت ترکه‌ی وصی می‌تواند وراثت را ملزم کند و اگر انکار دارند، رفع امر به حاکم شرع نماید و در صورت امتناع از مرافعه، از حاکم اذن بگیرد.



س ۴۰۷۵ - در صورتی که دارایی میت بیش از بدهی او باشد اما به جهت مسامحه‌ی وارثان، بدهی را کفایت نکند، آیا وصی شرعی که وارث نیز هست می‌تواند بعضی از اموال وی؛ مانند کتاب و وسایل معمولی زندگی را تصاحب کند و آن را به دو برابر قیمت بردارد و بدهی وی را بپردازد یا نه؟

ج - اگر یقین دارید با مراجعه به حاکم شرع، ورثه امتناع از مرافعه داشته باشند، وصی می‌تواند با اذن حاکم شرع تقاص کند.



س ۴۰۷۶ - هرگاه وصی موارد هزینه‌ی مال مورد وصیت را فراموش کند، وظیفه‌ی وی چیست؟

ج - لازم است موصی به را در امور خیریه‌ای که احتمال می‌رود از موارد مصرف وصیت باشد صرف کند؛ ولی اگر خصوص امر خیری را بداند که از مصرف وصیت خارج است نمی‌تواند در آن صرف نماید و این در صورتی است که محتملات غیر محصوره باشد و اما چنانچه امور خیری

که محتمل است مورد وصیت باشد محصور و معین است، باید مصرف را با قرعه یا تصالح قهری یا تراضی تعیین کند.



س ۴۰۷۷ - شخصی کسی را وصی نموده که بعد از مرگ وی برای نمونه مبلغ یک هزار تومان برای او هزینه کند و بعد وی در مسافرت بیمار می شود و در آن جا نیز به کسی دیگر وصیت می نماید که مبلغ مذکور را بعد از مرگ او به مصرف برساند و در همان سفر می میرد و هر دو وصی آن مبلغ را هزینه می کنند و یک سوم مال او نیز زیادتر از هزار تومان نمی شود و وارثان بیش از آن را نمی پذیرند، اکنون تکلیف این دو نفر چیست؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله که هر دو وصی به امر موصی عمل کرده اند، حکم به ضمان میت و لزوم تدارک ضرر از زاید بر ثلث بعید نیست.



«نکونام»: در فرض مسأله، ضمان میت باقی است و بر دو وصی لازم نیست زاید بر یک سوم مال را تدارک و جبران نمایند و وارثان باید خسارت هر دو وصی را جبران نمایند.



س ۴۰۷۸ - به موجب وصیت نامه‌ی رسمی که رونوشت آن ضمیمه است شخصی یک سوم مال خود را در مواردی معین مقرر داشته و مجموع عواید سالیانه‌ی آن فقط یک دهم موارد مصرف را تأمین می کند و وصی از هنگام مرگ وی تا به حال مقدار عوایدی را که با یک سوم مال وی برابر بوده، به تدریج هزینه می نموده و دیگر موارد معین شده را به موازات منافع به دست آمده از آن در هر سال مصرف می نموده، آیا بر وصی لازم است تمام مصارف معین را پیش از

حصول منافع از مال خود یا با قرض گرفتن از دیگری تکمیل نماید و سپس از منافع یک سوم مال، مقدار هزینه شده را جبران نماید یا به همان گونه که عمل می‌نموده، بعد از این نیز عمل نماید؛ چرا که موارد مصرف معین آن زیاد و درآمد آن کم‌تر است؛ به طوری که نمی‌شود با آن منافع، منظور وصیت کننده را در یک یا دو سال انجام داد، آیا بر وصی لازم است موارد معین شده را یکباره انجام دهد و سپس هزینه‌ی آن را به تدریج از منافع آن مال وصول نماید یا میزان هزینه در هر سال باید به مقدار منافع همان سال انجام شود؟

ج - در فرض سؤال، بر وصی لازم نیست قبل از حصول منافع از مال خود یا به وسیله‌ی استقراض مصارف معینه را تکمیل نماید، بلکه بعید نیست گفته شود مطابق عبارت رونوشت که به صرف منافع خانه و املاک در موارد معینه اگر وصی قبل از حصول منافع از مال خود صرف کند عمل به وصیت نشده است.



س ۴۰۷۹ - آیا وصی می‌تواند در زمان حیات فرد وصیت کننده، به وصیت مالی او عمل نماید و برای نمونه، بدهی‌های مالی او را بپردازد یا خیر؟
«گلپایگانی»: با اذن موصی جایز است و بدون اذن او جایز نیست.



«نکونام»: جایز نیست.



س ۴۰۸۰ - آیا موضوع ناظر بودن در وصیت مانند خود وصیت است که چنانچه شخص آن را پذیرفت یا از آن خبر نداشت و بعد از مرگ وصیت کننده از آن

آگاه شد نمی‌تواند آن را رد کند یا با آن تفاوت دارد و ناظر در رد و پذیرش آن در هر زمان که بخواهد اختیار دارد؟

«گلپایگانی»: احوط آن است که ناظر نیز بعد از موت قبول کند؛ چون ناظر قرار دادن وصیت به نظارت است.

* * *

«نکونام»: ناظر می‌تواند آن را نپذیرد.

□ □ □ □

س ۴۰۸۱ - اگر شخصی وصیت کند که درآمد ملکی که آن را به عنوان یک سوم مال خود قرار داده، در سوگواری و اطعام هزینه کند و وصی مبلغ افزوده‌ی آن را با نظر خود در امور خیر هزینه کند اما مقدار و چگونگی هزینه‌ی سوگواری و اطعام را بیان نکرده، آیا وصی در عمل به این وصیت اختیار دارد و تابع نظر خود باشد یا نه؟

ج - بلی، مختار است؛ مگر آن که وصیت منصرف به نحو خاصی باشد.

□ □ □ □

س ۴۰۸۲ - شخصی وصیت می‌نماید که یک سوم مال وی را برای او هزینه نمایند، در این صورت، وصی می‌تواند بعد از فوت وی، یک سوم مال میت را از اجناس نقدی معین کند یا باید یک سوم از هر چیز را بردارد و اگر وارثان حاضر به قسمت مال نباشند و در اثر اختلاف آنان ممکن است یک سوم مال میت از بین برود، آیا وصی می‌تواند با بودن عدول مؤمنان، یک سوم مال را جدا کند یا نمی‌تواند؟

ج - ثلث از تمام ترکه باید خارج شود از منقول و غیر منقول، و در اخراج و تعیین باید با رضایت ورثه باشد، و در صورت امتناع، حاکم شرع آن‌ها را

و ادار به تعیین می نماید و در صورت تمکن، با اذن حاکم شرع و یا عدول مؤمنین و در صورت عدم دسترسی به حاکم شرع و عدول مؤمنین، می تواند از اموال بردارد و به مصرف برساند.

□ □ □ □

□ امین بودن قیّم

س ۴۰۸۳ - در قیّم بر اطفال که از طرف پدر با نبودن جد پدری و یا از طرف جد پدری با نبود پدر معین می شود، آیا عدالت شرط است یا خیر؟
«گلیپایگانی»: اعتبار عدالت خالی از قوت نیست؛ اگرچه اکتفا به امانت و وجود مصلحت بعید نیست.

* * *

«نکونام»: اعتبار عدالت در قیّم شرط نیست و امانت کافی است.

□ □ □ □

س ۴۰۸۴ - هرگاه وصیت کننده سرپرستی اطفال خود را نیز برای وصی قرار داده باشد، وصی در این مورد چه وظیفه ای دارد؟

ج - وظیفه اش نفقه دادن به آنها از مال خودشان بدون اسراف و یا سخت گیری است و باید در این خصوص، امثال و نظایر این اطفال را در نظر بگیرد و بر طبق آن خرج کند و اگر اسراف کند، ضامن زیادی است.

□ □ □ □

س ۴۰۸۵ - وظیفه ی ناظر در باب وصیت چیست؟

ج - وظیفه ی ناظر تابع قرارداد موصی است؛ چون گاهی تعیین ناظر از طرف موصی به خاطر این است که مطمئن باشد که آنچه مورد وصیت است به همان نحوی که منظورش هست واقع می شود و در این صورت

وجود ناظر برای این‌هاست که مراقب وصی باشد و اعمال او با اطلاع ناظر انجام گیرد؛ به طوری که اگر خلافتی از وصی ببیند، به او اعتراض کند و گاهی جعل ناظر از جهت اطمینان نداشتن موصی به نظریات وصی و اطمینان کامل داشتن به نظریات ناظر است و در این صورت باید کارهای وصی بر طبق نظریات ناظر باشد و هر چه را او صلاح دانست انجام دهد و وصی استقلال در رأی و نظر دادن ندارد؛ اگرچه در اصل تصرف استقلال دارد، پس هر کاری از وصی که موافق نظر ناظر باشد، نافذ است و الا نفوذ ندارد. بنابراین، هرگاه وصی عملی را بدون اطلاع و نظر ناظر انجام دهد و عملش بر طبق آنچه موصی خواسته باشد، عمل وصی در صورتی که ناظر از قسم اول باشد صحیح و نافذ است و چنانچه از قسم دوم باشد، نافذ نیست و شاید متعارف در جعل ناظر در باب وصیت همان قسم اول باشد.



س ۴۰۸۶ - آیا وصی نسبت به آنچه در دست وی هست ضامن است یا خیر؟
ج - وصی امین است و ضامن نیست؛ مگر این که تعدی یا تفریط کند و ولو به این که برخلاف وصیت رفتار کند که در این صورت اگر چیزی در دست او تلف شود، ضامن است.



س ۴۰۸۷ - هرگاه وصیت کننده بگوید کسی را وصی خود قرار دادم و اگر پسر بزرگ شد یا از فسق خود توبه کرد یا به فراگیری علوم دینی مشغول شد پسر وصی من است، در صورتی که آنچه گفته حاصل شود، آیا پسر وصی است یا خیر؟
ج - بلی، در فرض مذکور، پسر وصی پدر است.



س ۴۰۸۸ - آیا وصی بعد از موت موصی می تواند خود را عزل کند یا امر وصایت را به دیگری واگذار کند یا خیر؟

ج - حق عزل خود را ندارد و نیز نمی تواند وصایت را به دیگری تفویض کند. بلی، می تواند در انجام بعض امور متعلقه به وصیت که مقصود وقوع آن امور است از هر مباشری، دیگری را وکیل کند؛ خصوصا اگر عادت جاری بر این نباشد که امثال این وصی شخصا مباشرت کند و موصی هم شرط مباشرت نکرده باشد.



س ۴۰۸۹ - هرگاه کسی به چیزی وصیت کند که به اجتهاد وی جایز است، ولی در نظر وصی جایز نیست یا تکلیف وی چیست؟

ج - وصی باید به تکلیف خود عمل کند، پس در صورت اول، وصی نباید بر طبق وصیت عمل کند، و در صورت دوم لازم است عمل کند.



س ۴۰۹۰ - هرگاه انفاق بر صغیر از جمله وظایف وصی باشد و صغیر بعد از بلوغ منکر انفاق شود یا ادعا کند که وصی در نفقه دادن اسراف کرده، گفته ی کدام یک مقدم است؟

ج - در فرض سؤال، وصی باید قسم بخورد و قولش مقدم است.



س ۴۰۹۱ - هرگاه صغیر بعد از بلوغ ادعا کند که وصی مال او را بدون نیاز و مصلحت فروخته، گفته ی کدام یک مقدم است؟

ج - در فرض سؤال، وصی قسم می خورد و قولش مقدم است. بلی، اگر صغیر و وصی اختلاف داشته باشند به این نحو که صغیر بگوید مال مرا

بعد از بلوغ به من ندادی و وصی مدعی باشد که داده‌ام، قول صغیر مقدم است و بر وصی لازم است که اقامه‌ی بینه کند.

□ □ □ □

س ۴۰۹۲ - هرگاه وصی بعد از مرگ وصیت‌کننده دیوانه شود و بعد از مدتی جنون او به کلی از بین برود، آیا او به وصایت باقی است یا خیر؟

ج - به محض جنون، وصایت باطل می‌شود و بعد از بهبودی نیز باز نمی‌گردد و لازم است حاکم شرع کسی را نصب کند. بلی، در صورتی که موصی شخصی را وصی قرار دهد و قبل از این که از دنیا برود وصی دیوانه شود و موصی تصریح کند به این که هر وقت دیوانگی او برطرف شد، باز هم وصی من است؛ چنانچه بهبودی حاصل شود، باز هم شخص مذکور وصی است.

□ □ □ □

س ۴۰۹۳ - آیا لازم است وصی عادل باشد یا خیر؟

ج - لازم نیست و همین اندازه که موثق و مورد اطمینان باشد کافی است؛ اگرچه اعتبار عدالت مطابق با احتیاط است.

□ □ □ □

□ خیانت وصی

س ۴۰۹۴ - شخصی در وصیت‌نامه‌ی خود کسانی را به عنوان وصی تعیین نموده و بعضی از اوصیا در مورد مال تصرفاتی شخصی نموده و آن را به مصرف مورد نظر موصی نرسانیده‌اند؛ چون مقداری از یک سوم هنوز در تصرف وارثان می‌باشد و چنانچه تحویل اوصیا بدهند باز نیز از بین خواهد رفت، تکلیف شرعی وارثان چیست؟

ج - با فرض خیانت بعضی از اوصیا، با اذن حاکم شرع، اموال مورد

وصیت را تحت نظر بقیه‌ی او صیا قرار دهند تا به وظیفه‌ی شرعی عمل کنند.



س ۴۰۹۵ - هرگاه خیانت یا عجز وصی ظاهر شود، تکلیف چیست؟

ج - در مورد خیانت، بعضی فرموده‌اند حاکم شرع می‌تواند او را عزل کند، لکن بعید نیست به نفس خیانت منعزل شود و حاکم شرع می‌تواند شخص دیگری را به جای او نصب کند یا امینی را به او منضم نماید، هر طور صلاح دانست و در صورت عجز، اگر طوری باشد که احتیاج به معاون دارد، حاکم شرع امینی را تعیین می‌کند که او را کمک کند و اگر به کلی عاجز شود، شخص دیگری را به جای او نصب می‌کند.



□ عدول وصیت کننده از وصیت و فسخ آن

س ۴۰۹۶ - شخصی وصیت کرد که یک دانگ زمین او بعد از مرگ برای پسر او باشد ولی در نزدیکی فوت خود وصیت کرد که یک دانگ زمین مذکور برای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد، کدام وصیت را باید عمل نمود؟

ج - در فرض سؤال، جایز است موصی از وصیت اول عدول نماید و وصیت دوم او صحیح است و تا مقدار ثلث ترکه نافذ است و در زاید بر ثلث موقوف به امضای ورثه است.



س ۴۰۹۷ - کسی به سبب ناآگاهی از مسأله، ابتدا وصیت می‌کند که فلان زمین وی را به کسی بدهند و سپس می‌گوید یک سوم مال مرا در موضوعی معین هزینه

کنید و می‌پنداشته که وصیت از اصل مال برداشته می‌شود، در این صورت آیا وصیت اول او به‌قرینه‌ی وصیت دوم باطل است یا نه؟

ج - هر دو وصیت صحیح است و در ما زاد بر ثلث محتاج به امضای ورثه است. بلی، اگر وصیت دوم قرینه‌ی عرفی بر عدول از وصیت اول باشد، وصیت اول باطل می‌شود.



س ۴۰۹۸ - شخصی در حالت سلامتی برای خود وصی تعیین نموده و بعد از مدتی در حال بیماری مرگ در حضور جمعی از افراد مورد اعتماد وصی سابق خود را عزل و وصی جدیدی برای خود معین نموده، در این صورت آیا وصیت دوم معتبر است یا نه؟

ج - اگر مشاعر او بجا بوده، وصیت ثانیه معتبر و وصی قبلی معزول است و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۴۰۹۹ - شخصی در چند سال پیش وصیت نموده که همه‌ی اموال او را بعد از مرگ به پسر برادر او بدهند و فرزندى نیز ندارد و سپس چون همسر او کسی را نداشت پشیمان شده و چند نفر از اهل محل را جمع کرده و وصیت نموده که اموال او برای همسر وی باشد و بعد از مرگ زن هزینه‌ی روضه خوانی باشد و تصریح کرده که وصیت اول باطل است، در این صورت وصیت دوم دربارهِ همسر وی نافذ است یا نه؟

ج - اگر وصیت دوم معلوم باشد، باید عمل شود و در فرض سؤال، اگر ورثه‌ی دیگر این وصیت را امضا ننمودند باید ابتدا ثلث ترکه‌ی میت در اختیار زوجه گذارده شود و از بقیه هم که به ورثه می‌رسد از عین ترکه‌ی

منقول ربع و از قیمت اشجار و هوایی خانه هم ربع سهم الارث زوجه است و باید به او داده شود.



س ۴۱۰۰ - شخصی با کمال صحت و سلامت، وصیت نمود و سپس در شدت بیماری و فشار درد وصیت دیگر نموده، حال، کدام یک از دو وصیت معتبر است؟
ج - در فرض مسأله، وصیت ثانی معتبر است؛ مگر آن که مشاعر او بجا نباشد.



س ۴۱۰۱ - عقد وصیت از عقود جایز است، حال اگر این عقد در ضمن یکی از عقود لازم خوانده شود، آیا این وصیت لازم می شود تا قابل عزل وصی و تغییر نباشد یا خیر؟

ج - وصیت لازم نمی شود. بلی، اگر در ضمن عقد لازم ملتزم شود که از وصیت برنگردد، بر او جایز نیست برگشتن؛ لکن اگر برگشت، به هم می خورد؛ هر چند تکلیفاً خلاف شرع کرده.



س ۴۱۰۲ - شخصی چند سال پیش وصیت کرده و امسال در وصیت نامه‌ی خود تجدید نظر کرده و به پسر بزرگ نیز در زمان حیات تذکر داده بود که وصیت نامه‌ی خود را تجدید کردم و در فلان جا گذاشتم و به پسر گوشزد کرده که به وصیت نامه‌ی دوم عمل کند، حال بعد از مرگ وی، وصیت نامه‌ی دوم پیدا نشده اما وصیت نامه‌ی نخست موجود است، تکلیف وصی وی که می خواهد به وصیت نامه عمل کند چیست؟

ج - آنچه را از وصیت دوم می دانند عمل نمایند و بقیه را بعد از تفحص و

یأس از پیدا شدن آن می‌توانند مطابق احکام ارث عمل نمایند و هکذا چیزهایی که با قطع نظر از وصیت لازم بود عمل کنند از قبیل دیون و حج و امثال ذلک، انجام دهند.



□ تصرف و فسخ

س ۴۱۰۳ - شخصی وصیت می‌کند و سپس وی فرزندان دیگری دارا می‌شود و در اموال مورد وصیت نیز تصرفات انتقالی زیادی می‌نماید و از دنیا می‌رود بدون این که وصیت را فسخ کند، آیا چنین تصرفاتی دلیل بر فسخ وصیت است یا وصیت به حال خود باقی است؟

ج - اگر مورد وصیت عین شخص خارجی باشد، تصرفات ناقله فسخ وصیت است و اما اگر متعلق وصیت کلی باشد؛ مثل این که وصیت به ثلث از اموالش کرده باشد، تصرفات ناقله فسخ وصیت نیست و اولادی که بعد از وصیت به دنیا آمده، مثل دیگر اولاد از متوفی ارث می‌برند.



س ۴۱۰۴ - شخصی یک سوم درخت خرما را مالک است و وصیت می‌کند که بعد از مرگ وی خرمای آن را شب‌های جمعه به مؤمنان انفاق نماید و پس از گذشتن دو سال از وصیت، سهم خود از آن درختی را با دو نهال خرما معاوضه می‌کند ولی هنوز آن را در اختیار نگرفته که از دنیا می‌رود، در این صورت آیا وصی او می‌تواند یک سوم درخت را در برابر دو نهال تحویل گیرد یا نه؟

«گلیپ‌گانی»: در فرض مسأله، معاوضه کاشف از عدول از وصیت است و عمل به وصیت نسبت به عوض محتاج به وصیت دیگر است و در معاوضه، چنانچه صیغه خوانده باشد به عربی یا فارسی، واجب است

درخت خرما را بدهند و دو درخت کوچک را تحویل گرفته، جهت ورثه حفظ نمایند.

* * *

«نکونام»: البته اگر معامله بدون خواندن صیغه و به صورت معاطات نیز انجام گرفته باشد، همین حکم را دارد.

□ □ □ □

س ۴۱۰۵ - شخصی به یک سوم مال خود وصیت نموده و برخی از املاک خود را برای آن تعیین نموده و سپس وی برخی از آن را فروخته، آیا این وصیت نافذ است و یک سوم مال از بقیه‌ی مال برداشته می‌شود یا وصیت باطل است؟
ج - اگر عبارت موصی به نحوی است که از آن استظهار تعدد وصیت بشود، وصیت به ثلث به قوت خود باقی است و باید ثلث باقی را به مصرف برسانند و اگر استظهار شود که غرض، وصیت به صرف رقبات مذکوره است، بیع موصی عدول از وصیت است.

□ □ □ □

□ وصیت باطل

س ۴۱۰۶ - این جانب پدری داشتم که در بهمن ماه سال پنجاه و دو فوت کرده و غیر از این جانب دارای دو پسر است که از عیال دیگری می‌باشند و پدرم وصیت‌نامه‌ای تنظیم نموده مبنی بر این که تمام اموال او از منقول و غیر منقول متعلق به دو پسر است که از مادر دیگر هستند ولی این جانب را در وصیت‌نامه‌ی خود محروم کرده و اکنون پسران طبق وصیت پدر مرا از حق خودم محروم و از اموال او چه منقول و چه غیر منقول چیزی به من ندادند، در این صورت، آیا وصیت پدرم نافذ است یا خیر؟

ج - به‌طور کلی، اگر وصیت به محرومیت یکی از ورثه باشد، باطل است و

اگر وصیت به این باشد که تمام اموالش به بعض ورثه داده شود، نسبت به وارث دیگر در ثلث سهم او بیش تر نافذ نیست و بقیه‌ی سهمش را اگر وصیت را امضا نکند، از ترکه می‌برد.

□ □ □ □

س ۴۱۰۷ - آیا کسی می‌تواند وصیت کند که بعد از مرگ وی اموال او به صورت مساوی میان پسر و دختر تقسیم شود یا نه؟

ج - اگر مقصود این باشد که ماترک به نحو ارث به ورثه از پسر و دختر بالسویه برسد، نافذ و صحیح نیست، و اگر غرضش این باشد که به مقدار تفاوت سهم الارث پسر و دختر به دختر اضافه بدهند، وصیت صحیح است، و در مقداری که زاید بر ثلث نباشد، نافذ است و در مازاد بر ثلث محتاج به امضای ورثه است.

□ □ □ □

س ۴۱۰۸ - شخصی در حال حیات، فرزند خود را از ارث محروم نموده، آیا این وصیت صحیح است یا نه؟

ج - وصیت به حرمان وارث صحیح نیست و اگر وصیت کرده باشد که به بعض ورثه علاوه بر سهم الارث چیزی بدهند، به مقدار ثلث نافذ و در مازاد بر ثلث محتاج به امضای ورثه است.

□ □ □ □

س ۴۱۰۹ - کسی چند پسر دارد که یکی از آنان عمرو نام دارد و پدر به او اموالی را در زمان حیات داده است و وصیت می‌کند که عمرو نسبت به اموال او حق ندارد؛ چون سهم خود را برده ولی از اثاث رعیتی باید سهم ببرد، آیا گاو و الاغ جزو

اثاثیه محسوب است یا نه؟

ج - وصیت به این که عمرو به ماترک حق ندارد باطل است و عمرو هم با سایر ورثه شریک است.

□ □ □ □

س ۴۱۱۰ - شخصی که حج بر او واجب شده فوت نموده ولی وصیت کرده که شخص معینی که امسال اجیر دیگری است، سال بعد از او نیابت کند اما ممکن است تا سال دیگر به جهت وجود مانعی نشود از او استیجار نمود، در این صورت آیا جایز است طبق وصیت عمل شود و شخص معین شده را اجیر کنند یا باید همین امسال دیگری را استیجار نمود؟

ج - ظاهر آن است که عمل به این وصیت مشروع نیست و واجب است با تمکن فوراً نایب بگیرند.

□ □ □ □

س ۴۱۱۱ - شخصی از دنیا رفته و در وصیت نامه‌ی خود نوشته که به یکی از اولاد او سیصد تومان وجه داده شود و از بقیه‌ی اموال ممنوع باشد، آیا این وصیت درست است؟

ج - وصیت به دادن سیصد تومان، اگر زاید بر ثلث نباشد، صحیح است و ممضی و وصیت دوم که از ارث مابقی ترکه محروم باشد، باطل است و از سایر ترکه‌ی حسب السهم ارث می‌برد.

□ □ □ □

س ۴۱۱۲ - شخصی وصیت کرده که پس از مرگ من چشم مرا جدا نموده و به

دیگری دهید، آیا این وصیت شرعی است یا نه؟

«گلپایگانی»: به نظر حقیر، صحت وصیت مسلم نسبت به اجزای بدن خود مشکل است.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

□ وصیت شخصی که خودکشی کرده

س ۴۱۱۳ - وصیت شخصی که خودکشی کرده نافذ است یا نه؟

ج - اگر وصیت قبل از اقدام به خودکشی بوده صحیح است؛ اگرچه در حین وصیت بنا بر خودکشی داشته باشد.

□ □ □ □

س ۴۱۱۴ - گفته می‌شود شخصی که به خود زخمی وارد آورد و یا سمی بخورد و یقین به مرگ داشته باشد، وصیت وی نافذ نیست، آیا چنین است؟

ج - شخصی که به قصد خودکشی سم خورده یا زخمی به خود زده و بعد وصیت کرده، وصیت او نافذ نیست و دلیل آن نص معتبر معمول به است.

□ □ □ □

□ بازگشت وارثان از اجازه‌ی خود

س ۴۱۱۵ - شخصی به بیش از یک سوم اموال خود وصیت نموده و وصیت‌نامه پس از فوت وی برای وارثان خوانده شده و آنان وصیت‌نامه را به احترام پدر امضا کرده‌اند و چند سال نیز به وصیت عمل شده ولی پس از چندی آنان اعتراض کردند و گفتند ما نمی‌دانستیم که مورد وصیت از یک سوم مال زیادتر است، آیا آنان در صورت صدق می‌توانند زاید بر یک سوم مال را به ملک خود

بازگردانند یا نه؟

ج - در فرض مسأله که مورد وصیت را معین کرده و ورثه امضا کرده‌اند، حق رجوع ندارند؛ اگرچه از ثلث بیش تر باشد.

□ □ □ □

س ۴۱۱۶ - ما تقول سيّدنا في من قسم ما يملكه حال حياته على ثلاثة أقسام جعل لنفسه ثلثاً، وأوصى فيه بما يرضى الربّ سبحانه وتعالى، وثلثين منها قسمها على ورثته على ما في كتاب الله من أنّه للذّكر مثل حظّ الاثنتين خشيةً من وقوع الفتنة بينهم وعدم وصول كلّ ذي حقّ إلى حقّه آخذاً منهم العهد والميثاق على أن لا يميلوا إلى الثلث الذي خصّ به نفسه بعد فوته، ثمّ بعد ذلك انتقل إلى رحمة الله، فهل يجوز للورثة الدعوى بثلثي الثلث المزبور بحيث يصفى للمورث منه ثلث الثلث لقاعدة الميراث من أنّ للوارث ما تركه الميّت من بعد وصيّة يوصى بها أو دين أو ليس لهم ذلك، بل المعاهدة التي حلّت من قبل ماضية عليهم.

- اگر کسی اموال خود را در زمان حیات بر سه بخش تقسیم نماید و یک سوم آن را برای خود قرار دهد تا در امور خیر و خدایسندانه هزینه شود و دو سوم دیگر را با توجه به سهام و فرض‌های ارث میان وارثان خویش تقسیم نماید و به هر پسری دو برابر دختر بپردازد تا پس از وی با هم به نزاع بر نخیزند و هر کس به سهم ارث خود برسد و از آنان عهد و پیمان می‌گیرد که در یک سوم مالی که برای خود گذاشته است طمع نورزند و سپس از دنیا می‌رود، آیا برای وارثان جایز است دو سوم از این مال که به عنوان یک سوم مال در نظر گرفته شده بوده ادعا بنمایند یا باید بر همان پیمانی که داده‌اند باقی باشند؟

ج - الظاهر أنّ العهد والميثاق المرقوم بين الموصي والورثة امضا منهم للوصيّة، فلا يجوز لهم إذا كانوا كباراً استرداد ثلثي الثلث.

- ظاهر آن است که عهد و پیمان آنان که میان وصیت کننده و وارثان انجام شده امضا و تأیید وصیت است و از این رو در صورتی که کبیر باشند و نه صغیر جایز نیست دو سوم آن مال را به خود باز گردانند.



□ تبدیل و تغییر وصیت

س ۴۱۱۷ - شخصی وصیت کرده که آنچه از یک سوم مال وی از مورد وصیت افزوده می‌آید در شب‌های جمعه هزینه‌ی تلاوت قرآن شود و این کار مشکل است چرا که مقدار افزوده‌ی آن زیاد است، در این صورت آیا می‌توان آن را هزینه‌ی سخنانی و گفتن تفسیر قرآن کریم کرد یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، باقی مانده‌ی ثلث باید طبق وصیت صرف قرآن خوانی در شب‌های جمعه بشود، و اجازه و اذن برخلاف وصیت صحیح نیست.



س ۴۱۱۸ - زید وصیت کرده که یک سوم از اموال وی هزینه‌ی ساخت مسجد و پل شود، آیا می‌شود از آن برای تکمیل ساختمان کتابخانه‌ای که داخل مسجد ساخته شده هزینه نمود؟

ج - باید طبق وصیت، صرف مسجد و پل سازی شود و صرف آن در تکمیل ساختمان کتابخانه، برخلاف وصیت است و جایز نیست.



س ۴۱۱۹ - شخصی وصیت کرده اجاره‌ی دکان ملکی او را بعد از مرگ وی تا ده سال به شخص معینی بپردازند تا او برای وی نماز و روزه بگذارد و قرآن بخواند ولی یکی از وارثان می‌خواهد سهم خود را اخذ کند و به کسی که به او

تمایل دارد بدهد، آیا چنین کاری جایز است یا نه؟

ج - خلاف وصیت جایز نیست. به نحوی که وصیت نموده باید عمل نمایند و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۴۱۲۰ - شخصی ملک معینی را به عنوان یک سوم مال خود قرار داده و وصیت کرده که همه ساله درآمد آن را هزینه‌ی چاپ کتاب‌های دینی و تألیفات او نمایند و پس از چندی کتاب‌های تألیفی وی مفقود شده و ملک مزبور نیز دیگر درآمدی ندارد و بر این اساس متولی آن را به ملک دیگری تبدیل کرده و وصیت نموده که از درآمد آن کتاب‌های علمی دینی که منحصر در مقدمات، فقه، اصول و تفسیر است خریداری و وقف گردد و سخنی از چاپ کتاب‌های وصیت کننده نبرده و اجازه‌ی خرید کتاب در غیر این موضوعات را نداده، آیا عمل وی جایز است؟

ج - ظاهر این است که باید به همان نحوی که موصی دوم تعیین کرده عمل شود.



س ۴۱۲۱ - پدرم در زمان حیات، درآمد ملکی از خود را به مصرف روضه‌خوانی می‌رسانده و وصیت کرده که درآمد آن هم چون گذشته هزینه‌ی روضه‌خوانی شود و در حال حاضر به سبب پیری و ناتوانی نمی‌توان آن ملک را اداره نمود، آیا می‌توان این ملک را فروخت و بهای آن را هزینه‌ی مسجدی نمایم که آن را در جای دیگر در دست ساخت دارم یا خیر؟

ج - اگر پدرتان در حضور شما وصیت کرده، عایدی ملک را صرف روضه‌خوانی بنمایید و عمل نموده‌اید، نمی‌توانید ملک را بفروشید و به مصرف مسجد برسانید.



س ۴۱۲۲ - شخصی وصیت می‌کند که در دو ماه جمادی الاولی یا جمادی الثانی یک شب به فقیران شام بدهند و روزهی حضرت خدیجه بخوانند ولی دو سال است به علتی موفق به انجام آن نشده‌اند، آیا می‌شود به جای آن در ماه‌های دیگر این روزه را برگزار کنند یا نه؟

«گلبایگانی»: نسبت به دو سال گذشته احتیاط این است در همان ماهی که موصی معین کرده فعلاً به وصیت عمل نمایند و نسبت به حال نیز در همان زمانی که معین کرده به وصیت عمل شود و تغییر زمان جایز نیست.

* * *

«نکونام»: تغییر زمان آن نسبت به دو سال گذشته اشکال ندارد.

□ □ □ □

دیگر مسایل وصیت

س ۴۱۲۳ - پیرزنی وصیت نموده به میزان نیم دانگ و هفت سیر (نیم دانگ برابر با بیست سیر است)، از دکانی که دارد به مصرفی معین برساند اما وی سی و شش سیر از آن را مالک بوده و وی به آن توجه نداشته، آیا در این صورت باید به مورد وصیت عمل نمود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، قدر متیقن وصیت به همان نیم دانگ و هفت سیر است مگر آن که عبارتی گفته باشد که اشاره به مجموع مایملک او از دکان باشد و زاید بر ثلث هم نباشد.

□ □ □ □

س ۴۱۲۴ - شخصی وصیت کرده که از درآمد ملک وی برای او نماز و روزه استیجار نمایند، اکنون به میزان عمر وی نماز و روزه اجاره شده، تکلیف ملک مزبور چیست؟

«گلبایگانی»: بعید نیست صحت تکرار از استیجار آن ثانیاً، ولی بیش‌تر از آن

صحتش معلوم نیست، بنابراین، اگر معلوم باشد که غرض موصی صرف آن در خیرات است باید صرف در خیرات شود.

* * *

«نکونام»: مقدار افزوده باید در امور خیر هزینه شود.

□ □ □ □

س ۴۱۲۵ - کسی وصیت کرده که یک سوم اموال وی در موارد معینی هزینه کنند و وصی با آن اموال کسب کرده و منافع آن را که بیش از اصل سرمایه بوده در موارد معین شده مصرف نموده است، حال آن مال و منافع باقی مانده‌ی آن را در چه راهی هزینه نماید؟

ج - در فرض مذکور، چون ظاهر وصیت صرف عین اموال در موصی به بوده، معاملاتی که با مال الوصایه واقع شده محتاج به امضای حاکم شرع است و بعد از امضای ثلث، بقیه و منافع باید در همان مواردی که موصی تعیین کرده صرف شود و اگر صرف در آن موارد فعلاً موضوع ندارد، در مطلق خیرات برای میت صرف شود کافی است.

□ □ □ □

س ۴۱۲۶ - شخصی به فرزند بزرگ خود وصیت کرده که مبلغی از سهم سادات را از مال او بدهند، آیا وصی می‌تواند سهم سادات وصیت شده را به برادر کوچک خود با فرض استحقاق شرعی بدهد یا حکم دادن خمس به کسانی که نفقه‌ی آنان واجب است را دارد؛ چون آن را از طرف پدر به وی می‌دهد؟

ج - مانع ندارد؛ مگر این که وصیت منصرف از فرزند خود موصی باشد.

□ □ □ □

س ۴۱۲۷ - شخصی وصیت کرده مقداری از مال مرا به فرزندان صغیر پسر بدهید و فرزندان صغیر وی پسر و دختری هستند، این اموال را چگونه باید تقسیم نمود؟

ج - در صورتی که قید نکرده باشد که پسر دو مقابل دختر ببرد، مال را بین آنها به تساوی تقسیم کنند.



س ۴۱۲۸ - شخصی مورد وصیت خود را فرش خانه قرار می‌دهد و حال شخصی اظهار می‌دارد که نباید روی فرش‌های خانه‌ی وی نشست و مراسم عزای او را بر آن برگزار کرد اما بین ما چنین مرسوم است که اگر شخصی وصیت کرده باشد می‌توان بعد از مرگ وی در منزل و لوازم خانه‌ی او جهت انجام وظایف عزای او استفاده کرد؛ مگر این که بدون وصیت از دنیا رفته باشد که در این صورت از استفاده‌ی آن خودداری می‌نماییم، حال آیا گفته‌ی وی صحیح است؟

ج - به‌طور کلی، وصیت اگر زاید بر ثلث نباشد، نافذ است و در مازاد محتاج به امضای ورثه است و اگر متوفی صغیر دارد، تصرف در آنچه از ترکه‌ی میت که مورد وصیت نیست و مازاد بر ثلث است باید با اجازه‌ی ولی شرعی صغیر باشد و اگر تمام ورثه کبیرند، با رضایت آنان تصرفات مذکوره بی‌اشکال است و اگر متعارف باشد نشستن روی فرش، با وصیت همان نحو عمل کنند؛ هرچند صغیر داشته باشد.



س ۴۱۲۹ - تا ثلث اموال میت منجز نشود تصرفات ورثه در ترکه‌ی متوفی جایز نیست. عمل نمودن به این مسأله در دو صورت ممکن است یا فروش قطعی و یا تقسیم قطعی باین که شخص متوفی املاکی داشته باشد که به حسب قسمت

می‌شود آن را تقسیم نمود به سه قسمت و درآمد یک قسمت آن را برای شخص متوفی مصرف نمود ولی اگر طوری باشد که فروش آن مقدور نباشد یا از جهت عدم مشتری و یا جهات دیگر تکلیف ورثه نسبت به عبادات و تصرفات دیگر چیست؟

ج - در فرض مسأله، وصی یا ولی شرعی اگر ممکن است، بعد از موت به وصیت عمل می‌کند و الا از اموال به مقدار ثلث جدا می‌کنند و هر وقت ممکن شد می‌فروشند و اگر ممکن نشد، معذور هستند و در مابقی اموال می‌توانند تصرفات کنند.



س ۴۱۳۰ - پدرم وصیت کرده که از درآمد ملکی به مدت چند سال برای او نماز و روزه استیجار نمایم و در هر سالی بخشی بابت زکات به فقیران محل پرداخت نمایم و مبلغی را از سهم سادات و سهم مبارک امام علیه السلام ادا کنم و هر سال ده روز روضه خوانی نمایم و درآمد ملک مزبور در هر سالی شش هزار تومان بوده و هزینه‌های آن ملک را تأمین نمی‌کند، آیا می‌توان یک ششم درآمد آن ملک را به رعیت و کارگر بپردازم تا حاصل آن را جمع آوری و نقد کرده تا بتوانم به وصیت پدرم عمل نمایم و الا عمل کردن به وصیت او ممکن نیست؟

ج - از موضوع شخصی اطلاع ندارم. به نحو کلی بر وصی لازم است هر مقدار ممکن باشد از منافع مورد وصیت به مصارفی که وصیت شده برساند و زاید بر آن تکلیف ندارد و در مورد سؤال، چنانچه جمع آوری عواید و عمل به وصیت موقوف به پرداخت شش یک درآمد به کارگر است مانع ندارد.



س ۴۱۳۱- در بعضی از روستاها رسم است که بعد از فوت اشخاص عالمی را جهت تقسیم اموال و ترکه‌ی میت دعوت می‌کنند و وارثان یک سوم اموال او را به آن عالم می‌دهند، در این صورت، وظیفه‌ی آن عالم نسبت به یک سوم مالی که به او داده می‌شود چیست؟

ج - اگر میت وصیت به ثلث کرده و مصرف معین نشده؛ به نحوی که در محل متعارف است مصرف شود، و اگر وصیت نکرده، کبار ورثه می‌توانند هر مقدار از سهم الارث خود را که بخواهند صرف در خیرات برای میت نمایند و در این صورت، آن عالم که وجه را می‌گیرد، مصرف را از خود آن‌ها سؤال کند.



س ۴۱۳۲- کسی در وصیت‌نامه‌ی خود تصریح کرده که به مبلغ پانصد تومان برای او نماز قضا استیجار نمایند ولی وارثان تاکنون که هجده سال از آن می‌گذرد به این وصیت عمل ننموده‌اند، آیا باید به همان میزان پانصد تومان پیش نماز قضا استیجار نمایند یا برای نمونه اگر با پانصد تومان در هجده سال پیش ممکن بود پنج سال نماز استیجار شود باید هم‌اکنون پنج سال نماز استیجار کنند؟

ج - اگرچه وصی در این تأخیر معصیت کرده، ولی ظاهر این است که بیش از پانصد تومان استیجار نماز قضا واجب نیست، ولی اگر ورثه تبرعا برای میت به مقداری که در هجده سال قبل استیجار نماز با این مبلغ ممکن بوده استیجار نمایند، مناسب است، و امید است که جبران معصیت تأخیر هم بشود.



س ۴۱۳۳ - پدری به فرزند خود وصیت کرده که یک سوم مال او را در همانند مورد خمس، زکات، نماز و روزه بپردازند و بقیه‌ی اموال همان گونه که در شرع تعیین شده میان وارثان تقسیم شود و منزلی که برای یک سوم مال تعیین شده در اختیار برادر وی می‌باشد و آن را تخلیه نمی‌کند و از طرفی نیز وارثان دیگر راضی به فروش خانه نمی‌شوند، در این صورت آیا عمل به وصیت که از عهده‌ی وصی خارج است واجب است یا نه؟

ج - در فرض مذکور، اگر ورثه، زمین و خانه را به عنوان ثلث از ترکه تحویل وصی و به قبض او داده باشند، آن زمین و خانه مال الوصایه است و باید به مصرف مواردی که موصی معین کرده برسد و تصرف دیگران در آن جایز نیست و غضب است و اگر تعیین مال الوصایه نشده، تقسیم ترکه قبل از عمل به وصیت جایز نیست و تصرفات ورثه در آن حرام است. بلی، در صورتی که بعضی ورثه امتناع از عمل به وصیت داشته باشند و اجبار و الزام آن‌ها ممکن نباشد، لازم است وصی نسبت به سهم خودش به وصیت عمل نماید.



س ۴۱۳۴ - کسی وصیت می‌کند که فلان وارث من در ایام ناتوانی و بیماری از من پذیرایی کند و این مقدار از اموال مرا برای مزد به او بدهید و یا وارث از او پذیرایی کند و از موصی و یا از وارثان دیگر عنایتی به او شود، در این صورت، آیا در فرض اول وصیت نافذ است یا نه و در فرض دوم، آیا مستحق اجرت می‌شود و آیا ادای آن بر وارثان لازم است یا نه؟

ج - در فرض اول، با انحصار وصیت به مقدار ثلث، مبلغ تعیین شده را باید بدهند و در زاید بر ثلث محتاج به امضای ورثه است و در فرض دوم،

در صورتی که زحمات را بدون امر میت متحمل شده باشد، چیزی طلب کار نیست.



س ۴۱۳۵- اگر نماز و روزه بر عهده‌ی میتی باشد و به آن وصیت نکرده، آیا باید هزینه‌ی استیجار آن را از اصل مال خارج نمود یا از یک سوم اموال وی؟
ج - به نظر حقیر، صوم و صلوات از اصل ترکه خارج نمی‌شود، لکن چنانچه وصیت به صوم و صلوات شود، باید از ثلث خارج نمود و در زاید بر ثلث محتاج به امضای ورثه است.



س ۴۱۳۶- شخصی مستطیع بوده و وصیت نموده که یکی از فرزندان وی به نیابت از او حج بجا آورد، آیا مبلغی را که معین نموده باید از اصل مال برداشت یا از یک سوم آن، و همچنین آیا هزینه‌ی افزوده از متعارف را می‌شود از یک سوم مال منظور داشت؟

ج - به مقدار استیجار حج میقاتی، از اصل مال و زاید بر آن از ثلث خارج می‌شود.



س ۴۱۳۷- کسی وصیت کرده که از بابت کفاره و یا یک سوم مال وی مبلغی به فقیران داده شود و وی خود دارای فرزندان صغیر می‌باشد که فقیر و بی‌بضاعت هستند، آیا در این صورت می‌شود آن مال را به فرزندان وی داد یا نه؟
همچنین آیا جایز است از درخت‌های توت که وقف عام است، مقداری چوب برید؛ در حالی که مصلحت در بریدن مقداری از چوب‌های آن است، و آن را به مصرف مسجد رساند یا نه؟

ج - مانع ندارد که وصی وجوه مزبوره را به صغار بپردازد؛ مگر در موردی

که وصیت منصرف به غیر فرزندان خود موصی باشد و راجع به سؤال دوم، اگر وقف عام است، اشکال ندارد.



س ۴۱۳۸ - کسی برای گزاردن نماز اجیر شده و هنگام مرگ به آن وصیت نموده اما نام صاحبان نمازها به کلی مفقود شده، حال تکلیف وارثان برای ادای آن چیست؟
ج - در صورتی که مقدار وجه صلوات معلوم باشد، هر وجهی را به قصد صاحب آن نماز و روزه بجا بیاورند کافی است و ممکن است به ترتیب به قصد نمازی که ابتداءً ذمه‌اش مشغول شده و بعد نمازی که بعد از آن اجیر شده قضا نمایند.



س ۴۱۳۹ - زنی وصیت کرده که از مال وی مبلغ دو هزار تومان به مصرف نماز، روزه، زکات، خمس و مظالم برسانید ولی وارثان وی بعد از فوت او می‌گویند مادر ما هیچ مالی برای زکات بده کار نبوده و او نمی‌دانسته که زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد و مظالم نیز نداشته و همه‌ی اموال او به وی ارث رسیده، در این صورت مبلغ مورد وصیت را چگونه در موارد آن تقسیم نمایند تا وظیفه‌ی خود را انجام داده باشند؟

ج - با فرض آن که وصی یقین دارد که از راه عدم درک معنای خمس و زکات و مظالم گفته و ابدا چیزی نه یقینی و نه احتیاطی در ذمه‌ی او نبوده، به یقین خود عمل کند و مال را اگر از ثلث متجاوز نیست، به مصرف صوم و صلوات برساند و اگر از ثلث زیادتر است، از ورثه استیذان نماید.



س ۴۱۴۰ - شخصی وصیت نموده بخشی از یک سوم مال وی برای نماز و روزه و بخشی دیگر در تعلیم و تربیت فرزندان صغیر او هزینه شود تا قرآن یاد بگیرند و عین عبارت وصیت نامه چنین است «مابقی ثلث را در تعلیم و تربیت صغار صرف نمایید تا قرآن خوان شوند»، در خلال این مدت در عمل به وصیت نامه از طرف وارثان با وصی مخالفت شده و در نتیجه‌ی گذشت زمان موضوع تعلیم و تربیت آنان منتفی شده، و حال همان صغیران که در حال حاضر بزرگ شده‌اند می‌گویند از عبارت وصیت نامه برمی‌آید که مبلغ باقی مانده از یک سوم مال حق ماست و باید به ما برسد؛ خواه در تعلیم و تربیت ما هزینه شود یا نشود، آیا گفته‌ی آنان درست است؟

ج - ظاهراً مقدار باقی مانده ثلث ملک همه‌ی ورثه است و باید کما فرض الله بین آنها تقسیم شود، ولی اگر امکان دارد که صرف تعلیم قرآن به همان صغاری که فعلاً کبار شده‌اند بشود و همه‌ی ورثه رضایت بدهند، بهتر است.



س ۴۱۴۱ - کسی دیگری را وکیل می‌کند که در همه‌ی امور وی دخالت داشته باشد و همه‌ی حواله‌ها و اسنادی که به نام وی است را ادا کند و کسی حق معارضه و مزاحمتی برای وی را ندارد و در حاشیه‌ی همان وکالت نامه می‌نویسد چنانچه از دنیا رفته‌ی فرموده‌ی خداوند را «من بعد وصیة یوصی بها أو دین» منظور دارید، آیا این وکالت فقط در حال حیات موکل نافذ و مورد عمل است یا بعد از وفات وی نیز نفوذ دارد و نیز کلمه‌ی «دین» که قید شده، چه بدهی‌هایی را شامل می‌شود؟

«گلی‌یگانی»: ظاهراً عبارت حاشیه، وصیت به ادای دیون است بعد از موت، و

وصی باید بعد از موت، دیون او را از اصل مال عیناً یا منفعتاً ادا نماید، و دین اعم است از قروض مردم و مهریه‌ی عیال و خمس و زکات و کفارات و مظالم عباد، بلکه بعید نیست در این مقام صوم و صلوات را هم شامل باشد.

* * *

«نکونام»: عبارت عموم و شمول کلی دارد و بعد از مرگ و عباداتی مانند نماز و روزه را نیز شامل می‌شود.

□ □ □ □

س ۴۱۴۲ - هرگاه شخصی به کسی پولی بدهد تا نماز و روزه برای فرزند وی استیجار نماید و پیش از آن که وی چنین کند، سفارش کننده بمیرد، آیا مبلغ مذکور جزو ترکه و مال وارثان است یا وصیت است و باید در نماز و روزه‌ی سفارش شده هزینه شود؟

ج - ماترک میت است و مال ورثه است.

□ □ □ □

س ۴۱۴۳ - هرگاه کسی که به او وصیت می‌شود یک بخش از وصیت را بپذیرد و بخش دیگر را رد کند، حکم آن چیست؟

ج - مشکل است؛ چون قبول با ایجاب تطابق ندارد؛ مگر این که ایجاب مرکب از دو ایجاب باشد؛ مثلاً موصی بگوید این ملک مال زید باشد و این ملک مال عمرو؛ بر خلاف این که بگوید این ملک مال زید و عمرو باشد.

□ □ □ □

س ۴۱۴۴- اگر وصیت کننده بعد از وصیت به بی هوشی یا دیوانگی دچار شود، آیا وصیت باطل می شود یا خیر؟

ج- باطل نمی شود؛ اگرچه بی هوشی یا دیوانگی تا حال مرگش ادامه پیدا کند.



س ۴۱۴۵- در موارد اعتبار قبول در وصیت، آیا باید قبول آن لفظی باشد یا لازم نیست؟

ج- کفایت می کند هر قول یا فعلی که دلالت بر قبول کند؛ مانند گرفتن موصی به و تصرف در آن.



س ۴۱۴۶- شخصی در حدود شصت سال پیش وصیت کرده که منافع دو قطعه زمین را برای همیشه در مواردی صرف کنند و در وصیت نامه آمده یک دهم برای منافع حق وصی و بیست تومان برای روضه خوانی و بیست تومان برای کمک به زایران کربلا و مشهد الرضا نفری یک تومان و دوازده ختم قرآن به مبلغ سه تومان یعنی هر ختم قرآن دو قران و نیم و باقی مانده ی آن را نصف کنند، نصف آن را کفاره ی ماه رمضان و غیره بدهند و نصف دیگر را رد مظالم بدهند، چنانچه ملاحظه می فرمایید موارد صرف منافع به استثنای حق وصی به پول تعیین شده و نمی دانیم بیست تومان چه نسبتی با تمام منافع آن دو قطعه زمین داشته و در حال حاضر مال الاجاره ی آن بیش تر شده و در نتیجه نمی دانیم منافع به چه نسبتی باید به مصرف برسد و آیا می توان پس از دادن یک دهم درآمد آن به وصی بیست تومان قدیم را تقویم کنیم و قیمت آن را از مال الاجاره ی فعلی هزینه ی روضه خوانی و به همین میزان دیگر مصارف تعیین شده را بسنجیم و

قیمت سه تومان قدیم را برای قرائت قرآن بدهیم و اگر از آن افزوده آمد به مصرف کفاره و رد مظالم برسانیم و یا این که باید سهام آن تعیین شود و در این صورت، سهم مصرف کفاره و رد مظالم چقدر است؟

ج - در فرض مسأله، به نظر حقیر لازم است تفحص نمایید که معلوم شود بیست تومان در آن زمان با تمام مال الاجاره چه نسبت داشته و فعلاً به همان نسبت روضه خوانی بنمایید، و هکذا در سایر موارد وصیت و ظاهراً تعیین ممکن است.



س ۴۱۴۷ - اگر نباید سهام تعیین شود، بلکه بیست تومان قدیم هزینه‌ی روضه خوانی و بیست تومان دیگر هزینه‌ی کمک به زایران شود، چنانچه به همه‌ی مصارف وافی نشود چه باید کرد و در صورتی که قیمت فعلی سه تومان قدیم برای دوازده ختم قرآن بسنده نباشد، آیا از باقی مانده که برای کفاره و رد مظالم تعیین شده می‌توان آن را انجام داد؟

ج - بر فرض که قیمت بیست تومان آن زمان اقرب طرق برای میزان مال الاجاره باشد، ابتدا می‌شود به آن چه مقدم ذکر شده و بعد هر مقدار که باقی بماند، مصرف مظالم و کفاره می‌شود و اگر قیمت سه تومان وافی به ختم قرآن نباشد، هر مقدار ممکن است استیجار شود.



س ۴۱۴۸ - شخصی بدون وصیت از دنیا رفته و وارثان او دو دختر هستند که یکی از آنان سفیه است، آیا می‌شود لباس آن میت را که عین آن برای وارث کاربرد ندارد به کسی داد تا برای میت نماز و روزه بجا آورد یا خیر و در صورتی که

بدانند میت خمس مال خود را نداده، آیا می‌شود آن لباس را به عنوان سهم سادات به مستحقان آن پردازند؟

ج - از سهم سفیه جایز نیست صرف در نماز و روزه نمایند و اما دادن خمس از سهم او موقوف به اذن ولی شرعی است.



س ۴۱۴۹ - شخصی وصیت کرده که هزار تومان از اموال وی را در نماز و روزه هزینه نمایند و مدت و مقدار آن را تعیین ننموده، آیا باید مبلغ مذکور را نصف نمود و نصف آن را در نماز و نصف دیگر را در روزه هزینه کرد؛ هرچند بتوان پنج ماه روزه و دو سال و نیم نماز گزارد یا باید نماز و روزه با هم برابر باشد؛ اگرچه قیمت نماز بیش از روزه باشد؟

ج - در فرض مسأله، با هر یک سال نماز یک ماه روزه استیجار شود.



س ۴۱۵۰ - اگر وصیت شود مبلغ یک هزار تومان از اموال مراد نماز، روزه، مظالم و خمس هزینه نمایند ولی مقدار هیچ کدام تعیین نشده باشد، چه باید کرد؟

ج - سه قسمت شود یک قسمت خمس، یک قسمت مظالم، و یک قسمت نماز و روزه.



س ۴۱۵۱ - شخصی وصیت می‌کند که یک سوم از اموال وی را بعد از مرگ او به هزینه‌ی وی برسانند و بعد از مرگ یک سوم اموال وی به ده هزار تومان قیمت شود ولی وارثان اعتراض می‌کنند که این اموال به گزاف قیمت شده و مبلغ یاد شده از یک سوم آن زاید است و وی وارث صغیر نیز دارد که باید ملاحظه‌ی او

شود، در این صورت چه باید کرد؟

«گلپایگانی»: میزان در تعیین قیمت، رجوع به خبره‌ی عادل است و باید دو نفر باشند.

* * *

«نکونام»: لازم نیست خبره و کارشناسان دو نفر باشند، بلکه کافی است وی ثقه و قابل اطمینان باشد.

□ □ □ □

س ۴۱۵۲ - اگر بیش تر اموال میت ملک باشد و وی وصیت کند که یک سوم اموال وی را برای او هزینه کنند و وارثان قطعه‌ای از ملک را بدین منظور برای همیشه کنار بگذارند و از درآمد سالانه‌ی آن هزینه کنند، آیا این کار درست است یا لازم است آن را به فروش برسانند و قیمت آن را هزینه کنند؟

ج - با فرض وصیت به ثلث، باید خود مال را صرف نمایند؛ نه این که کنار بگذارند و عوایدش را صرف کنند.

□ □ □ □

س ۴۱۵۳ - اگر کسی را وصی قرار دهد که پس از مرگ او مقداری از یک سوم اموال او را در راهی معین و با مبلغی معین هزینه نماید و با بقیه‌ی یک سوم از مال ملکی خریداری و وقف کند تا همه ساله هر گونه که صلاح می‌داند به مصرف خیرات و صدقات برسد اما وصی هم‌اکنون صلاح نمی‌داند که با بقیه‌ی یک سوم آن ملکی بخرد و در نظر دارد ملکی را خریداری و در مدت معین حبس کند و منافع آن را در راه خیر هزینه نماید و سپس آن را به عین دیگر که نافع تر باشد تبدیل نماید، آیا این کار جایز است یا باید ملکی را خریداری و

وقف موبد کند که قابل تبدیل نباشد؟

ج - اگر وقف ملک از مابقی ثلث محذوری که منافعی با غرض موصی باشد ندارد، وقف نماید و اگر محذور دارد، ممکن است ملکی به عنوان مال الوصایه خریداری شود و تا مدت معین حبس گردد و در سند قید شود که پس از انقضای مدت، اگر وصی یا قائم مقام شرعی او صلاح دانست و انفع تشخیص داد، آن را بفروشد و ملک دیگر را خریداری و حبس نماید و الا حبس را نسبت به همان ملک به همین نحو تجدید نماید، و اگر فعلاً محذوری که در آن موقع برای وقف بوده است مرتفع شده، آن را وقف نمایند.



س ۴۱۵۴ - شخصی وصیت کرده که یک سوم مال وی که پنجاه هزار تومان است و درآمد خالص آن پنج هزار تومان می باشد مورد حبس قرار دهند و درآمد آن را به مصارف خیریه برسانند ولی به قاعده‌ی الایم فالایم و پس از ده سال بین وارثانی که توانایی اداره‌ی معیشت و تهیه‌ی منزل را ندارند همانند سهام ارث تقسیم شده و حال در دارایی برخی از آنان تشکیک شده در این صورت آیا وصی می تواند به تشخیص خود عمل نماید یا باید همه‌ی وارثان آن را تصدیق کنند؟

ج - اگر موصی مقرر کرده باشد که با تصدیق و نظر ورثه، مال الوصایه بین اشخاص مرقوم تقسیم شود، باید وصی نظر آن‌ها را مراعات کند و اگر وصی اختیار مطلق دارد، آن را بین کسانی که واجد شرط تشخیص می دهد تقسیم نماید، و چنانچه دیگران خود را واجد شرط می دانند و با وصی اختلاف دارند، مراغه‌ی شرعیه لازم است.



س ۴۱۵۵ - شخص در عبادات خود مسامحه کرده و شاید هفتاد سال از عمر خود را نماز نخوانده ولی روزه‌های خود را گرفته و فقط روزه‌های چهار سال آخر عمر خود را بدون عذر خورده و مظالم نیز بر عهده دارد و از اموال وی مبلغ هفتصد تومان در سه روز بزرگداشت او هزینه شده و در این صورت در بقیه‌ی اموال وی که در پیش پسرش موجود است برای نمازها و روزه‌هایی که نگزارده و مظالمی که بر عهده دارد چه باید کرد و هزینه‌های سه روز مجلس ترحیم وی بر عهده‌ی کیست؟

ج - در فرض سؤال، قضای نماز و روزه‌ی پدر بر عهده‌ی پسر بزرگ است که باید خودش بجا آورد و یا اجیر بگیرد که قضای آن‌ها را بجا آورد و اما کفاره‌ی روزه که بدون عذر افطار نموده و هم‌چنین مظالم عباد و سایر دیون مالی از اصل ترکه‌ی میت خارج می‌شود و اگر وصیتی نکرده باشد، بقیه‌ی اموال او بین ورثه تقسیم می‌شود و برداشتن پولی که برای مجلس ترحیم صرف شده از ترکه، موکول به اذن ورثه است.



س ۴۱۵۶ - شخصی وصیت کرده مبلغ معینی را به کسی بدهند اما وصی به وصیت عمل نمی‌کند، آیا شخصی که برای او وصیت شده می‌تواند آن را از مال وصیت‌کننده بر دارد یا نه؟

ج - در صورت صحت وصیت و عدم اقدام وصی، موصی له می‌تواند با اذن حاکم شرع مال الوصایه را اخذ نماید.



س ۴۱۵۷ - کسی وصیت کرده که چند قطعه زمین وی را به فروش برسانند و آن را برای وی در کارهای خیر و نیک هزینه کنند اما بعضی از قطعات زمین مورد

وصیت دارای محصول است که وصیتی به آن نشده، آیا محصول نیز داخل در وصیت است یا نه؟

ج - در صورت تحقق وصیت، با فرض آن که ذکر محصول نشده، محصول داخل نیست.



س ۴۱۵۸ - کسی وصیت می‌کند که مبلغ پنج هزار تومان از یک سوم مال او به دختر وی برای تأمین جهیزیه‌ی خود پرداخته شود، حال اگر دختر در زمان حیات پدر به خانه‌ی شوهر رفته باشد، آیا وصیت بعد از مرگ پدر باید اجرا شود یا خیر و در صورت نفی بودن جواب؛ چنانچه دختر مدعی باشد که جهیزیه را از حقوق خود که فرهنگی است تهیه کرده آیا باید ادعای خود را ثابت کند یا ادعای وی بسنده است و طرف مقابل وی باید ثابت کند که پدر جهیزیه را به او داده است؟

ج - در فرض مسأله، اگر ورثه اقرار دارند که اگر پدرش مبلغ مزبور را نداده باشد بر حسب وصیت باید از ترکه داده شود و نزاع در پرداخت پدر و عدم پرداخت آن باشد، دختر منکر و آن‌ها مدعی هستند و اگر نزاع در تعمیم وصیت و عدم آن باشد، ممکن است نحو دیگر شود و در هر حال، چون نزاع موضوعی است، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است. حاکم شرع وظیفه‌ی هر یک را تعیین می‌کند.



س ۴۱۵۹ - شخصی در حال حیات دارایی خود را به وارثان می‌بخشد و پس از آن چون احتمال استطاعت در باره‌ی خود می‌داده از وارثان تقاضای حج می‌کند و پس از فوت او وصی او که خود از وارثان است تشخیص می‌دهد که استطاعت وی در حال حیات ثابت بوده، آیا بر وارثان گزاردن حج میقاتی کافی است یا

خیر؟ در ضمن، مقداری از مال وی در اختیار وصی است که باید آن را در امور خیر هزینه کند، آیا هم اکنون وی باید همان مال را در امور خیر هزینه کند یا نه و آیا وصی از همان مال مورد وصیت می‌تواند برای پدر خود حج بگیرد یا نه؟

ج - اگر وصیت به حج نکرده است، استنباه‌ی حج میقاتی کفایت می‌کند و در صورتی که وصیت کرده که ثلث او صرف امور خیریه شود، صرف آن در استیجار حج مانعی ندارد.



س ۴۱۶۰ - شخصی وصیت کرده که یک سوم همه‌ی املاک وی را هزینه‌ی او کنند و مصرف آن را تعیین ننموده و پس از مرگ وی وصی به آن وصیت عمل نکرده و آن املاک را فروخته و مشتریان چون می‌دانند که یک سوم آن مال مورد وصیت بوده، خود می‌خواهند آن را بپردازند تا تصرف آنان در آن ملک جایز باشد، آیا آنان می‌توانند آن را در هر کار خیری هزینه کنند یا خیر؟

ج - اگر متعارف محل، صرف نمودن این‌گونه مال الوصایه در موارد معلومی است که محتمل باشد آن موارد منظور موصی بوده، با اذن حاکم شرع در آن موارد صرف نمایند و الا در هر امر خیری با اذن حاکم شرع مصرف کنند.



س ۴۱۶۱ - آیا در وصیت لفظ خاصی معتبر است یا نه؟

ج - لفظ خاص لازم نیست و کفایت می‌کند هر کلامی که دلالت بر وصیت کند و به هر لغتی که باشد.



س ۴۱۶۲ - در وصیت نامه‌ای که کپی آن به پیوست آمده «یک قطعه بیشه دارم، درخت آن را به مسجد خرج نموده و علفش را اولاد خودم بردارند که عبارت از پسران می‌باشند چون که زحمت جنگل را عهده دارند و اگر از درخت‌ها برای خود خرج کنند، مباح است»، حال از متن وصیت نامه دانسته نمی‌شود مراد از بیشه، زمین یا درخت‌های آن است یا هر دو تا بعد از قطع درخت‌ها، زمین جزو ترکه باشد یا زمین بیشه مال مسجد است و در صورتی که زمین بیشه جزو ترکه باشد، آیا پسران می‌توانند دختران را از آن بی‌بهره کنند یا نه و یکی از پسران بخشی از آن را فروخته، آیا معامله‌ی وی صحیح است؟

ج - فتوکی وصیت نامه ملاحظه شد، ظاهر جمله، وصیت به صرف درخت بیشه در مصارف مسجد است که بعد از قطع درخت و صرف آن، موضوع وصیت منتفی می‌شود و ورثه می‌توانند زمین را در بین خود تقسیم نمایند و زمین مزبور مانند سایر ماترک است و متعلق به تمام ورثه است و اختصاص به اولاد ذکور ندارد و اما قطعه زمین فروخته شده نسبت به سهم اولاد غیر ذکور معامله‌ی فضولی است و موقوف بر اجازه‌ی سایر ورثه می‌باشد.



س ۴۱۶۳ - آیا لازم است عین مورد وصیت در حال وصیت موجود باشد یا لازم نیست؟

ج - اگر بعد هم موجود شود کافی است بنابر این وصیت به بچه‌ای که حیوان بعدا به او حامل می‌شود یا میوه‌ای که بعدا از درخت به وجود می‌آید صحیح است.



س ۴۱۶۴ - شخصی وصیت نموده مبلغ ده هزار تومان برای وی در حج بلدی و نماز و روزه و دیگر امور خیر هزینه شود و وصی پیش از آن که مبلغ مذکور را از اصل ترکه تعیین کند مبلغ یک هزار و پانصد تومان در راه وی هزینه کرده و بر اثر زلزله بخش عمده‌ای از املاک وی از بین رفته و قیمت آن ممکن است بیش‌تر یا کم‌تر از مبلغ مذکور باشد و بر فرض کم‌تر بودن، ممکن است برای ورثه چیزی نماند، در این صورت تکلیف چیست؟

ج - در فرض مسأله، ظاهراً لازم است وصی تمام ده هزار تومان را به مصرف وصیت برساند و ضرر زلزله به وصیت وارد نمی‌شود، بالخصوص اگر بعد از زلزله باز هم ده هزار تومان زاید بر ثلث مال نباشد و یا به واسطه تأخیر در عمل به وصیت تقصیر شده باشد که در این صورت، تقصیرکننده ضامن است؛ هرچند تمام مال تلف شده باشد.



س ۴۱۶۵ - شخصی در حال حیات خود بخشی از اموال خود را در قالب صلح به همسر خود واگذار نموده و وصیت نموده بقیه‌ی آن در موارد معینی؛ مانند نماز، روزه، خمس، سهم امام، مظالم عباد و عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام هزینه شود، حال آیا وارثان هیچ‌گونه حقی به امور ذکر شده و آنچه به همسر بخشیده شده ندارند یا می‌توانند آن را قبول نمایند؟

ج - آنچه را به نحو منجز به زوجه یا به دیگری به صلح و غیره منتقل نموده، وراثت حقی به آن ندارند و آنچه را وصیت نموده در ثلث ماترک حین الموت نافذ و در زاید بر آن محتاج به امضای ورثه است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



□ تشییع لباس میت به تنهایی

س ۴۱۶۶ - هرگاه مجروح در جنگ وصیت کرده باشد که اگر جنازه‌ی وی پیدا نشد، لباس او تشییع گردد، آیا باید به آن وصیت عمل نمود یا خیر؟

«گلبایگانی»: این وصیت واجب العمل نیست، بلکه تشییع لباس تنها، خالی از اشکال نیست.

* * *

«نکونام»: اگر لباس یا اشیایی از میت، طوری تشییع شود که مردم بپندارند جنازه است و مراسم، و صورت تشییع جنازه داشته باشد، دلیلی بر حرمت آن نمی‌باشد و نیز چنانچه همگان بدانند که لباس میت تنها جهت احترام، به این گونه، در دید مردم به سیر و حرکت در می‌آید، تشییع بر آن صدق نمی‌کند و عمل مباح یا مستحسنی است که دلیلی بر حرمت آن نیست.

□ □ □ □

س ۴۱۶۷ - هرگاه کسی وصیت نماید که تا کودکان صغیر وی به تکلیف رسند، دیگران حق آمد و رفت و مهمانی از مال وی را داشته باشند، آیا درست است یا خیر؟

ج - در صورتی که تصرفات مورد وصیت زاید بر ثلث نباشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۱۶۸ - شخصی پیش از وفات وصیت می‌کند زینت آلات زنانه و طلاجات و پارچه‌های دوخته و ندوخته‌ای که در منزل دارد برای همسر وی باشد، ولی بعد

از وصیت نیز مقداری طلا می‌خرد، حال همسر وی می‌تواند همه‌ی آن را بردارد یا تنها اموال هنگام وصیت برای اوست؟

ج - در فرض سؤال، مورد وصیت همان زینت آلات و پارچه‌های حال وصیت است و آنچه بعد تهیه شده، مشمول وصیت نیست. بلی، اگر آنها را به زوجه هبه نموده و تحویل هم داده، از راه هبه مالک می‌گردد و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۴۱۶۹ - دو نفر مورد اعتماد نزد شخصی هستند و آن شخص یکی از آنها را وصی خود قرار می‌دهد، آیا در این صورت وصیت تحقق پیدا کرده و وصیت وی نافذ است یا خیر؟

ج - چنانچه یکی از دو نفر را معینا وصی قرار داده، اصل وصیت صحیح و نافذ است؛ هرچند غیر از وصی شخص دیگری هم حاضر نباشد، اما در مقام اثبات، شهادت مدعی وصایت، مثبت وصیت نمی‌باشد و اثبات وصیت به ولایت، محتاج به دو نفر شاهد است. بلی، اگر مورد وصیت مال باشد، با شهادت یک شاهد و ضم یمین مدعی ثابت می‌شود.

□ □ □ □

□ تصرف در مال غیر

س ۴۱۷۰ - آیا می‌توان در پشت دیوار همسایه که با اجازه‌ی وی گچ یا سیمان می‌گردد به همان اندازه میخ کوبید یا دیگر تصرفات را انجام داد یا خیر؟

ج - اگر دیوار همسایه را برای او سیمان‌کاری یا سفید کرده، کوبیدن میخ بدون اذن او جایز نیست.

□ □ □ □

س ۴۱۷۱- اگر کسی کارخانه‌ی پارچه بافی یا کفش سازی را غصب کند و مواد اولی آن را خود تهیه نماید و با استفاده از آن، کفش یا پارچه تولید کند، آیا خرید کفش و پارچه از او جایز است یا خیر؟ و در صورتی که شک شود که مواد اولی آن برای غاصب است یا کسی که مال وی غصب شده، اما احتمال داده می‌شود که برای غاصب باشد و یقین به غصب آن مواد نباشد، حکم آن چیست؟

ج - خرید و فروش کفش و پارچه در صورتی که علم به غصب مواد اولیه ندارید، مانع ندارد.

س ۴۱۷۲- اگر کسی به زور پول و اموال انسان را بگیرد و تا مبلغی که می‌خواهد به وی داده نشود، از آن دست بر نمی‌دارد، آیا دادن آن مبلغ به وی مشمول رشوه یا عنوان حرامی نیست؟

ج - اشکال ندارد، ولی بر گیرنده حرام است. والله العالم.



س ۴۱۷۳- اگر شخصی کتاب دوست خود را بدون اجازه بردارد و از روی آن کپی نماید، آیا دوست وی می‌تواند کاغذهای کپی شده را از وی بگیرد یا خیر؟

ج - بدون رضایت صاحب کتاب حق ندارد فتوکپی بردارد و این، تصرف غاصبانه و حرام است، ولی صاحب کتاب هم نمی‌تواند اوراق فتوکپی شده را از او بگیرد؛ مگر این که او را راضی نماید.



ارث

□ ارث بردن کسانی که با هم در تصادف کشته شده‌اند

س ۴۱۷۴ - این جانب و همسر من به اتفاق سه دخترم و پدر همسر من در ماشین نشسته بودیم و راننده برادر همسر من بود و در اثر تصادف ماشین، تمام سرنشینان کشته شدند مگر یکی از دختران این جانب که چند ساعت بعد کشته شد و دختر دیگرم که زنده ماند، و تقدم و تأخر مرگ دیگر سرنشینان معلوم نیست و پدر همسر بنده یک زن و هفت فرزند دارد، حال ارث پدر همسر بنده چگونه تقسیم می‌گردد و مقدار سهم ارث همسر و دخترم چه مقدار است؟

ج - در فرض سؤال، عیال متوفات شما از ترکیه‌ی پدرش مانند سایر دختران آن مرحوم سهم خود را می‌برد و چنانچه عیال شما غیر از سهم الارثی که از پدرش در این حادثه می‌برد مال دیگری داشته، از آن مال، پدر متوفای وی نیز ارث می‌برد ولی از مالی که عیال شما در این حادثه از او ارث برده، ارث نمی‌برد و همه‌ی دختران شما آن که بعد از چند ساعت فوت کرده و آن که فعلاً زنده است از ترکیه‌ی مادرشان به نسبت واحده ارث می‌برند، نهایت آن که دختری که تقدم و تأخر فوتش نسبت به

مادرش معلوم نیست، چنانچه غیر از مالی که در این حادثه از مادرش ارث برده، مالی داشته باشد، مادرش نیز از آن مال ارث می‌برد، ولی از مالی که دخترش از او ارث برده، ارث نمی‌برد و سهم الارث عیال شما از ترکه‌ی پدرش به این شرح است که بعد از وضع دیون مالی میت، زوجه‌ی آن مرحوم یک هشتم مال را می‌برد، اگر یکی باشد و اگر متعدد باشند، یک هشتم مال را بالسویه بین خود تقسیم می‌نمایند و بقیه‌ی ترکه را اولاد متوفی که عیال شما یکی از آنهاست هر پسری دو برابر دختر می‌برد و آنچه دختران فوت شده‌ی شما از مادرشان ارث برده‌اند، مانند سایر اموال آنها به ورثه‌شان منتقل می‌شود که در فرض سؤال، چنانچه شوهر و اولاد ندارند، وارث آنها شما هستید و دختر زنده‌ی شما از ترکه‌ی خواهرهای خود با بودن پدر ارث نمی‌برد.



س ۴۱۷۵ - زن، شوهر و سه فرزند آنها در حادثه‌ای فوت نموده‌اند و تقدم و تأخر مرگ آنها معلوم نیست، اموال شوهر که وارثان وی پدر، مادر شوهر و پدر و مادر همسر هستند، چگونه میان آنان تقسیم می‌شود؟

ج - در فرض سؤال که زوج و زوجه و سه فرزند آنها در اثر حادثه از بین رفته‌اند و معلوم نیست تقدم و تأخر موت آنها، و وارث آنها منحصر به پدر و مادر زوج و پدر و مادر زوجه است، اموالی که زوج در حال حیات داشته یک هشتم از عین منقولات و یک هشتم از قیمت بنا را به پدر و مادر زوجه باید داد و زوجه‌ی متوفی از زمین ارث نمی‌برد و یک سوم اموال زوج به پدر و مادر خود زوج می‌رسد و بقیه‌ی اموال زوج بین پدر و مادر زوج و زوجه اثلاثاً تقسیم می‌شود که یک ثلث آن به پدر و مادر زوجه و دو ثلث آن به پدر و مادر زوج می‌رسد و اموالی که زوجه در حال حیات

داشته از جهازیه و مهریه یک چهارم به پدر و مادر زوج و یک سوم به پدر و مادر خود زوجه می‌رسد و بقیه‌ی آن اثلاثا بین پدر و مادر زوج و زوجه تقسیم می‌شود، یک سوم به پدر و مادر زوجه و دو سوم به پدر و مادر زوج می‌رسد و مجموع آنچه به پدر و مادر زوج می‌رسد، با عدم حاجب سه قسمت می‌شود، یک سوم به مادر زوج و دو سوم به پدر زوجه می‌رسد، و با وجود حاجب، شش قسمت می‌شود، یک ششم به مادر زوج و پنج ششم به پدر زوج می‌رسد و مجموع آنچه به پدر و مادر زوجه رسیده، بین آنها بالسویه قسمت می‌شود.



س ۴۱۷۶ - دو برادر یکی بنام کربلایی حسن و دیگری بنام کربلایی علی در اثر تصادف مرده‌اند، کربلایی حسن دارای دو زن و بدون فرزند است و کربلایی علی دارای یک زن و چهار دختر می‌باشد. یکی از زنان کربلایی حسن نیز در تصادف مرده و زن دیگر وی به نام خدیجه زنده است و کربلایی علی با یک زن و سه دخترش مرده‌اند. از کربلایی علی یک دختر به نام کبرا زنده است و یک پسر هم از دختر فوت شده، کربلایی علی که همراه پدر و عمویش از بین رفته، باقی مانده است. ارث آنان چگونه تقسیم می‌شود؟

ج - در فرض مذکور، اگر تقدم یا تاخیر یا تقارن موت مادر این پسر و پدر و مادرش و عموی مادرش معلوم نیست، این پسر ارث عموی مادر خود را نمی‌برد و ارث کربلایی حسن به کبرا برادرزاده‌اش می‌رسد ولی این پسر سهم مادر خود را از مالی که پدر و مادر او در حال حیات داشته می‌برد ولی از ارث کربلایی حسن سهمی نمی‌برد.



س ۴۱۷۷ - زنی با دو فرزند خود در تصادف کشته شده‌اند و زن یک دختر صغیر، شوهر و پدر و مادر نیز دارد، تقدم و تأخر مرگ مادر با بچه‌های او معلوم نیست و دو بچه مقدار مختصری وجه پس انداز بانکی دارند، حکم ارث آنان چیست؟

ج - باید فرض شود دو بچه تلف شده بعد از مادر حیات داشته‌اند و سهم الارث از ترکیه‌ی مادر به آن‌ها می‌رسد و از آن‌ها به پدر می‌رسد و نیز فرض کنیم مادر بعد از فوت دو بچه زنده بوده و سهم خود را از پول بانکی آن‌ها برده و از او به شوهر و پدر و مادر و دختر صغیره می‌رسد و بین آن‌ها کما فرض الله تقسیم می‌شود.



س ۴۱۷۸ - پدری به اتفاق دختر و همسر و داماد خود در تصادف اتومبیل کشته شدند و شاهدان حاضر یعنی مسافران ماشین روبه‌رو که با ماشین مذکور تصادف نموده اظهار نمودند که پدر از ماشین بیرون افتاد و بلند شده و با دیدن صحنه‌ی تصادف و از نظر ظاهر هم پدر سالم است و فقط زخم سطحی در سر دارد و دختر با دیدن صدمه‌ی شدید از ناحیه‌ی مغز و دست و صورت و غیره آن با تأیید تمام شاهدان دفن و تشییع جنازه فوت کرده است، آیا به نوه‌ی دختری بازمانده از تصادف از ارث پدر بزرگ مادری سهمی تعلق می‌گیرد یا نه؟ توضیح این که شواهد مذکور نشان می‌دهد دختر پیش از پدر فوت نموده است.

ج - در مورد سؤال، با فرض آن که معلوم باشد پدر بعد از دختر فوت شده، دختر از پدر ارث نمی‌برد و پدر از دختر ارث می‌برد و آنچه پدر از دختر ارث می‌برد، به وارث زنده‌ی پدر می‌رسد و اما نسبت به همسر، چون این شخص در خارج ماشین فوت شده، اگر تقدم و تأخر فوتش از زوجه‌ی خودش معلوم نباشد، از یکدیگر ارث نمی‌برند و آنچه این شخص

خودش از سابق داشته و آنچه از دختر ارث برده به وارث زنده‌ی خودش می‌رسد و دختر و مادر، اگر تأخر و تقدم و تقارن فوتشان معلوم نباشد، مادر سهم الارث خود را از ترکیه‌ی دختر می‌برد و دختر هم سهم الارث خود را از ترکیه‌ی مادر می‌برد و آنچه از یک‌دیگر ارث می‌برند به وارث زنده‌شان می‌رسد و اما دختر و داماد که شوهر او بوده، اگر تقدم و تأخر و تقارن فوت آن‌ها معلوم نباشد، داماد سهم الارث خود را از ترکیه‌ی عیالش ارث می‌برد و دختر سهم الارث خود را از شوهر ارث می‌برد و آنچه از یک‌دیگر ارث برده‌اند به وارث زنده‌شان می‌رسد و اما نوه‌ی دختری اگر پدر بزرگ او بلاواسطه دارد، ارث به نوه‌ی نمی‌رسد و اگر او بلاواسطه ندارد و نوه هم منحصر به این یک دختر است، در صورتی که پدر بزرگ پدر و مادر و عیال دیگر نداشته باشد، تمام ترکیه به این نوه می‌رسد و اگر نوه متعدد باشد، ترکیه بین آن‌ها تقسیم می‌شود.



س ۴۱۷۹ - شخصی در تصادف به همراه همسر و یک فرزند و مادر همسرش بی‌درنگ فوت می‌نمایند و فرزند دیگری پس از پانزده ساعت می‌میرد و فرزند دیگری ندارد و وی دارای پدر و مادر و همسر او فقط پدر دارد، حکم اموال وی و مهریه و جهیزیه‌ی همسر او چیست؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه تقدم و تأخر و تقارن فوت نامبردگان معلوم نباشد، اموالی که مادر زن در حال حیات داشته، سهم دختر به دخترش می‌رسد و بقیه با یک ششم از اموال دخترش که در حال حیات داشته، به ورثه‌ی زنده‌ی مادر زن می‌رسد و اما اموالی که دختر در حال حیات داشته، یک چهارم آن به شوهرش می‌رسد که فوت نموده و یک ششم به

پدر او و یک ششم به مادر او و بقیه به دو فرزند او که آن‌ها نیز از بین رفته‌اند می‌رسد و اما اموالی که شوهر زن در حال حیات داشته، یک هشتم از عین منقولات و از قیمت بنا و اشجار به زوجه‌ی او می‌رسد و زوجه از زمین ارث نمی‌برد نه از عین و نه از قیمت و یک سوم آن به پدر و مادر زوج می‌رسد که زنده‌اند و بقیه به دو فرزندی که از بین رفته‌اند و اما اموالی که به زن از شوهر و مادر خود به ارث رسیده، یک ششم آن به پدر دختر و بقیه به فرزندی که بعداً فوت کرده می‌رسد و هم‌چنین اموالی که به زوج از زوجه رسیده، یک سوم آن به پدر و مادرش و دو سوم آن به فرزندی که بعداً فوت نموده و اما آنچه از اموال دو فرزند از پدر و مادر خود برده‌اند، چه آن‌چه در حال حیات داشته‌اند یا آن‌که به ارث برده‌اند تماماً به جد و جده‌ی پدری و جد مادری آن‌ها می‌رسد، یک‌ثالث آن به جد مادری و دو‌ثالث آن به جد و جده‌ی پدری آن‌ها داده می‌شود.



□ ارث بردن مهدوم علیهم

س ۴۱۸۰ - شخصی در اثر زلزله با همسر و فرزندانش فوت نموده و در همین واقعه مادر و خواهر او نیز مرده‌اند و چندین برادر دارد که بعضی فقط مادری و برخی پدر و مادری هستند، همسر وی نیز پدر و مادر دارد، میراث آنان چگونه تقسیم می‌شود؟

ج - در فرض سؤال، سدس ترکه‌ی آن شخص به مادر او منتقل می‌شود و از مادر به اولاد او که برادران امی و ابوینی شخص متوفی باشند منتقل و بقیه‌ی ترکه به عیال و اولادش می‌رسد و از آن‌ها به پدر و مادر عیالش

می‌رسد و اگر زوجه مالی داشته باشد، ربع آن به شوهر می‌رسد و از او به برادرهایش می‌رسد.



س ۴۱۸۱ - شخصی با پسرش در واقعه‌ی زلزله فوت نموده، وارثان زنده‌ی او چهار پسر و دو دختر و یک همسر دائمی است و یک دختر وی نیز فوت کرده و چند نفر فرزند و شوهر دارد و این دختر با دو بچه در همان زلزله زیر آوار مانده‌اند، ارث آنان چگونه تقسیم می‌شود؟

ج - در فرض مسأله، هشت یک مال اصلی مرد به عیال او می‌رسد و مابقی بین اولاد زنده‌ی او و پسر و دختری که زیر آوار مانده‌اند و مرده‌اند هر پسر دو مقابل دختر تقسیم می‌شود و سهم پسر مرده به مادر او می‌رسد و سهم دختر مرده بین ورثه‌ی زنده‌ی پدر و دختر مصالحه شود و مال اصلی دختر، ربع آن به شوهر می‌رسد و سدس به مادر او می‌رسد و سدس هم به پدر مرده و بقیه بین اولاد، پسر دو مقابل دختر تقسیم می‌شود و در سدس سهم پدر، با ورثه‌ی دختر مصالحه نمایند و سهم الارث دو بچه‌ی مرده به پدر آنها می‌رسد.



س ۴۱۸۲ - شخصی دارای همسر و فرزند بوده و همه‌ی آنان بر اثر زلزله از دنیا رفته‌اند، معلوم نیست کدام یک زودتر فوت کرده‌اند، وارث زنده‌ی شوهر دو برادر و یک خواهر می‌باشد و وارث زن، پدر و مادر است که زنده‌اند و شوهر وصیت نموده بوده که برای وی مبلغ هفتصد تومان در ایام عزا هزینه نمایند و وی خمس و حج نیز بر عهده دارد و پس از زلزله، بخشی از اموال وی مفقود شده، اموال موجود وی چگونه تقسیم می‌گردد؟

ج - در فرض سؤال، همه‌ی اموال زوج به پدر و مادر زوجه می‌رسد و

اموال زوجه ربع آن به برادر و خواهر زوج متوفی می‌رسد و بقیه به پدر و مادر او می‌رسد و در صورتی که حج بر او مستقر باشد، حج میقاتی استیجار نمایند کافی است و خمس مال او را ادا نمایند و مبلغی که وصیت نموده در صورتی که مقصود از آن حج و خمس نباشد، پس از اخراج حج و خمس اگر بیش‌تر از ثلث باقی مانده نیست، لازم است به آن عمل نمایند و اگر بیش‌تر باشد، در مقدار زاید موقوف به اجازه‌ی ورثه است.



س ۴۱۸۳ - مادر و فرزندی از دنیا رفته‌اند و کسی نمی‌داند که کدام یک زودتر مرده‌اند، در این صورت ارث ایشان چگونه تقسیم می‌شود؟ و از طرفی، اگر موارد مختلف داشته باشد از قبیل تصادف و یا مهدوم‌علیهم و یا غرق‌ی و غیر این‌ها تفاوت دارد یا نه؟

ج - اگر متوارثین مثل مادر و فرزند به واسطه‌ی سبب واحدی مثل غرق یا تصادف یا آتش سوزی بمیرند و هر دو مال داشته باشند و تقدم و تأخر و تقارن موت آن‌ها معلوم نباشد، هر یک از دیگری ارث می‌برند به این نحو که در مثال مرقوم، مادر زنده فرض می‌شود و با سایر ورثه‌ی فرزند کما فرض الله از ترکه‌ی او ارث می‌برند و فرزند فرض می‌شود زنده و با سایر ورثه‌ی مادر از ترکه ارث می‌برند ولی آنچه مادر از فرزند و فرزند از مادر ارث می‌برد، فقط به ورثه‌ی زنده‌ی آن‌ها می‌رسد و اگر یکی از آن‌ها مال نداشته باشد، آن که مال ندارد از آن که مال داشته ارث می‌برد و از او به وارث زنده حین موتش می‌رسد و این در صورتی است که متوارثین به واسطه‌ی سبب واحد مرده باشند و اگر به مرگ عادی مرده‌اند و تقدم و

تأخر آن معلوم نیست، توارث بین آنها نمی‌باشد و ترکه‌ی هر یک از آنها به ورثه‌ی زنده حین الموت او می‌رسد.



س ۴۱۸۴ - شخصی دارای دو پسر، یک دختر و یک همسر می‌باشد و همه در اثر زلزله مرده‌اند و فقط همسر او زنده مانده و مادر و یک برادر نیز دارد، سهم ارث آنان چه مقدار است؟

ج - در فرض سؤال، هرگاه تقدم و تأخر موت هیچ کدام معلوم نباشد، چنانچه فقط پدر مال داشته باشد و اولادش مال نداشته باشند، شش یک ترکه به مادرش می‌رسد و هشت یک به زوجه و مابقی سهم بچه‌هاست که به مادر آنها داده می‌شود، پس غیر از شش یک مادر، تمام را باید به زوجه داد و برادر چیزی نمی‌برد.



س ۴۱۸۵ - شخصی بازن و فرزندان خود در اثر زلزله در زیر آوار مانده و مرده‌اند، معلوم نیست کدام یک از آنان مقدم و کدام یک مؤخر مرده است و همسر و فرزندان او ترکه‌ای نداشتند، و شخص مذکور ترکه دارد و یک خواهر، یک برادر و مادر زن وی در حال حیات هستند، آیا اموال شخص یاد شده به خواهر و برادرش منتقل می‌شود یا به جده می‌رسد؟

ج - در فرض سؤال، اگر فقط مرد متوفی مال داشته و زن و اولاد او مال نداشته‌اند، ترکه‌ی او به جده‌ی اولاد می‌رسد و اگر زن هم ترکه داشته، ربع ترکه‌ی او به خواهر و برادر شوهرش می‌رسد، «لِلذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ».



س ۴۱۸۶ - زنی از شوهر اول او اموالی به وی رسیده و از شوهر دوم نیز دو پسر آورده و همین مرد دوم از زن دیگر خود سه پسر و یک دختر دارد و این مرد با زن دوم در اثر زلزله فوت نموده‌اند و این زن، پدر و مادر دارد و از مرد نیز سه پسر و یک دختر که از زن اولش بوده باقی مانده‌اند، اموال آنان چگونه تقسیم می‌شود؟

ج - در فرض سؤال که مه‌دوم علیهم مرد و زن دوم باشند، اگر ورثه‌ی مرد منحصر به سه پسر و یک دختر و ورثه‌ی زن منحصر به پدر و مادر باشد، نصف مال اصلی زن به شوهر منتقل می‌شود و از او به سه پسر و یک دختر می‌رسد که بین آنان «لِلذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» تقسیم می‌شود و مابقی مال زن و آنچه از شوهر ارث می‌برد، به پدر و مادرش می‌رسد.



□ ارث پدر و فرزند که با هم کار می‌کرده‌اند

س ۴۱۸۷ - شخصی با پسر خود حدود بیست و پنج سال با هم در خانه‌ای فعالیت کرده‌اند و فرزند پیش از پدر می‌میرد و چه بسا که همسر فرزند با شوهر خود در این خانه زحمت کشیده‌اند و اکنون که پدر فوت کرده وارثان همه‌ی اموال و خانه را برده‌اند و حتی مهریه‌ی زن را نیز نداده‌اند، آیا شرعاً صحیح است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر فرزند در خانه‌ی پدر و مادر برای آن‌ها تبرعا کار کرده، تمام آن اموال بین همه‌ی ورثه کما فرض الله تقسیم می‌شود، و اگر برای خود کار کرده و پدر و مادر هم از آن منتفع می‌شده‌اند، آنچه از کارکرد پسر باقی است، مال خودش است و مهریه مربوط به ارث نیست و زن از زوج طلب‌کار است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۴۱۸۸ - شخصی با سه فرزند کبیر خود با هم کار می‌کردند و مال زیادی تحصیل نموده‌اند، حال پدر فوت کرده و شراکت ایشان معلوم نیست نه میزان سرمایه معلوم بوده و نه قراری گذاشته‌اند و تنها با هم کار و با هم هزینه می‌کرده‌اند، حال اموال آنان چه مقدار است و آیا شرکت آنان باطل است؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به‌طور کلی، اگر همه‌ی فرزندان برای پدر خود کارگر بوده‌اند و مخارج آن‌ها را پدر می‌داده و حسابی بین آن‌ها نبوده، چنان‌که ظاهر حال این است، اموال باقی مانده بعد از پدر باید بین ورثه‌ی پدر کما فرض الله تقسیم شود، و اگر مدعی شرکت هستند، باید شرعا ثابت نمایند.



س ۴۱۸۹ - کسی پسری به نام عمرو دارد که با هم کاسبی و زندگی می‌کنند، وی برای پسرش عمرو ازدواج نموده ولی هزینه‌های او را از خود جدا نکرده و بعد از مدتی پسر می‌میرد و دو بچه‌ی صغیر از او باقی می‌مانند و چون پدر هزینه‌های پسر را جدا نکرده بوده، پسر مال مشخصی نداشته و زن عمرو و بچه‌های وی مدعی ارث هستند، آیا آنان چنین حقی را دارند یا خیر؟

ج - اگر عمرو متوفی مال مشخصی ندارد ولو به نحو اشتراک و اجرت کار هم برای او معین نشده، عیال و دو فرزندش حق الارث ندارند. بلی، اگر عمرو مال معین مشخصی داشته باشد ولو از جهت اجرت کار خود، آن مقدار حسب السهم به ورثه‌اش می‌رسد که یک سدس به پدر و یک هشتم به عیال و باقی حق دو فرزند است، و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، باید به مرافعه‌ی شرعیه حل شود.



□ ارث همسر

س ۴۱۹۰- آیا آب املاک مزروعی جزو اعیانی محسوب می‌شود تا همسر از آن ارث برد یا جزو زمین؟

ج- در فرض سؤال، از آبی که در حال فوت زوج از زمین خارج شده و در مجرای قنات یا استخر و حوض موجود است، زوجه ارث می‌برد ولی از آبی که بعد از موت از زمین خارج می‌شود، ارث نمی‌برد و تابع زمین است.

□ □ □ □

س ۴۱۹۱- شخصی با تعیین وصی به یک سوم اموال خود وصیت نموده و همسری دارد که از او فرزندی ندارد، آیا وی از دیوار باغ، سنگ چین و کول چاه ارث می‌برد یا نه و آیا یک چهارم را از همه‌ی اموال می‌برد یا پس از خارج نمودن یک سوم، از باقی مانده‌ی مال یک چهارم می‌برد و آیا می‌توان قیمت آن را به او داد یا سهم ارث وی را فقط باید از اعیانی خانه و درختان پرداخت نمود؟

ج- زوجه از قیمت دیوار و سنگ چین و کول ارث می‌برد. بلی، اگر طرفین تراضی کنند که از بابت قیمت از عین به او بدهند، مانعی ندارد و زن بعد از اخراج ثلث، چهارم یک می‌برد.

□ □ □ □

س ۴۱۹۲- کسی زمینی را به شرط خیار فسخ برای فروشنده، تا مدت معلومی خریده و پیش از گذشت آن زمان فوت نموده و فروشنده پس از مرگ وی و پیش از تمام شدن مدت خیار، معامله را فسخ نموده، در این صورت آیا همسر دائمی وی از آن ارث می‌برد یا این مبلغ به دیگر وارثان اختصاص دارد؟

«گلبایگانی»: الأقوی عندی ارث الزوجة من ثمن الأرض المشتراة في فرض

المسألة، وذلك لأن الفسخ هو حلّ العقد المقتضي لرجوع الأمر إلى ما كان، فلامحالة يرجع مثل الثمن إلى الميّت و يعود بدله من الميّت؛ لأنّ المعاوضة كان بينه وبين البائع الفاسخ، وكان العقد وارداً على مالهما، فهذا من لوازم حقّ الخيار بما هو حقّ حلّ العقد، نعم لو كان حقّ الخيار نظير حقّ الشفعة حقاً لتملّك المال من المالك الفعلي بازاء ما يملكه ما كان لارث الزوجة وجه، ولكنّه خلاف التحقيق وإن مال إليه بعض السادة الأعلام في حاشيته على مكاسب الشيخ قدس سرهما.

- اقوی در نزد من آن است که - در فرض مسأله - زن از یک هشتم زمین فروخته شده ارث می برد؛ چرا که فسخ عقد گشودن و انحلال آن است و این امر بازگشت هر چیزی به آن چه بوده است را لازم دارد و به ناچار بهای آن به میت باز می گردد و مقابل آن از مرده به فروشنده می رسد؛ زیرا معاوضه میان او و فروشنده بوده و عقد بر مال آن دو وارد شده، و این امر از لوازم داشتن حقّ خيار به معنای حلّ عقد است. بله، اگر حقّ خيار در این صورت مانند حقّ شفعه باشد، از این رو که مالک بر مال خود ملکیت فعلی دارد، ارث زن معنایی نمی یابد، اما این امر خلاف تحقیق است؛ هرچند برخی از آقایان از علما در حاشیه ی خود بر مکاسب شیخ رحمته به آن تمایل یافته است.

* * *

«نکونام»: زن از یک هشتم آن زمین ارث می برد.

□ □ □ □

س ۴۱۹۳ - خانمی سی سال پیش با مرگ شوهر خود مالک یک هشتم اعیانی تعدادی درخت گردو و متفرقه در دو پلاک زمین درخت کاری گردیده و در این

مدت حاضر به قیمت‌گذاری و دریافت بهای سهم ارث خود نشده و هر ساله یک هشتم از محصول سر درختی را برده، متمنی است در موارد ذیل حکم شرعی را بیان فرمایید.

۱- نحوه‌ی تقویم درخت و پرداخت بهای یک هشتم اعیانی به چه طریق می‌باشد، آیا درخت‌ها به قیمت زنده که در محل خود باقی بماند باید قیمت شود یا قیمت درختی که باید ریخته شود و نیز زمینی که درخت در فضای آن قرار دارد مشمول یک هشتم می‌باشد یا خیر؟

۲- خانم مذکور می‌تواند از فروش سهم یک هشتم امتناع نماید و به مالکیت خود ادامه دهد که در نتیجه هرگونه عمران و کاشت درخت دیگر در زمین متوقف باشد و هر ساله یک هشتم از محصول را ببرد یا باید آن را به قیمت عادله بفروشد و اگر حاضر برای فروش نشود، تکلیف چیست؟

۳- آیا خانم، مالک بهای یک هشتم اعیانی درخت‌ها به قیمت روز است که نمو بیش‌تری نموده یا قیمت سی سال پیش که شوهر او فوت نموده است؟

ج ۱- در مورد سؤال، با فرض وجود ولد برای شوهر، زوجه یک هشتم از اموال منقول و یک هشتم از قیمت بنا و اشجار را به قیمت روز موت زوج از زوج خود ارث می‌برد. اگر هنگام موت شوهر اشجار بهره و ثمره‌ی موجودی داشته باشد، از عین آن بهره و ثمره نیز یک هشتم ارث می‌برد و اما از بهره و ثمره‌ی سال‌های بعد به کلی ارث نمی‌برد و چنان‌چه ورثه‌ی میت رضایت ندهند، باید عوض هرچه را که برده به ورثه برگرداند و در صورتی که ورثه در آن زمان، قیمت اشجار و بنا را به زن نداده باشند، الآن باید قیمت همان روز را بدهند نه قیمت امروز را و اشجار آن روز نیز با قیمت آن روز با فرض بقا قیمت شود و خود زمین را نباید قیمت کرد، چون زوجه از زمین ارث نمی‌برد نه عینا و نه قیمه.

۲- زن مالک یک هشتم عین اشجار نیست تا اختیار فروش در دست او باشد و سهم او یک هشتم از قیمت اشجار است و حق امتناع از گرفتن قیمت را ندارد.

۳- مالک قیمت همان سی سال قبل است.



س ۴۱۹۴- مردی با زن شوهردار رابطه‌ی نامشروع داشته و عمل منافی عفت انجام می‌داده، این زن با کمک آن مرد، شوهر خود را می‌کشد و شبانه جسد او را مفقود می‌کند و پس از بازداشت و اقرار، زن به حبس ابد محکوم می‌شود، آیا زن که در انجام قتل مرد را نگاه داشته، از مال شوهر مقتول خود ارث می‌برد یا خیر؟

«گلیا یگانی»: در فرض مسأله، اگر زن، شریک در قتل بوده، ارث نمی‌برد و اگر شریک نبوده و فقط نگاه داشته، بنا بر احتیاط واجب با سایر وراثت در سهم الارث تصالح نمایند.



«نکونام»: چون زن در قتل شرکت داشته است، از او ارث نمی‌برد.



س ۴۱۹۵- شخصی در اثر تصادف فوت نموده و راننده با رضایت وارثان، وجهی به عنوان خون بها به آنان داده است، آیا همسر وی از یک هشتم آن سهم می‌برد یا نه؟

ج- بلی، زن نیز از دیه ارث می‌برد.



س ۴۱۹۶ - شخصی زمینی را به مبلغ ده هزار تومان می فروشد و قرار می گذارد که خریدار پول آن را پس از یک سال بپردازد و فروشنده می گوید هر موقع پول آوردی و من نبودم آن را به همسرم بده و خریدار می گوید آیا سند را به نام همسرت بنویسم و وی می گوید نه، آن را به نام خودم بنویس ولی اگر من نبودم پول آن را به همسرم بده، البته سه نفر نیز در آن جا شاهد بوده اند، آیا این پول به همسر وی تعلق می گیرد یا به وارث؟ هم چنین وی در وصیت نامه همه ی اموال خود را به همسرش داده است و بعد از مرگ مبلغی پول نیز در جیب و در خانه داشته، آیا این پول ها به همسر میت می رسد یا به وارث؟

ج - در فرض سؤال، پول زمین کما فرض الله باید بین تمام ورثه تقسیم شود و هم چنین پولی که از جیب او درآمده و میت در خانه داشته و همسر میت هم از این پول ها سهم خود را می برد.



س ۴۱۹۷ - شرع مقدس اسلام کار کردن در خانه ی شوهر را و وظیفه ی زن قرار نداده و کارهای معمولی خانه داری که مرسوم است، و وظیفه ی اخلاقی زن است و نه وظیفه ی شرعی او، حال آیا زنانی که از اوایل زندگی در خانه ی شوهر بچه داری، بافندگی و کمک در کارهای مربوط به شوهر داشته اند، پس از مرگ شوهر جز سهم ارث چیزی به آنها داده می شود یا خیر؟

ج - اگر زن برای خود کار کرده، آن چه از کارکردش موجود است، مال خود اوست و آن چه با رضایت خودش مصرف شده، حق مطالبه ندارد، و اگر تبرعا کار کرده، اضافه بر مهر و ارث، حق مطالبه ندارد.



س ۴۱۹۸ - شخصی با زنی ازدواج کرده و زن بعد از مدتی به تحریک مادرش سبب قتل شوهر خود را فراهم نموده و با حيله و تزوير شوهر خود را به مکانی که قاتل در آنجا بوده است برده ولی خود زن در قتل شوهر شرکت نکرده، آیا این زن از شوهر مقتول خود ارث و مهریه می برد یا خیر؟

ج - در فرض مسأله که مباشر اقوی از سبب است، زن از شوهر ارث و مهریه می برد؛ هرچند تقصیر کرده و گناه کار و به عقاب اخروی گرفتار است.



□ ارث جنین

س ۴۱۹۹ - شخصی فوت نموده و همسر وی در موقع فوت او باردار بوده و بچه به هنگام زایمان به حال عادی نبوده و اشخاص حاضر می گویند بچه مرده به دنیا آمده است ولی زن، پیش از زایمان احساس می کرده که بچه در شکم او زنده است، در این صورت سهم ارث زن از مال شوهر چه مقدار است و آیا بچه نیز حقی دارد یا نه؟

ج - طفل که زنده متولد شود، ارث می برد و اگر مرده متولد شود و یا حیات آن مشکوک باشد، ارث نمی برد؛ هرچند بعد از فوت پدر در شکم زنده باشد و مرد اگر هیچ اولاد نداشته باشد ولو از زوجهی دیگر زن، چهار یک ارث می برد و اگر اولاد داشته، زن هشت یک می برد و زن از زمین ارث نمی برد و از هوایی بنا و اشجار هشت یک قیمت و یا چهار یک قیمت می برد.



□ حبوه و امور اختصاصی به پسر بزرگ‌تر

س ۴۲۰۰ - قرآن قیمتی که به خط کوفی نوشته شده و تمام ورق‌های آن پوست آهو می‌باشد، آیا حبوه به شمار می‌رود یا خیر؟

ج - ظاهراً این گونه قرآن که قیمت زیاد دارد و جزو نفایس محسوب است، حبوه نیست و همه‌ی ورثه در آن شریک هستند.

□ □ □ □

س ۴۲۰۱ - آیا انگشتر قیمتی برلیان و الماس از حبوه است یا خیر؟

ج - ظاهراً این گونه انگشتر که از نفایس محسوب است، حبوه نیست و همه‌ی ورثه در آن شریک هستند.

□ □ □ □

س ۴۲۰۲ - آیا انگشتر عقیق بسیار گران قیمت از حبوه به شمار می‌رود یا خیر؟

ج - حبوه است ولو گران قیمت باشد.

□ □ □ □

س ۴۲۰۳ - نیزه، تفنگ و سلاح‌های دیگر غیر شمشیر آیا حکم شمشیر را دارد تا از

حبوه به شما رود و به پسر بزرگ‌تر داده شود یا خیر؟

«گلپایگانی»: در غیر شمشیر، احتیاط در تصالح بین ولد اکبر و سایر ورثه است.

* * *

«نکونام»: امور یاد شده حکم شمشیر را ندارد.

□ □ □ □

□ ارث بردن از غایب

س ۴۲۰۴ - کسی چهل و سه سال پیش در زمان جنگ جهانی دوم از روستای محل

اقامت خود در حالی که نزدیک به سی و پنج سال از عمرش گذشته بود خارج و

مفقود الأثر گردیده و از همان تاریخ در طول این مدت قریب به نیم قرن هیچ گونه خبری از زنده بودن وی به دست نیامده، وارثان شرعی و قانونی او به استناد بینهی شرعی از دادگاه صالح به منظور تملک اموال او درخواست صدور حکم موت فرضی وی را نموده‌اند و محکمه برای احراز هویت وی رونوشت شناسنامه‌ی او را می‌خواهد و در اداره‌ی آمار و ثبت احوال محل هیچ گونه سابقه‌ی سجلی برای وی وجود ندارد و فقدان سابقه‌ی سجلی کاشف از این است که نامبرده فاقد شناسنامه بوده با این توصیف، تکلیف دادگاه و وارثان وی چیست؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، بنا بر مشهور، تا علم یا بینهی شرعی بر موت شخص مفقود الأثر حاصل نشود، مفقود الأثر محکوم به حیات است و اموال او باید حفظ شود و کسی حق تقسیم آن را به عنوان ارث ندارد، لکن اقوی این است که می‌توانند با اجازه‌ی حاکم شرع چهار سال تفحص نمایند و چنانچه بعد از چهار سال خبری از او به دست نیامد، اموال او را بین ورثه تقسیم نمایند، لکن قول اول احوط است.

* * *

«نکونام»: بعد از مراجعه به حاکم شرع و چهار سال جست‌وجو و با یأس و ناامیدی از پیدا شدن وی، حاکم شرع می‌تواند حکم به انتقال مال به وارثان دهد.

□ □ □ □

دیگر مسایل ارث

س ۴۲۰۵ - همسر این‌جانب در حالی که پسرش شش ساله بود از این‌جانب طلاق گرفت و در نتیجه پرورش پسرش به عهده‌ی بنده محول شد و وی در سن هجده

سوالگی در اثر خفگی با گاز کربن در حمام عمومی دار فانی را وداع گفت و دادگاه صاحب گرمابه را به دلیل کوتاهی در رفع نقایص حمام که باعث خفگی‌های متعددی شده به پرداخت دیه محکوم کرده، آیا از مبلغ دریافتی به عنوان دیه و خون بها به مادر مقتول که شوهر دیگری اختیار کرده چیزی تعلق می‌گیرد یا خیر و میزان آن چقدر است و آیا هزینه‌های برگزاری مراسم ترحیم و گرامی داشت آن مرحوم را می‌توان از مال وی برداشت یا خیر؟

ج - از موضوع شخصی اطلاع ندارم. به‌نحو کلی، مادر از ترکه‌ی اولاد خود ارث می‌برد؛ هرچند شوهر دیگر اختیار کرده باشد و دیه از ترکه محسوب است و در فرض مسأله، یک‌ثلث تمام دیه‌ی میت مال مادر است، مگر آن‌که میت دو برادر یا یک برادر و دو خواهر یا چهار خواهر پدر و مادری یا پدری تنها داشته باشد که در این صورت، سدس می‌برد و مخارج عزا کسر نمی‌شود؛ مگر با رضایت مادر و سایر ورثه.



س ۴۲۰۶ - یک پسر و سه دختر وارث فردی هستند و دختران از مال پدر ارث نبرده‌اند و اموال پدر را هنگام مرگ او ده‌هزار تومان بوده و پسر با آن کسب و کار کرده و برای نمونه، در حال حاضر که دختران ادعای ارث دارند به صد هزار تومان رسیده، آیا دختران هم از اصل و هم از منافع ارث می‌برند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر اموال مشترک بین تمام دختران و پسر بوده، اصل و منافع آن مشترک است. بلی، اگر پسر با اذن خواهران خود در ملک مشترک عمل انجام داده که باعث زیادی قیمت یا فواید و منافی است پسر اجرت‌المثل عمل خود را می‌تواند مطالبه کند، ولی زیادی و منافع حاصله، مشترک بین همه‌ی آنهاست به حسب سهام آنها از اصل.



س ۴۲۰۷ - پیش از این، زمین‌هایی که در دست زارعان بوده ارزش و قیمتی نداشت و اگر کسی فوت می‌کرد، فرزندان وی آن زمین را به دیگری واگذار می‌کرد، اما در حال حاضر قیمت آن ترقی نموده، در این صورت اگر پس از فوت شخص، دختری در میان وارثان او باشد، آیا از این ملک ارث می‌برد یا نه؟

ج - در فرض مسأله، آنچه را که زارع ذی حق باشد، بعد از موت بسین همه‌ی ورثه حسب السهم باید تقسیم شود.



س ۴۲۰۸ - زنی به هنگام زایمان فوت می‌نماید و بچه‌ی او نیز می‌میرد و آن زن پدر و مادر و شوهر دارد، اموال و مهریه‌ی او چگونه تقسیم می‌شود؟ البته، وی بدهی نیز دارد.

ج - در فرض مسأله، ابتدا قروض از اصل ترکه خارج می‌شود و اگر طفل زنده به دنیا آمده و بعد مرده، شوهر چهار یک ترکه را از مهر و غیره طلب دارد و پدر و مادر هر یک، شش یک می‌برند و بقیه مال اولاد است و پس از مردن اولاد، سهم آن‌ها به پدر و مادر می‌رسد و اگر طفل، مرده به دنیا آمده و این زن غیر او اولاد نداشته باشد؛ نه از این شوهر و نه از شوهر دیگر، نصف ترکه مال زوج و ثلث ترکه مال مادر است و بقیه مال پدر اگر مادر حاجب نداشته باشد، و اگر مادر حاجب داشته باشد، سدس مال مال مادر است و بقیه مال پدر، و حاجب عبارت از دو برادر یا چهار خواهر و یا یک برادر و دو خواهر اُبی یا ابوینی میت است.



س ۴۲۰۹ - زنی آب و ملک خود را به فرزندان خویش تا زمانی که زنده است با سلب منافع صلح نموده و سپس آن را به آنان اجاره داده و در اجاره نامه مدتی

معین نشده، بلکه فقط مقدار مال الاجاره معین است و در ضمن یک نفر از دختران وی فوت شده که اجاره‌نامه نیز به نام او نوشته شده و وارث دختر، شوهر، فرزند و مادر او می‌باشد که آب و ملک را با هم مصالحه کرده‌اند، آیا مادر حق دارد ملک مورد صلح را خود تصرف کند و آن را به شخص دیگری اجاره دهد یا باید حسب ارث به وارثان داده شود و بر حسب سهم ارث مال الاجاره را به موجر بپردازند؟ در ضمن، در موضوع مقدار مال اجاره نیز مادر که موجر است ادعای غبن دارد.

ج - در فرض مسأله که مدت معین نشده، اجاره باطل است و اگر آب و ملک در دست دختر بوده، مادر اجرت المثل طلب دارد و چون مال مسلوب المنفعه صلح شده، بعد از فوت دختر هم منافع مال مادر است و سهم مادری را هم از عین آب و ملک از دخترش ارث می‌برد.



س ۴۲۱۰ - شخصی مدت یک سال است که فوت کرده و وارثان او پنج پسر و دو دختر می‌باشند. وی دارای سه زن است که از همسر اول دو پسر و از دومی سه پسر و از سومی دو دختر دارد و یک پسر از همسر دوم وی هشت سال است که مفقود شده و خبری از او نیست و اموال پدر نیز تاکنون تقسیم نشده، حال درباره‌ی سهم برادر مفقود چه تکلیفی دارند؟

ج - در فرض سؤال، تا موت وارث مفقود الأثر محقق و محرز نشده باشد، باید سهم الارث او را با نظر حاکم شرع احراز نمایند و به طوری که از بین نرود، نگه‌داری شود.



س ۴۲۱۱ - برادر و خواهری از پدر املاکی به آنان ارث رسیده و هر دو از دنیا رفته‌اند و هیچ‌گونه مدرکی از آنان در دست نیست که خواهر حق خود را بخشیده یا نه، حال فرزندان آن خواهر می‌توانند از فرزندان برادر مطالبه حق مادر را بنمایند یا نه؟ هم‌اکنون همه‌ی املاک موروثی در تصرف فرزندان برادر است.

ج - در فرض سؤال که علم دارند املاک مزبور به عنوان ارث بوده، اولاد خواهر حق مطالبه دارند؛ مگر این که شرعا ثابت شود که خواهر سهم خود را تملیک به برادر نموده است.



س ۴۲۱۲ - شخصی فوت کرده و همسر و فرزندی ندارد و وصیت نیز نکرده است و وارثان وی خواهرزاده‌های او هستند؛ یعنی دارای سه خواهر پدر و مادری بوده که در حیات او مرده‌اند، از یک خواهر پنج پسر و یک دختر و از خواهر دیگر یک دختر و از خواهر سومی نیز سه دختر مانده، در این صورت، آیا اموال وی میان خواهرزاده‌ها تقسیم می‌شود؟

ج - در فرض سؤال، ترکیه‌ی متوفی سه قسمت می‌شود و قسمت هر یک از سه خواهر به ورثه‌ی آنها می‌رسد. بنابر این، یک‌ثلث به یک دختر که تنها از مادر خود مانده است و یک‌ثلث دیگر به ورثه‌ی خواهری که سه دختر داشته می‌رسد که بین خود بالسویه تقسیم کنند و ثلث سوم به ورثه‌ی خواهری می‌رسد که پنج پسر و یک دختر داشته و هر یک از پسرها دو برابر دختر می‌برد.



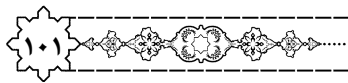
س ۴۲۱۳ - شخصی مبلغی پول به دامادش داده تا داروخانه‌ای را به نام دخترش خریداری نماید و به اظهار داماد پدر هر وقت می‌خواسته می‌توانسته این پول را پس بگیرد و داروخانه تا به هنگام فوت او خریداری نشده و پول همچنان نزد داماد باقی است، آیا این پول برای وارثان است یا نه؟

ج - با فرض آن که داماد اقرار دارد که این شخص وجه را برای خرید داروخانه داده، با اظهار این که هر وقت می‌خواسته می‌توانسته بگیرد و داروخانه خریداری نشده، وجه مرقوم جزو ترکه‌ی میت است که پس از ادای دیون و وصایا بین همه‌ی ورثه کما فرض الله تقسیم می‌شود.



س ۴۲۱۴ - شخصی فوت نموده و وارث او همسر و یک عمومی پدری و فرزندان عمومی پدری و مادری و پسران و دختران دایی و خاله که با مادر میت از یک پدر و مادر هستند می‌باشد، حال ارث آنان چگونه تقسیم می‌شود؟ آیا عمومی پدری ارث می‌برد یا خیر؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، یک چهارم از عین اموال منقول، و از قیمت بنا و اشجار به زوجه‌ی متوفی می‌رسد و زوجه از زمین ارث نمی‌برد نه عینا و نه قیمة و بقیه‌ی اموال به عمو می‌رسد و اولاد دایی و خاله ارث نمی‌برند؛ چون قاعده‌ی کلی در ارث این است که اقرب مانع از ارث ابعده می‌شود ولی در خصوص موردی که میت فقط یک عمومی پدری و یک پسر عمومی پدر و مادری دارد، با این که عمومی پدری اقرب است، پسر عمومی پدر و مادری بالاجماع و روایت منقوله ارث می‌برد و عمومی پدری ارث نمی‌برد و قدر متیقن از این استثنا همین مورد است، اما در غیر این فرض، چه از جهت تعدد فرزندان عمومی پدری و مادری یا تعدد عمومی پدری یا



اجتماع دیگران با این‌ها، مثل زوجه و غیرها اختلاف است، و اقوی آن است که به قاعده‌ی کلی ارث عمل شود، بنابراین در مورد سؤال، بعد از سهم زوجه، باقی مانده به عموی پدری می‌رسد و فرزندان عموی پدر و مادری در این فرض ارث نمی‌برند؛ اگرچه احتیاط آن است که با یک دیگر مصالحه نمایند. والله العالم.

* * *

«نکونام»: عمل به احتیاط گفته شده لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۲۱۵ - شخصی یک برادر پدر و مادری و یک خواهر پدری دارد، ارث آنان چگونه تقسیم می‌شود؟

ج - ماترک او به برادر پدر و مادری می‌رسد و خواهر پدری از او ارث نمی‌برد.

□ □ □ □

س ۴۲۱۶ - شخصی یک دخترزاده و یک برادر دارد، ارث وی به کدام یک می‌رسد؟

ج - در فرض سؤال، ارث متوفی به دخترزاده‌ی متوفی می‌رسد و به برادر متوفی چیزی نمی‌رسد.

□ □ □ □

س ۴۲۱۷ - شخصی فقط یک همسر دارد که دختر خاله‌ی وی می‌باشد و در حال حاضر از طرف پسر عمه که پیش از او فوت نموده چند پسر عمه و نیز چند فرزند خاله دارد و از طرف دایی نیز یک پسر و یک دختر دارد، حال وارث وی کیست؟

ج - در فرض سؤال، همسر میت یک چهارم از عین منقولات و از قیمت

هوایی ساختمان و اشجار ارث می‌برد و از زمین مطلقاً چه عیناً و چه قیمة ارث نمی‌برد و اولاد پسر عمه ارث نمی‌برند و بقیه‌ی اموال میت به اولاد خاله و دایی می‌رسد؛ اگر همه‌ی اولاد دایی و اولاد خاله، پدر و مادری یا پدری تنها یا مادری تنها باشند، ولی اگر بعضی پدر و مادری و بعضی پدری تنها باشند، پدری تنها ارث نمی‌برد و با فرض نبودن اولاد دایی و خاله‌ی پدر و مادری، اولاد دایی و خاله‌ی پدری تنها ارث می‌برند و چنانچه بعضی اولاد دایی و خاله‌ی مادری تنها باشند و بعضی اولاد دایی و خاله‌ی پدر و مادری یا پدری تنها باشند، یک سوم به اولاد دایی و خاله‌ی مادری تنها می‌رسد و بقیه به اولاد دایی و خاله‌ی پدر و مادری یا پدری تنها می‌رسد که بین خود بالسویه قسمت می‌کنند و همسر میت با عدم مانع از دو جهت؛ یعنی زوجیت و قرابت که دختر خاله بودن است، ارث خود را می‌برد.



س ۴۲۱۸ - شخصی مقداری مال دارد و وارث او ناشناخته است، حال اموال وی چگونه مصرف شود و آیا می‌شود از این پول، قبر وی را درست کرد یا خیر؟
ج - در فرض سؤال، زاید از مخارج کفن و دفن متوفی را به دست فقیه جامع الشرایط برسانند و صرف آن در سنگ قبر متوفی با اذن حاکم شرع جامع الشرایط جایز است.



س ۴۲۱۹ - آیا دخترها از زمین‌های کشاورزی و باغ ارث می‌برد یا خیر؟
ج - دخترها از زمین خانه و باغ و ملک مزروعی ارث می‌برند.



س ۴۲۲۰ - آیا دختر از زمین‌هایی که نسق بندی آن از طرف اداره‌ی کشاورزی معلوم شده، ارث می‌برند یا خیر؟

ج - غیر از زمین که ملک متوفی است یا حقی از متوفی در آن موجود است، هیچ یک ارث نمی‌برند؛ نه پسر و نه دختر.

□ □ □ □

س ۴۲۲۱ - دو برادر بودند که یکی از آنان زن خود را طلاق داده و پسر شیرخواری داشته که او را از زن گرفته و برای شیر دادن نزد زنی دیگر گذاشته و زن طلاق داده شده مخفیانه پسر را از او گرفته و وی بدون اجازه‌ی پدر، طفل را پیش خود برده تا او را شیر دهد و پسر مریض می‌شود و نزد مادر می‌میرد و پدر پسر نیز نزد برادر خود مریض شده و می‌میرد و در حال حاضر نمی‌دانیم آیا پدر اول مرحوم شده یا پسر و زن مطلقه نیز ارث پسر را می‌خواهد، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال که معلوم نیست پدر قبل از پسر مرده یا بالعکس، زن مطلقه‌ی پدر حق مطالبه‌ی ارث پسر خود را از ترکه‌ی پدر ندارد؛ مگر این که شرعا ثابت شود که پسر بعد از پدر مرده.

□ □ □ □

س ۴۲۲۲ - شخصی فوت کرده و یک دختر، زن و مادر دارد، حال آنان چگونه ارث می‌برند؟

ج - در فرض سؤال، هشت یک از عین منقولات و از قیمت بنا و اشجار به همسر متوفی می‌رسد و از اراضی ارث نمی‌برد؛ نه عینا و نه قیمة، و بقیه بین مادر و دختر متوفی چهار قسمت می‌شود، یک چهارم به مادر متوفی و سه چهارم به دختر متوفی می‌رسد.

□ □ □ □

س ۴۲۲۳ - شخصی فوت نموده و دو پسر دایی و یک نوهی عمو دارد، در این صورت اموال او به کدام یک از آنان می‌رسد؟

ج - در فرض سؤال، اموال متوفی به دو فرزند دایی متوفی می‌رسد و نوهی عمو ارث نمی‌برد.



س ۴۲۲۴ - آیا اهل تسنن در تقسیم ارث بر اساس مذهب خود باید عمل کنند یا مطابق با قوانین مذهب حق دوازده امامی؟

ج - می‌توانند مطابق مذهب خود تقسیم نمایند و اجبار بر تقسیم مطابق مذهب شیعه لازم نیست.



س ۴۲۲۵ - زنی بدون داشتن فرزندی فوت کرده و وارثان او عبارت است از پسر دایی (دو نفر) و پسر خاله (یک نفر) و پسر عمو (یک نفر)، ارث هر کدام چه مقدار می‌باشد؟

ج - در فرض مسأله، مال شش قسمت می‌شود، چهار قسمت آن به پسر عمو و یک ششم به پسر خاله و یک ششم به دو نفر اولاد دایی می‌رسد که بین خود به صورت بالسویه تقسیم می‌کنند و این در صورتی است که خاله و دایی پدر و مادری یا مادری یا پدری تنها باشند، ولی اگر یکی از آنها پدر و مادری و دیگری پدری تنها باشد، دایی زاده‌ها یا خاله زاده‌ی پدری تنها ارث نمی‌برند و زاید بر چهارششم، مال اولاد دایی یا خاله‌ی پدر و مادری می‌شود.



س ۴۲۲۶ - شخصی فوت نموده و نزدیک‌ترین بستگان وی عبارتند از همسر دایمی بدون فرزند و چهار نفر دایی زاده و یک نفر دختر عمه‌ی مادری و سه نفر نوهی

عمه‌ی پدری، آیا با وجود دختر عمه‌ی مادری سه نوه‌ی عمه‌ی پدری نیز از وراثان هستند یا خیر و میزان سهم ارث هر یک از وراثان چه مقدار می‌باشد؟

ج - در فرض سؤال، همسر متوفی یک چهارم از عین منقولات و یک چهارم از قیمت بنا و اشجار ارث می‌برد و از زمین نه عینا و نه قیمه ارث نمی‌برد و دایی زاده‌ها اگر همه اولاد یک دایی هستند، یک ششم می‌برند و بالسویه تقسیم می‌کنند و اگر از دایی‌های متعدد هستند، یک سوم می‌برند و بین دایی‌ها بالسویه تقسیم می‌شود و اولاد هر دایی سهم پدر خود را می‌برند و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و بقیه مال دختر عمه است و در این صورت، نوه‌ی عمه ارث نمی‌برد.



س ۴۲۲۷ - چنانچه زنی که بنا به اظهار شهود عینی دچار اختلال حواس بوده خود را با تصمیم قبلی زیر ماشین بیفکند و در نتیجه بمیرد و شهود اظهارات پیش از وقوع حادثه را مبنی بر این که وی قصد خودکشی دارد را شنیده باشند و شهادت خود را بیان نمایند، آیا راننده ضامن است یا خیر؟ در ضمن، تاکنون دو سال از واقعه گذشته و از رسانه‌های گروهی نیز استمداد شده و ورثه‌ای برای او پیدا نشده است، اموال او را باید چه کار کنند؟

ج - در فرض سؤال، اگر طوری خود را به زیر ماشین انداخته که برای راننده به هیچ وجه امکان جلوگیری از تصادف نبوده، راننده ضامن دیه نیست و اگر امکان جلوگیری از تصادف را داشته و مراعات نکرده، دیه بر عهده‌ی خود راننده است و ترکه‌ی او را به مجتهد جامع شرایط بدهند تا مطابق حکم شرعی عمل نماید و در فرضی که دیه بر عهده‌ی راننده است، آن را نیز باید به مجتهد جامع شرایط بدهند تا بر طبق حکم شرعی عمل نماید.



س ۴۲۲۸ - مادری اموال خود را بین فرزندانش تقسیم نمود که بعد از فوت وی به انحصار وراثت نیاز نباشد و هر کدام به میراث خود برسد و به صورت صلح خیاری در محضر رسمی به نام آنها ثبت نموده بدون آن که آن را به تصرف آنها در آورد و یکی از دختران پیش از مرگ مادر فوت نموده و بعد از فوت آن دختر بر روی این اموال به حج بلدی و نماز و روزه و مانند آن وصیت نموده و در حال حاضر که مادر فوت کرده، بچه‌های دختر فوت شده مدعی هستند که ما با فرزندان طبقه‌ی اول ارث می‌بریم، آیا ادعای وارثان این دختر بجاست یا خیر و به وصیتی که نموده، چگونه باید عمل شود؟

ج - در فرض سؤال، اگر وصیت مادر روی خصوص سهم دختر فوت شده انجام گرفته، کاشف از این است که صلح به او را فسخ کرده و در این صورت، ورثه‌ی دختر متوفی حقی به سهم او ندارند ولی اگر وصیت کلی است، سهم دختر به حال خود باقی است و موارد وصیت مادر از سهم هر یک حسب السهم ارثی که برده‌اند کم می‌شود.



س ۴۲۲۹ - بعد از فوت پدر این جانب، برادران بهایی من کلیه‌ی ثروت او را میان خود تقسیم نمودند و با اتکا به رژیم طاغوتی چون این جانب مسلمان بودم مرا از ارث محروم کردند و در حال حاضر مقداری زمین و درخت و خانه موجود است و مادر من نیز مسلمان و کار او پختن نان برای مردم و کار من قالی بافی است و برادرم پول قالی بافی مرا گرفته و با آن زمین خریده است، حکم شرعی آن چیست؟

ج - در صورتی که کسی بمیرد و اولاد او بعضی کافر و بعضی مسلمان باشند، ارث او به وارث مسلمان او می‌رسد و اولادی که کافرند ارث

نمی‌برند و چنانچه زمین را برادر شما با پول شما بدون اذن برای خود خریده، اگر شما معامله را امضا کنید، زمین ملک شما می‌شود و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۴۲۳۰- کتاب مفاتیح الجنان از مرده‌ای به ارث رسیده، حال اگر آن را کسی غیر از وارث بردارد، تکلیف وی چیست؟ آیا باید پول آن را به فقیر بپردازد؟ این در حالی است که کتاب، قدیمی است و قیمت آن زمان با حال تفاوت دارد.

ج - باید خود مفاتیح را در صورت وجود به ورثه‌ی متوفی بدهد و چنانچه ورثه راضی به پول آن شوند، قیمت یوم الادا را بدهد.

□ □ □ □

س ۴۲۳۱- اگر کسی با زنی زنا کرد و نطفه‌ی وی منعقد شد و بعد از دو یا سه ماه با او ازدواج کرد، آیا آن بچه از آن مرد ارث می‌برد یا نه؟

ج - ولد الزنا از زانی و زانیه ارث نمی‌برد و هم‌چنین زانی و زانیه از ولد الزنا ارث نمی‌برند؛ مگر این که شبهه‌ای در بین باشد که شرعاً قابل لحوق به پدر و مادر یا یکی از آنها باشد.

□ □ □ □

بخش سیزدهم

آغازی نوین
« احکام مردگان »

مردگان

□ حکمت غسل میت و غسل مس میت

س ۴۲۳۲ - چگونه است که هیچ یک از حیوانات و پرندگان بعد از مردن غسل ندارد، ولی انسان که اشرف مخلوقات است پس از از هاق روح باید غسل داده شود و حتی اگر دست کسی به او برسد غسل بر آن شخص واجب می‌شود؟

«گلیایگانی»: به مقتضای اخبار اهل بیت و جوب غسل مخصوص به میت انسان است و یکی از حکمت‌های و جوب غسل میت آدمی، احترام میت انسان است که میت حیوانات، آن احترام را ندارند. و جوب غسل مس میت نیز ممکن است یکی از حکمت‌هایش تأکید در اجتناب از تماس با بدن میت باشد؛ چون میت انسانی بیش‌تر از حیوانات در معرض تماس اشخاص است و بسا که سبب سرایت بعضی امراض شود.

* * *

«نکونام»: غسل میت، گذشته از احترام دنیوی آن، برای حضور در محضر فرشتگان الهی است و جوب غسل مس میت نیز ممکن است از این جهت باشد که به واسطه‌ی خارج شدن روح، عوارضی در بدن میت حاصل

می‌شود که ممکن است واگیردار باشد یا امور معنوی و پنهانی دیگری در این امر دخالت دارد و برای تحقیق هر چه بیشتر در این باره باید دانشمندان علمی و فلسفی کاوش‌های بیشتری داشته باشند تا ویژگی علمی احکام شرعی بیش از این جلوه‌گری نماید.



س ۴۲۳۳ - چرا مرده را با سدر و کافور غسل می‌دهند و علت و حکمت آن چیست؟
ج - به جهت امر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مطابق اخبار صادره از ائمه، و شاید حکمت آن ضد عفونی شدن میت است که سمومات خارج شده از بدن او در حال موت از بین برود.



□ تجهیز و دفن میت بدون حضور ولی

س ۴۲۳۴ - گفته شده است بدون اذن ولی میت نمی‌توان مرده را غسل داد و یا کفن و دفن نمود، حال اگر ولی فرد در گذشته حاضر نباشد، آیا می‌توان با اذن حاکم شرع او را غسل داد و با دسترسی نداشتن به حاکم شرع آیا جایز است با اذن عدول مؤمنان او را غسل دهند و کفن و دفن کنند؟

«گلبایگانی»: در صورتی که تأخیر موجب هتک حرمت نشود و شاهد حال قطعی بر رضایت ولی نیز نباشد بدون اذن ولی جایز نیست.



«نکونام»: حکم وجوب کفایی نسبت به تجهیز میت برای عموم است و ولی وی در محدوده‌ی تکلیف کفایی بر دیگران پیشی دارد که با حضور عرفی وی موضوع تقدّم او نیز محقق می‌شود؛ اما با عدم امکان حضور او به صورت عرفی و در مدّتی محدود، حکم تقدّم او فعلیت را از دست می‌دهد

و حکم و جوب کفایی بر عموم جاری است و دیگر اذن فقیه یا عدول مؤمنین را لازم ندارد.



س ۴۲۳۵ - ما رأی سماحتکم فی امرأة حامل ماتت عند النفاس وقد خرج رأس الطفل ميتاً، فهل يلزم إخراج الطفل تماماً لتغسيل وتكفين ودفن الأمّ والطفل كلاً على انفراد، أو يجوز إبقاء الطفل على ما هو عليه، ويكفي ما يجري على الأمّ عن الولد، وعلى فرض لزوم الإخراج، فلو لم يتيسر الإخراج أو تعسر فما التكليف شرعاً؟

- زنی باردار به هنگام زایمان مرده و تنها سر کودک خارج شده آیا لازم است همه‌ی بدن کودک بیرون آورده شود تا غسل داده شود و کفن و دفن گردد و هر یک از مادر و بچه به صورت جدا تجهیز گردد یا می‌توان کودک را به همان حال باقی گزارد و تنها مادر را کفن و دفن نمود و بر فرض که بیرون آوردن آن واجب باشد، چنانچه این کار مشکل باشد، وظیفه چیست؟

ج - يجب في الفرض إخراجه للتغسيل والتكفين والدفن وإن كان بعلاج وعملية لا توجب مثله بالطفل أو أمه.

- در فرض مسأله، واجب است کودک برای غسل و کفن و دفن بیرون آورده شود؛ هرچند به درمان و جراحی باشد اما کودک یا مادر نباید مثله گردد.



س ۴۲۳۶ - آیا در غسل میت لازم است هر سه غسل آن را یک نفر انجام دهد یا می‌شود برای نمونه یک نفر وی را غسل با سدر دهد و دیگری غسل با کافور و سومی با آب خالص.

ج - لازم نیست غسل دهنده یک نفر باشد و جایز است سه غسل را سه نفر

بدهد، بلکه جایز است یک غسل را هم چند نفر بدهند؛ به شرط این که مراعات ترتیب بشود و در هر دو مورد بر همه‌ی کسانی که غسل می‌دهند، نیت کردن واجب است.

□ □ □ □

س ۴۲۳۷ - هرگاه در بدن مرده زخمی باشد که خون آن قطع نمی‌گردد، آیا می‌شود مقداری پلاستیک روی زخم گذارد تا بتوان وی را غسل داد و کفن نمود یا خیر؟
ج - در فرض مسأله، اگر به صبر کردن، خون قطع می‌شود، صبر کنند و اگر قطع نمی‌شود، موضع خون را به‌علاج مسدود نموده و غسل بدهند، لکن اگر در اثر مسدود نمودن موضع خون، مقداری از بدن شسته نمی‌شود باید تیمم بدهند.

□ □ □ □

□ شستن میّت در آبی که مصرف عمومی دارد

س ۴۲۳۸ - شستن مرده در نهری که بین دو روستا مشترک است و ساکنان یکی به سبب برداشتن آب آشامیدنی از آن به نارضایتی خود تصریح نموده‌اند جایز است یا نه؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، اگر شستن در آب باعث اشمئزاز است، در خارج از آب، غسل بدهند و ظاهراً آب برداشتن و در خارج، غسل دادن اشکال ندارد؛ نظیر سایر حوایج.

* * *

«نکونام»: شستن میّت در آبی که مورد مصرف عموم است، به هیچ وجه صحیح نیست؛ اگرچه عموم نیز به آن راضی باشند، و لازم است از پساب میّت خودداری شود و مورد مصرف قرار نگیرد.

□ □ □ □

س ۴۲۳۹ - کسی که در حادثه‌ی رانندگی تصادف کرده و تمام بدن وی خرد شده است و سر نیز ندارد و او را میان کیسه گذاشته‌اند، آیا باید غسل داده شود یا تیمم؟

«گلیپگانی»: اگر شستن ممکن است و موجب تفرق اعضا نمی‌شود بشویند و غسل دهند، و در صورتی که شستن ممکن نباشد، چنانچه دست‌های او که جای تیمم است باقی است احتیاطاً تیمم بدهند و اگر دست‌ها و سر او نیست، تیمم هم ساقط است، به همان حال دفن کنند.

* * *

«نکونام»: عمل به احتیاط گفته شده لازم است.

□ □ □ □

س ۴۲۴۰ - آیا شخص جنب می‌تواند مرده را غسل دهد یا نه؟
ج - بلی، جایز است.

□ □ □ □

س ۴۲۴۱ - کسی که مرده را غسل می‌دهد، آیا پیش از آن که غسل مس میت نماید می‌تواند مرده را کفن کند یا نه؟
ج - بلی، جایز است، ولی مستحب است غسل نماید و بعد میت را کفن کند.

□ □ □ □

س ۴۲۴۲ - شخصی در قبرستان غسلخانه‌ای ساخته و در حین خاکبرداری آن دو قبر نبش شده و استخوان‌های موجود در آن را به جای دیگری حمل داده‌اند و بنا را به آخر رسانده‌اند، غسل دادن مردگان در این مکان چه حکمی دارد؟
«گلیپگانی»: نبش قبر مسلم جایز نیست، ولی فعلاً که این حرام را مرتکب

شده‌اند، اگر زمین، قبل از دفن، مباح بوده و وقف نبوده، از ورثه‌ی آن دو نفر، اگر زنده و معلوم هستند، استجازه و استرضا نمایند. ان شاء الله اشکالی ندارد و اگر ورثه معلوم نباشند، جواز غسل موکول به اذن حاکم شرع است احتیاطاً.

* * *

«نکونام»: اگر زمان طولانی از دفن گذشته و صورت قبر از بین رفته و نبش اختیاری نبوده که معصیت باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

□ اجرت گرفتن فرد برای انجام واجبات

س ۴۲۴۳ - گرفتن مزد برای انجام واجبات کفایی؛ مانند غسل میت و نماز و دفن آن، حرام است، بنا بر این مسأله، اگر کسی برای انجام این فرایض مطالبه‌ی مزد نماید و خویشان میت آن را بدون رضایت پرداخت نمایند، آیا اشکالی به نماز، غسل و دفن میت وارد می‌آید یا نه؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله، اگر غسل و نماز را برای خدا بجا آورده است و اجرت برای مقدماتی که واجب نیست مطالبه نماید یا جهلاً اجرت تبرع و بلا عوض مطالبه کند، غسل و نماز صحیح است و اگر غسل و نماز را برای پول گرفتن انجام داده نه برای خدا، غسل و نماز باطل است و با شک در این که به چه قصد انجام داده، عمل محمول بر صحت است تا خلاف آن معلوم شود.

* * *

«نکونام»: گرفتن مزد برای انجام واجبات کفایی؛ خواه عبادی باشد یا توصلی، مانند غسل، کفن، دفن و نماز میت یا دیگر واجبات عمومی، اشکال ندارد؛

زیرا وجوب، لزوم تحقّق آن را می‌رساند و گرفتن مزد، منعی در این جهت ایجاد نمی‌کند و وجود «قصد قربت» نیز مانعی بر جواز آن نیست؛ چرا که گرفتن مزد، خود داعی برای تحقّق عمل عبادی به قصد قربت می‌شود؛ بنابراین، کسی که اجرت می‌گیرد تا عمل غسل یا غیر آن را با تیت و قصد قربت انجام دهد، غسل او صحیح است؛ همان‌گونه که عبادت استیجاری با اخذ اجرت، صحیح است و منافاتی با آن ندارد.



□ برطرف ساختن موی زاید بدن میّت

س ۴۲۴۴ - اگر موی بدن مرده بلند باشد، آیا می‌توان آن را زایل نمود یا نه؟
«گلبایگانی»: اگر مو مانع از رسیدن آب به بشره باشد و غسل، موقوف به برطرف کردن آن باشد، اشکالی ندارد.



«نکونام»: صرف مو، مانع از رسیدن آب به بدن میّت نیست تا غسل به زایل کردن آن بستگی داشته؛ چنان که از عبارت ایشان ظاهر می‌شود و گرفتن ناخن و موی زاید بدن میت جایز است.



□ ظاهر بدن میّت، موضوع غسل

س ۴۲۴۵ - مرده‌ای که کالبد شکافی می‌شود، مقداری از پوست وی با بخیه کردن آن موضع مخفی می‌شود، و در نتیجه، آب غسل به تمام پوست نمی‌رسد، در این صورت چه باید کرد؟

«گلبایگانی»: به همان نحو که هست او را غسل دهند و احتیاطاً تیمم هم بدهند، ولی شکافتن بدن میت مسلمان حرام است.



«نکونام»: موضوع غسل میّت، ظاهر بدن میّت است و ممکن است بدن وی در زمان غسل با زمان مرگ متفاوت باشد؛ بنابراین در فرض پرسش، نیازی به تیمّم نیست.



س ۴۲۴۶ - در غسل ترتیبی میت فتوا چنین است که فرو بردن هر یک از سه قسمت بدن در آب زیاد اشکال ندارد، آیا این حکم فقط به آب خالص مختص است یا در هر سه غسل چنین است؟

ج - در آب سدر و کافور هم اگر کر باشد و مضاف نباشد فرو بردن اعضای میت اشکال ندارد. بلی، در آب قلیل فرو نبرند.



س ۴۲۴۷ - اگر جنینی که بیش از چهار ماه دارد به ناچار قطعه قطعه شود تا خارج گردد، آیا هر کدام از قطعات آن غسل دارد و باید در یک کفن قرار داده شود؟

ج - قطعاتی که استخوان ندارد، همین طور در پارچه‌ای پیچیده و دفن نمایند، و قطعاتی را که استخوان دارد واجب است غسل بدهند و در پارچه‌ای پیچیده و دفن نمایند، اما قسمتی که سینه و قلب دارد، واجب است غسل داده و کفن کنند و دفن نمایند.



□ غسل و تیمم ناهمگون و نامحرم

س ۴۲۴۸ - اگر مرد نامحرمی به ناچار و با نبودن بخواهد زنی را به جای غسل تیمم دهد، تکلیف وی چیست؟

«گلیپگانی»: در فرض سؤال، با نبودن مماثل، تکلیف مبدل به تیمم نمی‌شود و اقوی سقوط غسل است، لکن احتیاط، غسل دادن است بدون لمس و

نظر، و اگر غسل دادن ممکن نباشد؛ به طوری که اگر مماثل هم بود وظیفه تیمم بود، در این صورت او را تیمم بدهد بدون لمس و نظر.

* * *

«نکونام»: در فرض پرسش، با نبود شخص هم جنس، غسل ساقط می شود و تیمم نیز لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۲۴۹- اگر خنثای مشکل بمیرد، چه کسی باید او را غسل بدهد؛ چرا که چنانچه مرد او را غسل دهد شاید در واقع زن باشد و در صورتی که زن وی را غسل بدهد شاید مرد باشد، در این صورت تکلیف غسل او چیست؟

«گلبایگانی»: احوط آن است که محارم نسب زن یک غسل داده و محارم نسبی مرد غسل دیگری بدهند، و اگر محرم نداشته باشد نیز احوط آن است که هم زن و هم مرد او را از زیر لباس غسل بدهند و این حکم در صورتی است که خنثی سه سال به بالا بوده باشد و اگر از سه سال کم تر باشد، هر کدام از مرد یا زن او را غسل بدهند؛ ولو از محارم نسبی او نباشد، جایز است.

* * *

«نکونام»: در این صورت شرط مماثل ساقط است و لازم است از زیر لباس بدون لمس و نظر یک غسل داده شود، کافی است.

□ □ □ □

س ۴۲۵۰- اگر با وجود مماثل، محرمی غیر از شوهر و زن بخواهد غیر هم جنس خود را غسل دهد؛ چرا که اطمینان به غسل هم جنس ندارد؛ هر چند چگونگی آن را به

وی آموزش دهد، آیا اجازه می‌فرمایید که وی میت را غسل دهد یا نه؟

«گلبایگانی»: اقوی آن است که با وجود مماتل، غیر مماتل غسل ندهد. بلی، هرگاه مماتلی که غسل صحیح بدهد نباشد به منزله‌ی فقد مماتل است.

* * *

«نکونام»: در صورت وجود هم‌جنس، غسل دادن غیر هم‌جنس جایز نیست و اگر مماتل نمی‌تواند مرده را به صورت صحیح غسل دهد، با هدایت فرد آگاه غسل با هم‌جنس انجام شود و در صورت ممکن نبودن آن، حکم مورد ناچاری را دارد.

□ □ □ □

س ۴۲۵۱- اگر جاهل قاصر و یا مقصر، یکی از محارم خود را که غیر از زن و شوهر است، غسل بدهد صحیح است یا باید غسل را دوباره انجام داد و بر فرض لزوم تجدید، تفاوتی میان این که از گذاردن در قبر یا پس از پوشاندن روی قبر هست یا نه و در صورت جواز نبش، مدت آن چند روز و یا چند ساعت است؟

«گلبایگانی»: غسل محارم به نسب یا به رضاع، با فقد مماتل صحیح و در غیر این صورت، اقوی عدم صحت است و چنانچه جهلا این عمل واقع شد، نبش قبر و اعاده‌ی غسل واجب است، مگر آن که بدن متلاشی و متعفن شده باشد که نبش موجب هتک باشد.

* * *

«نکونام»: غسل مرد نامحرم به دست زن نامحرم یا بر عکس، در مواردی که چاره‌ای از آن نیست، باطل نیست.

□ □ □ □

س ۴۲۵۲ - اگر کسی در بیابانی که دسترسی به آبدی ندارد زنی مرده و عریان را ببیند و هوا نیز خیلی سرد باشد و از این جهت نتواند او را از پوشش خود بپوشاند؛ تکلیف وی چیست؟

ج - در فرض مسأله که محرم در بین نیست، غسل میت ساقط است. اگر متمکن است او را بدون غسل دفن کند و اگر متمکن نیست تکلیف ندارد. بلی، در صورت تمکن واجب است برود به آبدی و اسباب غسل و کفن و دفن او را فراهم آورد و الا تکلیفی ندارد.

□ □ □ □

س ۴۲۵۳ - مباشرت پدر شوهر و عروس و داماد و مادر زن با نبود محارم نسبی و همجنس در غسل و کفن و دفن یکدیگر جایز است یا نه؟

«گلیایگانی»: در صورتی که مماثل نباشد، احوط آن است که اشخاص مذکور یکدیگر را غسل بدهند و بعد آب غسل را خشک نمایند و کفن کنند.

* * *

«نکونام»: در صورت نبود فرد همجنس، انجام دادن غسل افراد یاد شده جایز است و بعد از غسل نیز نیازی به خشک کردن آب غسل نمی‌باشد.

□ □ □ □

□ محرمیت

س ۴۲۵۴ - زنی فوت شده و همجنسی نیست تا او را غسل دهد، آیا می‌توان نوهی دختری یا پسری آن زن را برای مردی صیغه نمود تا به آن زن محرم شود و او را غسل بدهد یا نه؟

«گلیایگانی»: در فرض سؤال، حصول محرمیت بعید نیست.

* * *

«نکونام»: هر نوع اجرای صیغه جهت محرمیت باید با قصد جدی «تمتع»، همراه باشد؛ حتی نسبت به طفل صغیری که امکان چنین تمتعی را در حد مسما داشته باشد؛ زیرا غایت قریب صیغه‌ی عقد، تمتع است و هر گونه محرمیتی نسبت به زن، مرد، مادر و مادر بزرگ یک طفل، غایت بعید صیغه‌ی عقد می‌باشد و تحقق آن بعد از فرض تحقق غایت قریب است که خود، معلول عقد جدی است، در فرض تحقق چنین قصدی جایز است؛ اگرچه لازم نیست و مورد در حکم نبود هم جنس است.



□ غسل میتی که جنسیت وی ناشناخته است

س ۴۲۵۵ - دو نفری که بدن آنان در آتش سوزی سوخته و هویت و جنسیتشان ناشناخته است چگونه تجهیز می‌شوند؟

«گلیپگانی»: احتیاطاً - اگر غسل آنها ممکن است - آنها را از ورای ثیاب غسل دهند، هر یک را دو مرتبه یکمرتبه مرد غسل دهد، یک مرتبه زن، و اگر غسل ممکن نیست و مواضع تیمم آنها باقی است، با دستکش هر یک را دو مرتبه تیمم دهند یک مرتبه مرد تیمم دهد و یک مرتبه زن، و کفن و دفن آنها علی السواء است.



«نکونام»: در صورت تشخیص ندادن جنسیت زن و مرد بر اثر آتش سوزی در زمان غسل، چند غسل لازم نیست، بلکه اگر غسل ممکن باشد، یک غسل از روی لباس به تیت آنچه در واقع واجب است، کفایت می‌کند؛ خواه غسل دهنده مرد باشد یا زن و در صورت ممکن نبودن غسل و امکان تیمم، با چیزی مانند دستکش که مانع تماس است وی را تیمم دهد و در آن

نیز هم چون غسل عمل می‌شود و کفن و دفن هم به همین شیوه انجام می‌گیرد.



□ یافتن استخوان

س ۴۲۵۶ - استخوان انسان که معلوم نیست از مسلمان است یا کافر و یا از زن است و یا از مرد، چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: اگر در بلاد اسلام است محکوم به اسلام می‌باشد و باید دفن نمود و اگر زن و مرد بودن آن معلوم نیست، در غسل و تجهیزات آن مراعات احتیاط نمایند؛ یعنی هم مرد او را غسل بدهد و هم زن.



«نکونام»: استخوان پیدا شده، محکوم به حکم افراد یک سرزمین در زمان نزدیک به دفن است؛ نه زمان و مکان یافته شدن آن و در صورت عدم تشخیص این که از زن است یا مرد، یک غسل به تیت آن چه در واقع است، کفایت می‌کند؛ خواه غسل توسط زن انجام گیرد یا مرد.



□ غسل میتی که از بدن او خون جاری است یا بعضی اعضایش از بین رفته

س ۴۲۵۷ - مرده‌ای که بدن وی در حادثه‌ی رانندگی مجروح شده و خون آن بند نمی‌آید، چگونه غسل داده می‌شود؟

«گلبایگانی»: اگر محتمل است با تأخیر غسل، خون قطع شود، باید صبر کنند تا خون قطع شود و بعد غسل دهند، در صورتی که موجب تعفن و هتک میت نشود و اگر این طریق ممکن نیست، لکن ممکن است برای یک لحظه خون را پاک و تطهیر کرد، پاک و تطهیر کنند و تیمم دهند.



«نکونام»: اگر نمی‌شود خون را بند آورد و خون نیز بند نمی‌آید، غسل ساقط است و انجام تیمم کافی است.



□ بند نیامدن خون میت در حال غسل

س ۴۲۵۸ - شخصی در حادثه‌ی تصادف فوت کرده و به هیچ وجه خون از او قطع نمی‌شود، حال تکلیف در غسل وی چیست؟

«گلبایگانی»: اگر ممکن است صبر کنند تا خون قطع شود والا مواضعی را که خون می‌آید به نحوی - ولو به این که چیزی روی آن بریزند - مسدود کنند، و اگر این هم ممکن نشد، به همان حال در آب جاری غسل دهند و آب سدر و کافور را در ظرفی بریزند و آب لوله که حکم جاری را دارد وصل به آن ظرف نمایند و با همان حال به بدن میت بریزند و احتیاطاً تیمم هم بدهند.



«نکونام»: اگر خون بدن میت به هنگام غسل قطع نشود، می‌توان آن را با آب جاری یا آب لوله کشی غسل داد و نیازی به تیمم نیست و اگر غسل که لازم است با آب سدر و کافور انجام گیرد نیز با استفاده از ظرفی صورت گیرد که به آب لوله کشی اتصال دارد، کفایت می‌کند و نیازی به تیمم نیست.



س ۴۲۵۹ - شخصی که بیش تر بدن او در حادثه‌ی رانندگی از بین رفته، برای غسل چه تکلیفی دارد؟

ج - هر عضوی که استخوان در او باشد باید آن را غسل دهند و در

پارچه‌ای بپیچند و دفن نمایند و اگر سینه باشد که قلب در آن باشد یا خود قلب، علاوه بر غسل و کفن نماز هم بر آن بخوانند.



س ۴۲۶۰ - سر و صورت کسی در حادثه‌ی رانندگی از بین رفته و دیگر اعضای وی سالم است، آیا وی را باید غسل داد یا تیمم، و چگونگی آن را تبیین نمایید؟
ج - اگر به غسل دادن، اجزای میت متفرق نشود، غسل دهند و اگر به غسل متفرق می‌شود، تیمم بدهند و با نبودن پیشانی، مسح آن ساقط است.



□ غسل جبیره

س ۴۲۶۱ - اگر در بدن میت زخم و جراحت باشد، آیا باید وی را غسل جبیره داد یا غسل متعارف؟
ج - در غسل میت، جبیره ذکر نشده، اگر ممکن است غسل بدهند والا تیمم بدهند.



□ جریان ادرار یا خون حیض

س ۴۲۶۲ - اگر در حال غسل میت از او ادرار یا خون حیض و مانند آن خارج شود که قطع شدن آن مدتی به درازا بکشد، آیا جایز است او را غسل بدهند و بی درنگ کفن و دفن کنند یا نه؟

«گلبایگانی»: صبر کنند تا خون یا بول قطع شود، مگر آن که معرض فساد بدن باشد.



«نکونام»: اگر در حال غسل میت، ادرار یا خون حیض از وی خارج شود،

لازم است صبر شود تا ادرار قطع شود، ولی در مورد خون حیض - که معلوم نیست چه موقع قطع می شود - لازم نیست صبر شود، بلکه غسل ادامه می یابد و با مسدود کردن محل خروج خون، کفن و دفن انجام می گیرد.



□ تیمم

س ۴۲۶۳ - مرده ای سر و دست ندارد و غسل دادن او ممکن نیست، آیا تیمم نیز از او ساقط است یا نه، و اگر ساقط نیست، چگونه باید وی را تیمم داد؟
ج - اگر بعضی از اعضای تیمم باقی است همان بعض را تیمم دهند، و اگر هیچ یک از اعضا باقی نیست، تیمم ساقط است.



س ۴۲۶۴ - کسی که همه ی اعضای وی در تصادف در هم کوبیده گردیده و به هیچ وجه نمی شود وی را غسل داد، در این صورت چگونه تیمم داده می شود؟
ج - در فرض مسأله، اگر اعضای تیمم صحیح است مثل شخص زنده او را تیمم دهند و واجب نیست از پشت سر تیمم دهند می توانند جلوی او بنشینند و او را تیمم دهند و باید دست راست میت را با دست چپ و دست چپ را با دست راست مسح نمایند.



□ تجهیز میت ناشناخته از جهت دین

س ۴۲۶۵ - اگر مرده ای را بیابند و ندانند که مسلمان است یا کافر، آیا باید او را غسل داد و کفن کرد و نماز بر او خواند یا نه؟
ج - اگر در بلاد مسلمین باشد، حکم میت مسلمان را دارد.



□ تشخیص ندادن بدن میت کافر از مسلمان

س ۴۲۶۶ - چند نفر مسلمان، اهل کتاب و بهایی در حادثه‌ای سوخته‌اند و بدن‌های آنان ناشناخته است، درباره‌ی تجهیز آنان چه باید کرد؟

«گلبایگانی»: برای این که یقین حاصل شود که نسبت به مسلمان‌ها به تکلیف شرعی عمل شده، باید - اگر امکان دارد - همه را غسل دهند و کفن کنند، و بر هر یک جدا جدا به احتمال این که شاید مسلمان باشد نماز بخوانند و ممکن است همه را پیش هم بگذارند و به نیت میت مسلمان نماز بخوانند؛ البته، به نحوی که فاصله‌ی مضر بین نمازگزار و اموات نباشد و همه را مطابق دستور اسلام در مکانی که نه قبرستان مسلمین است و نه قبرستان کفار دفن نمایند.

* * *

«نکونام»: در صورتی که بدن افراد مسلمان و کافر در کنار هم قرار گرفته و تشخیص هر یک ممکن نباشد، کافی است بعد از غسل و کفن همه‌ی افراد، به نیت نماز فرد مسلمان، یک نماز بر همه‌ی آن‌ها خوانده شود و نیازی به برگزاری چند نماز نیست؛ هرچند لازم است محل غسل دادن و تمامی مواضع تماس اشیا و افراد با آن در حال رطوبت و تری تطهیر شود.

□ □ □ □

س ۴۲۶۷ - هرگاه دست کافر را ببرند، و کافر بعد از آن مسلمان شود، دست قطع شده‌ی وی حکم میت مسلمان را دارد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، عضو مزبور حکم عضو جدا شده از مسلمان را ندارد.

□ □ □ □

□ کفن نوشته شده با آیات قرآن کریم

س ۴۲۶۸ - استفاده از کفنی که آیات قرآن بر آن نوشته شده جایز است یا خیر؟
 «گلبایگانی»: احتیاطاً باید به طوری کفن‌های نوشته شده با دعا و آیات قرآن به بدن میت پوشانده شود که یقین به نجس شدن آن‌ها حاصل نشود، بلکه در معرض نجس شدن هم نباشد، به این نحو که وقتی میت در قبر قرار می‌گیرد، نوشته طرف چپش باشد.

* * *

«نکونام»: نوشته‌ی دعا و آیات قرآن کریم باید به گونه‌ای همراه میت دفن شود که علم به نجس شدن آن نباشد و در معرض نجس شدن قرار نگیرد و هتک حرمت نیز دانسته نشود؛ اما در سمت چپ بودن یا به سر آن پیچیدن لازم نیست و نیاز به کفن دیگری نیز نمی‌باشد.

□ □ □ □

□ نوشتن اسم میت و پدر او بر کفن

س ۴۲۶۹ - یکی از مستحبات کفن، ران پیچ است؛ بنابراین آیا باید ران‌ها را جدای از هم ببندند و یا بر روی هم پیچیده شود و هم‌چنین مستحب است اسم میت و پدر او نوشته شود، حال آیا برای مرد به عمامه و برای زن به مقنعه باید نوشت یا نه و مراد از مقنعه چیست، چارقد یا روپوش صورت؟

«گلبایگانی»: ظاهر آن است که ران‌ها را با هم ببینند و مستحب است اسم آن‌ها به تمام قطعه‌های کفن نوشته شود و مراد از مقنعه چارقد است.

* * *

«نکونام»: نوشتن اسم بر تمام قطعات کفن لازم نیست و در این جهت میان مقنعه، چارقد یا روپوش صورت تفاوتی نمی‌باشد؛ اگرچه این سه با هم متفاوت است.

□ □ □ □

س ۴۲۷۰ - جملاتی از قرآن مجید و دعاها که بر کفن می نویسند، اگر شسته شود ولی آثار آن بماند، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج - مانعی ندارد ولی مراعات کنند که زیر بدن میت واقع نشود.

□ □ □ □

س ۴۲۷۱ - آیا می توان لباس احرام زنانه را به جای کفن میت مصرف کرد یا نه؟
ج - بلی ازار و ردای احرام را می توان به جای کفن مصرف نمود.

□ □ □ □

س ۴۲۷۲ - آیا جایز است که با جوهر خودکارهای فعلی مطالب مقرر را به کفن بنویسند؟

«گلیپگانی»: اگر علم به نجاست آن نباشد، اشکال ندارد، ولی بهتر آن است که با تربیت حضرت سید الشهداء علیه السلام بنویسند.

* * *

«نکونام»: اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۲۷۳ - بدنی که مجروح است و خون آن با هیچ چیزی حتی با گچ، چسب و پنبه و باند بند نمی آید، چنانچه بعد از تیمم، بدن روی پلاستیک گذاشته شود و لنگ و پیراهن و سراسری را از روی پلاستیک بپوشانند، چه صورت دارد با توجه به این که بدون پلاستیک هر قدر تکفین شود به خون آلوده و نجس می شود؟
ج - در صورت مفروضه که به غیر این نحو ممکن نیست، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۲۷۴ - کفن کردن منافقانی که اعدام می شوند چه حکمی دارد و تکلیف شرعی ما با آنان چیست؟

ج - کفن کردن آنها مادام که علم به ارتداد آنها نباشد اشکال ندارد.

□ □ □ □

□ نماز بر میت دیوانه

س ۴۲۷۵ - آیا بر دیوانه‌ای که در گذشته واجب است نماز میت خوانده شود یا نه و در صورتی که واجب باشد، جمله‌ی «اللهم إنا لا نعلم منه إلا خيرا» بر وی صدق می‌کند یا چون وی در همه‌ی زندگی خود تکلیفی نداشته است باید چیز دیگری گفت؟

«گلیپگانی»: خواندن نماز میت واجب است و به جای جمله‌ی مذکوره، در دعای بر او جمله‌ی دیگری که مناسب باشد مثل «اللهم أدخله الجنة وأكرمه وأحسن إليه» بگویند.

* * *

«نکونام»: جمله‌ی «اللهم لا نعلم منه إلا خيرا» را می‌توان در نماز میتی که دیوانه بوده است به قصد اخبار و نه انشا قرائت نمود.

□ □ □ □

س ۴۲۷۶ - شخصی به گفته‌ی پزشک تا آخر عمر بدون ختنه مانده، آیا نماز بر جنازه‌ی او جایز است یا نه، و آیا بعد از غسل می‌شود او را ختنه نمود یا نه؟
ج - ختنه واجب است و از ضروریات می‌باشد و کسی که آن را بدون عذر شرعی ترک کرده اگر وجوب آن را قبول داشته، معصیت کرده، و ترک آن برای حفظ جان اشکالی ندارد و در هر حال، مسلمان است و نماز بر جنازه‌ی او واجب می‌باشد و بعد از مرگ، ختنه‌ی میت جایز نیست.

□ □ □ □

س ۴۲۷۷ - شخصی که به تکلیف نماز و روزه عمل نمی‌کرده و منکر آن نیز نبوده است، آیا باید وی را تجهیز نمود؟

ج - تجهیزات میت مسلمان؛ هرچند فاسق باشد مانند مسلمان تارک الصلاة، واجب است.

□ □ □ □

س ۴۲۷۸ - نماز خواندن بر جنازه‌ی اشخاصی که خودکشی می‌کنند چه حکمی دارد؟
ج - اگر مسلمان باشد، نماز بر جنازه‌ی او واجب است.

□ □ □ □

س ۴۲۷۹ - آیا تجهیز شیعه و سنی تفاوت دارد یا نه؟

ج - غسل و تیمم و کفن و دفن آن‌ها به یک نحو است ولی در نماز و دعایی که بر میت خوانده می‌شود نسبت به آن‌ها فرق دارد. در رساله ملاحظه کنید.

□ □ □ □

س ۴۲۸۰ - اگر کسی در نماز میت بعد از تکبیر چهارم برای هر مرده‌ای بگوید «اللهم اغفر لهذا المیت» کفایت می‌کند یا باید برای هر کدام به نحو مخصوصی که در رساله آمده عمل نمود؟

ج - اگر جنازه‌ای که به آن نماز خوانده می‌شود یکی باشد، «اللهم اغفر لهذا المیت» کافی است و اگر دو میت باشد، «اللهم اغفر لهذین المیتین» و اگر سه میت باشد، «اللهم اغفر لهؤلاء الأموات» کفایت می‌کند و تفصیل لازم نیست و جایز است برای میت؛ اعم از زن و مرد به لحاظ شخص یا نعش یا بدن بگوید «اللهم اغفر لهذا المیت» و به لحاظ جنس یا جنازه بگوید «اللهم اغفر لهذه المیتة».

□ □ □ □

□ نماز بر مسلمان مشروب فروش

س ۴۲۸۱ - دستور است که در نماز میت گفته شود «اللهم اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا» با آن که فرد مرده مشروب می‌فروخته و از طرفی مسلمان است، حکم تجهیز وی چگونه است.

«گلبایگانی»: اگر اعمال او از این قبیل بوده که قابل حمل بر صحت نیست و

توبه‌ی او هم معلوم نباشد، آن جمله را نگوید و به جای آن بگوید «اللهم أنت أعلم به منّا».

* * *

«نکونام»: در فرض مذکور، مانند مورد دیوانه و تارک الصلاة، می‌توان جمله‌ی یاد شده را در نماز میت به قصد اخبار قرائت نمود؛ هرچند مناسب است به جهت عدم ریشخند از ناحیه‌ی عرف، عبارت دیگری مانند «اللهم أنت أعلم به منّا» آورده شود.

□ □ □ □

س ۴۲۸۲ - شخصی نماز خود را ترک کرده و کسی از روی ترس و یا ملاحظه‌ی قبيله بر جنازه‌ی او نماز خوانده، آیا وی گناهی کرده است یا نه؟
«گلپایگانی»: خواندن نماز میت بر او اشکال ندارد، لکن نگوید «اللهم إنا لا نعلم منه إلا خیرا»، بلکه گوید «اللهم أنت أعلم به منّا».

* * *

«نکونام»: حکم آن در مسأله‌ی پیش گذشت.

□ □ □ □

□ نماز بر میت در تابوت بسته

س ۴۲۸۳ - اگر مرده‌ای را در تابوت یا جعبه گذارند و بر او نماز خوانند، اشکالی دارد؟ آیا می‌توان نماز را بر مرده‌ای که اهل علم و تقوا نیست دو بار خواند؟
«گلپایگانی»: در صورتی که درب جعبه را باز نموده و نماز خوانده باشند صحیح است، ولی اگر در جعبه بسته بوده، احتیاطا نماز را مجددا بر قبر او بخوانند و تکرار نماز میت مانعی ندارد.

* * *



«نکونام»: باز بودن در تابوت یا جعبه‌ی میّت به هنگام نماز ضرورت ندارد و نیازی به نماز احتیاطی بر تابوت یا قبر نیست.



□ گذاردن میت در مسجد

س ۴۲۸۴ - آیا می‌توان میت را پیش از غسل در مسجد گذاشت و آیا به مسجد هتک و بی‌احترامی نمی‌شود؟

«گلبایگانی»: در صورتی که موجب تنجیس مسجد نشود، جایز است؛ هرچند خلاف احتیاط است.



«نکونام»: گذاردن میت در مسجد، پیش از غسل یا بعد از آن؛ در صورتی که سبب نجس شدن یا هتک حرمت مسجد نباشد، در اصل اشکالی ندارد و خلاف احتیاط شمرده نمی‌شود.



س ۴۲۸۵ - آیا می‌شود مرده‌ای را که بدن وی به نجاستی مانند خون و ادرار آلوده گردیده و هنوز غسل داده نشده در مسجد گذاشت؟
ج - هرگاه به نحوی باشد که موجب توهین شود جایز نیست.



□ در لحد گذاشتن میت توسط نامحرم

س ۴۲۸۶ - آیا دایی می‌تواند زن خواهرزاده‌ی خود را در لحد بخواباند یا نه؟
«گلبایگانی»: در لحد خواباندن میت، شرطش محرمیت نیست، لکن از لمس و نظر خودداری نماید.



«نکونام»: دایی به زن خواهرزاده‌ی خود محرم نیست؛ ولی در به لحد نهادن میّت، محرمیّت شرط نمی‌باشد.



س ۴۲۸۷ - کسی نزدیک به چهار سال پیش فوت نموده و در قبری که خود آن را خریده دفن گردیده و ورثه‌ی وی چهار پسر و چهار دختر و دو عیال است. اکنون برادر وی فوت شده و او را نیز در همین قبر دفن نموده‌اند، آیا در این مدت کوتاه جایز بوده میت دیگری در آن قبر دفن گردد یا نه و هم‌چنین اجازه‌ی همه‌ی وارثان وی لازم است یا نه؟

ج - اگر محل قبر وقف نبوده و ملک فروشنده بوده و به‌نحو شرعی خریداری شده، ملک خریدار است و بدون اجازه‌ی مالک، تصرف در آن جایز نیست؛ هرچند میتی که در آن دفن شده از بین رفته باشد و اگر وقف باشد، باید به‌نحوی که در وقف معین شده عمل شود و نبش قبر، جز در مواردی که در رساله‌ی عملیه ذکر شده، حرام است.



□ دفن موقت امانی

س ۴۲۸۸ - در بندر دیلم معمول شده که اغلب مردم اجساد مردگان خود را به قم و یا شهر دیگری نقل می‌دهند و چون بهداری محل در تمام فصول اجازه‌ی نقل جسد نمی‌دهد، زمین را به نام قبر هاشمی حفر کرده و میت را به طرف شمال یا جنوب به پشت می‌خوابانند و روی آن را با گچ یا گل و مانند آن مسدود نموده و سپس گودال یا قبر را با خاک پر می‌کنند و پس از مدتی که نزدیک به یک سال یا بیش‌تر طول می‌کشد آن را نبش نموده و جسد را از آن بیرون می‌آورند و به

مقصد مورد نظر نقل می‌دهند و گاه بعضی از بازماندگان موفق به حمل جسد نمی‌شوند و به همان حال در زمین باقی می‌ماند، آیا این عمل صحیح است یا نه؟ هم‌چنین اگر روی زمین بنایی بسازند و جسد میت را در آنجا بگذارند، حکم خود زمین را دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: دفن میت به این نحو در داخل زمین یا خارج آن، هرچند به عنوان امانت برای نقل به اماکن متبرکه باشد، به نظر این جانب جایز نیست و باید به همان نحو شرعی و متعارف، زیر زمین دفن نمایند و هر وقت خواستند او را به یکی از اماکن مشرفه حمل کنند، نبش قبر او - در صورتی که مستلزم هتک نشود - جایز است.

* * *

«نکونام»: عنوان قبر هاشمی ملاک مستندی ندارد و این‌گونه وصیت‌ها اگر مشکلات موسمی، ترابری یا ارگانی را در سطح وسیع ایجاب کند، عمل به آن لازم نیست و در هر صورت، قبر موقت امانی باید هم‌چون قبر طبیعی به صورت شرعی تحقق یابد.

□ □ □ □

س ۴۲۸۹ - شخصی با حریق از بین رفته و فقط مقداری خاکستر از او باقی مانده، آیا وظیفه‌ای در باره‌ی او هست؟

«گلبایگانی»: احتیاطاً خاکستر او را دفن کنند.

* * *

«نکونام»: خاکستر او را دفع کنند خوب است؛ اگرچه واجب نیست.

□ □ □ □

□ گذاردن قرآن کریم در قبر میت

س ۴۲۹۰ - آیا گذاشتن قرآن کریم در قبر به همراه میت با عقیده‌ی پاک و با وصیت خود او جایز است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر طوری است که از آلوده شدن به رطوبات محفوظ باشد و هتک نباشد، به قصد تبرک مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: هر چیز مادی که ارزش مالی مناسبی داشته باشد، هم چون عقیق یا قرآن کامل، گذاردن آن در قبر میت از موارد اسراف شمرده می‌شود و جایز نیست و نهادن چیزهایی، مانند تربت، دعا یا نوشته‌ی آیات الهی، در صورتی که ارزش ریالی بالایی نداشته باشد، اشکال ندارد، بلکه از موارد پسندیده است.

□ □ □ □

□ ملاک رو به قبله بودن فرد دارای نقص عضو

س ۴۲۹۱ - بچه‌ای هشت ماهه که تمام اعضای وی سالم است جز صورتش که به طرف پشت می‌باشد؛ به گونه‌ای که اگر رو به قبله می‌ایستاد همه‌ی مقادیم بدن او به طرف قبله بود اما صورت او کاملاً پشت به قبله قرار می‌گرفت، مرده است، حال چگونه باید او را دفن کرد و اگر وی زنده می‌ماند تا بالغ می‌شد، چگونه باید نماز می‌خواند و اگر صورت او به طرف مشرق یا مغرب بود، چه باید می‌کرد؟

«گلبایگانی»: در این مسأله، تشخیص تقدیم احد طرفین مشکل است و اقوی تخییر است، اما در نماز علی‌الظاهر مقادیم بدن که می‌تواند رکوع و سجود بجا آورد مقدم است در استقبال، و رکوع را به همان وضع بجا آورد؛ چون

رکوع با این حال صدق می‌کند و در سجده نیز گذاشتن یکی از جبینین بر زمین کافی است و احتیاطاً مهر را هم به پیشانی بگذارد، و برای دفن، او را مانند سایر اموات روی دست راست دفن نمایند.

* * *

«نکونام»: میزان در رو به قبله بودن، ناحیه‌ی قدامی و پیشین بدن است؛ خواه در نماز باشد یا در دفن یا در هر مورد دیگری؛ هرچند صورت به سمت دیگری باشد. هم‌چنین است در سجده و مهر بر پیشانی که گذشته از آن که ممکن نیست، لازم هم نمی‌باشد؛ زیرا فردی که دو دست بر زمین می‌نهد، چگونه مهر بر پیشانی که در واقع پشت سر است قرار دهد! مگر آن‌که در این عمل به دیگری متوسل شود، که تمامی این امور غیر لازم و بدون مورد است و نباید به آن دامن زد؛ چون از موارد عسر و حرج، بلکه ریشخند می‌باشد و آن مقدار از سر، که مقابل زمین قرار می‌گیرد، در امر سجده کفایت می‌کند.

□ □ □ □

□ شتاب نداشتن در دفن فرد سکنه کرده و مانند آن

س ۴۲۹۲ - در کتاب طهارت فرموده‌اند که باید کسی که به او صاعقه زده شده یا غرق شده یا سکنه کرده را سه روز دفن نکنند و صبر نمایند تا یقین به مرگ آنان حاصل شود، اما در این زمان وی را بی‌درنگ و با معاینه‌ی دکتر دفن می‌کنند، آیا معاینه‌ی دکتر کفایت می‌کند؟

«گلبایگانی»: اگر از قول دکتر یقین به موت حاصل شود، دفن جایز است والا جایز نیست تا یقین حاصل شود.

* * *

«نکونام»: دکتر، به کمک تخصص و ابزاری که در اختیار دارد؛ هرچند می‌تواند بگوید قلب این فرد از کار افتاده است یا نه، ولی نمی‌تواند به مردن وی حکم کند؛ از این رو لازم است در دفن چنین افرادی شتاب نشود. اگر این طور گفته شود که ایستادن قلب فردی با مردن او برابر است، باید گفت هرچند علم پزشکی با توانمندی، ابزار و وسایل کنونی، این امر را تأیید می‌کند، ولی ممکن است در آینده‌ی دور یا نزدیک، این برداشت مورد خدشه قرار گیرد؛ همان‌طور که ما به طور جدی احتمال آن را می‌دهیم که در آینده، علم طب و ابزار طبی از چنان موقعیتی برخوردار گردد که ثابت کند دسته‌ای از کسانی که قلبشان از کار می‌ایستد، نمرده‌اند و در جهت مداوا و سالم سازی آن‌ها بکوشد؛ پس ایستادن قلب فردی مساوی با مردن او نیست و طبیب تنها می‌تواند به ایستادن قلب حکم کند و حکم به مردن فرد، به اطمینان عرفی نیاز دارد و نباید در امر تدفین، در موارد ویژه شتاب نمود.



س ۴۲۹۳ - در کشورهای غربی مرده را در تابوت می‌گذارند و دفن می‌کنند، آیا چنین کاری مخالف با احکام اسلام نیست؟

ج - پس از غسل و کفن و نماز، اگر او را در جعبه بگذارند؛ به نحوی که رو به قبله باشد، به شکلی که میت را در قبر می‌گذارند، و دفن کنند مانعی ندارد.



□ گذاردن مرده در سرداب به جای دفن

س ۴۲۹۴ - در محل ما سردابی است که اطفال مرده را در میان آن روی هم یا کنار هم می‌گذارند و درب ورودی آن را با سنگ و خاک و گل می‌پوشانند و بعد از

مدت کوتاهی دوباره در سرداب را باز کرده و طفل مرده‌ی دیگری را در آن می‌گذارند. آیا چنین چیزی جایز است یا نه، و بر فرض جایز نبودن، آیا واجب است مرده‌های موجود آن را دفن شرعی نمایند؟

«گلبایگانی»: با صدق دفن و موارات فی الارض، جواز بعید نیست، لکن احتیاط آن است که قبر بکنند و آن‌ها را دفن نمایند و این احتیاط ترک نشود.

* * *

«نکونام»: این نوع پوشش سردابی با دفن شرعی منافاتی ندارد و «موارات فی الارض» صدق می‌کند و لازم نیست نسبت به مردگان سابق اقدامی اعمال شود.

□ □ □ □

س ۴۲۹۵ - در قبرستانی کهنه، قبری برای دفن میت حفر کرده‌اند و استخوان مرده‌ای یافته‌اند که معلوم است چندین سال قبل دفن شده، آیا می‌توانند میت را در آن دفن کنند یا نه؟

ج - در فرض سؤال، در صورتی که بدانند محل قبر است و شک کنند استخوان آن پوسیده است یا نه، کندن آن جایز نیست، لکن جایی را که کنده‌اند دفن میت در آن جایز و استخوانی را که در آورده‌اند، دو بار دفن کنند.

□ □ □ □

□ نبش قبر

س ۴۲۹۶ - میتی را دفن کرده‌اند و بعد از دفن متوجه شده‌اند که وی را حنوط نکرده‌اند، آیا نبش قبر وی لازم است یا خیر؟

«گلبایگانی»: در صورتی که بدن در قبر بو نگرفته و منفسخ نشده، واجب

است نبش قبر، و در همان قبر حنوط شود، و اخراج او از قبر لازم نیست.

* * *

«نکونام»: در صورتی که مقدار زمانی از آن گذشته باشد لازم نیست جهت حنوط نبش قبر شود.

□ □ □ □

س ۴۲۹۷ - در غسل میت که ترتیب لازم است، اگر به اشتباه غسل با آب کافور را بر آب سدر پیشی دارند، آیا لازم است نبش قبر شود یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، تا زمانی که نبش قبر موجب هتک میت نباشد، از جهت رایحه کریهه و یا متفرق شدن اجزای بدن میت، نبش قبر برای رعایت ترتیب اغسال سه گانه واجب است.

* * *

«نکونام»: اگر مدتی از آن گذشته باشد، حتی اندک نبش قبر و رعایت ترتیب لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۲۹۸ - قبرستانی است متروک که شهرداری آن را خاک برداری می نماید و در نتیجه اثر قبور از بین می رود و احتمال دارد به لحد نیز برسد، در این صورت آیا جایز است اموات را از آن محل بیرون آورده و در جای دیگر دفن نمایند؛ یعنی آیا نبش قبر را در این صورت جایز می دانید یا نه؟

«گلپایگانی»: نبش قبر جایز نیست، اگر معصیت کردند و نبش شد، واجب است میت را در محل دیگر دفن کنند، و اگر در شرف نبش و هتک واقع شد، جایز است قبلا نبش کنند و در محل دیگر دفن بنمایند و به احتمال

هتک، نبش جایز نیست، باید در شرف هتک باشد تا حمل به مکان دیگر لازم شود.

* * *

«نکونام»: اگر خروج مکان از وضعیت موجود ضرورت دارد، موارد احتمالی نبش را در مکانی دیگر قرار دهند اشکال ندارد.

□ □ □ □

□ نبش قبر بدون وصیت میت

س ۴۲۹۹ - نبش قبر کسی که خود وصیت نکرده و فرزندان وی او را به گونه‌ی امانت به خاک سپرده‌اند چیست؟
«گلپایگانی»: نبش قبر جهت حمل به مشاهد مشرفه جایز است؛ هرچند وصیت نکرده باشد.

* * *

«نکونام»: به خاک سپردن امانی به قصد نبش بعدی قبر و حمل جنازه به مشاهد مشرفه، چندان صورت خوشایندی ندارد و شایسته نیست و نباید به آن دامن زد؛ اگرچه بعد از تحقق آن، امری جایز می‌باشد.

□ □ □ □

س ۴۳۰۰ - اگر مرده‌ای در زمین غصبی دفن شود و صاحب آن راضی نباشد، چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که در زمین غصبی دفن شده، واجب است نبش قبر کرده و او را از آن مکان بیرون بیاورند و در مکان مباح دفن کنند؛ گرچه اولی، بلکه احوط این است که وسایل رضایت مالک را؛ هرچند با پرداخت عوض باشد، فراهم سازند.

* * *

«نکونام»: هر طور ممکن است و سایل رضایت مالک را فراهم سازند تا نبش قبر نشود و اگر مالک بهانه جویی کند گناه کار است و در صورت معقول بودن عذر مالک؛ چنانچه زمان دفن اندک باشد، نبش قبر شود.

□ □ □ □

س ۴۳۰۱ - در خواب مرده‌ای را دیدم که می‌گفت من نمرده‌ام، قبر مرا بشکافید و مرا بیرون بیاورید، آیا خواب حجت است یا نه؟
ج - خواب شرعا حجت نیست و مجوز نبش قبر نمی‌شود و نبش قبر حرام است.

□ □ □ □

□ اثبات حق و نبش قبر

س ۴۳۰۲ - در صورتی که اثبات حقی نبش قبر را لازم داشته باشد آیا نبش آن جایز است؟

«گلپایگانی»: بلی، از مواردی که نبش قبر جایز است موردی است که اثبات حقی موقوف به رؤیت جسد میت باشد.

* * *

«نکونام»: در صورتی که اثبات حق، مورد اهمیت یا اهتمام باشد جایز است.

□ □ □ □

□ دفن اضطراری میت در مسجد

س ۴۳۰۳ - دوازده سال پیش در ایام زمستان شخصی فوت نموده و به علت برف شدید نتوانستند او را به قبرستان عمومی ببرند و ناآگاهانه وی را در مسجد به خاک سپردند، آیا باید وی را نبش قبر نمود و در قبرستان عمومی دفن گردد یا خیر؟

«گلپایگانی»: در صورت مفروضه اگرچه عمل حرامی انجام شده ولی جواز

نبش قبر بعد از گذشت دوازده سال معلوم نیست، اما آثار ظاهری قبر باید از بین برود.

* * *

«نکونام»: در مورد مذکور، نبش قبر جایز نیست؛ اگرچه لازم است آثار ظاهری که نمود قبر بودن آن است از بین برود.

□ □ □ □

س ۴۳۰۴ - شخصی پدرش دارای دو ملک بیلاقی و قشلاقی بوده و وی در ملک قشلاقی به خاک سپرده شده، اکنون ملک قشلاق به فروش رفته و در اختیار دشمن است، آیا پسر وی می‌تواند جنازه‌ی او را که چهارده سال پیش فوت نموده به بیلاق که در حال حاضر مالک و ساکن آن است انتقال دهد؟

ج - در فرض سؤال، نبش قبر جایز نیست. بلی، اگر در آن‌جا در معرض هتک باشد؛ به این که دشمن او را از قبر خارج نموده و توهین نماید، نقل جسد او به جای محفوظ از شر دشمن مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۴۳۰۵ - یکی از شهیدان بزرگوار جنگ تحمیلی که در اصفهان به خاک سپرده شده، وصیت‌نامه‌اش پس از گذشت یک سال به دست آمده که در آن وصیت کرده است وی را در آبادان دفن نمایند، در این صورت، آیا نبش قبر و انتقال شهید جایز می‌باشد؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال که ابتدا به وصیت عمل نشده، انتقال به غیر مشاهد مشرفه مثل قم و مشهد، جایز نیست.

* * *

«نکونام»: پس از دفن، عمل به این وصیت جایز نیست؛ اگرچه وصیت به دفن در مشاهد مشرفه باشد.

□ □ □ □

س ۴۳۰۶ - ما جنازه‌ی مرحوم پدر خود را طبق مقررات مربوط سازمان بهشت زهرا در مقبره‌ی مورد نظر آن دفن نموده و وجوه مقرر را پرداخته و برگ رسید را با ذکر مشخصات قبر دریافت داشته‌ایم و بعد از مدت هفت سال از طرف بهشت زهرا ابلاغ شده که اشتباهی رخ داده و قبر مربوطه به سازمان بهشت زهرا مقبره‌ی دیگری می‌باشد و سازمان مربوطه به هیچ وجه راضی نمی‌شود که تنها پول آن قبر را دریافت نماید و اخطار نموده که چنانچه وراثت به آن سازمان مراجعه نمایند، نبش قبر نموده و جنازه را به مقبره‌ی دیگری منتقل می‌نمایند. در حال حاضر تکلیف بازماندگان چیست، با توجه به این که اشتباه از طرف متصدیان بهشت زهرا رخ داده است؟

«گلیایگانی»: در فرض سؤال، اگر مقبره‌ی مذکوره ملک شخص معین باشد و یا نسبت به مقبره ذی حق بوده باشد و راضی نشود به بقای میت در آن، لازم است ورثه نبش قبر نمایند و میت را در محل مباحی دفن کنند، و اگر مقبره ملک شخص معین نبوده و ذی حق هم نباشد و فقط مجاز در دفن میت در مقبره باشد، نبش قبر جایز نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

* * *

«نکونام»: در فرض موجود، انجام عمل با رضایت ورثه به عهده‌ی بهشت زهرا می‌باشد.

□ □ □ □

□ دفن میت به روی دست چپ

س ۴۳۰۷ - اگر میت را به طوری دفن کنند که رو به قبله باشد ولی به جای این که میت را به طرف راست بخوابانند، آن را روی دست چپ دفن کرده‌اند، آیا باید

نیش قبر شود یا خیر؟

«گلیپگانی»: در صورتی که تازه دفن شده باشد و معرض هتک حرمت نباشد، بعید نیست برای تحصیل کیفیت استقبال، نیش قبر واجب باشد، و چنانچه تغییر کرده و در معرض هتک است، نیش جایز نیست.

* * *

«نکونام»: نسبت به تحصیل کیفیت صحیح استقبال، بعد از دفن، نیش قبر لازم نیست؛ زیرا زمان تحصیل آن گذشته است.

□ □ □ □

س ۴۳۰۸ - پدرم وصیت نموده که بدن مرا در امامزاده‌ای به امانت بسپارید و چنانچه ظرف مدت ده سال، راه به سرزمین کربلای معلای باز گردید، جسد مرا برای دفن به کربلا ببرید وگرنه بعد از ده سال در قبرستان قم به خاک بسپارید. حال که بیش از پنج سال و چند ماه از فوت نامبرده نگذشته، عده‌ای تصمیم به بازسازی امامزاده نموده‌اند و محل امانت سپاری مرحوم پدرم در مکانی از امامزاده قرار دارد که هیچ احتیاجی به مرمت و یا تخریب ندارد و با این وجود می‌خواهند آن را خراب کنند، مستدعی است وظیفه‌ی این جانب را بیان فرمایید؟

«گلیپگانی»: در فرض سؤال، حتی الامکان باید طبق وصیت عمل شود و چنانچه محل سپردن امانت را بخواهند خراب کنند و با خراب کردن آن به میتی که امانت سپرده شده توهین شود، جایز است در جای دیگر که محفوظ باشد سپرده شود تا در وقت معین طبق وصیت عمل شود.

* * *

«نکونام»: چنین وصیت‌هایی شایسته نیست و اگر انجام آن عوارض دارد، باید ترک شود؛ به‌ویژه که زمان آن طولانی باشد.

□ □ □ □

س ۴۳۰۹ - فرزندم به همراه جوانی در اثر تصادف ماشین درگذشت و جنازه‌ی هر دو را برای کفن و دفن به قبرستان محل زادگاهشان حمل نمودند. مادر آن جوان در همان روز به خرید یک باب آرامگاه خصوصی اقدام و با اصرار و واسطه نمودن چند نفر، اجازه‌ی دفن پسر در آرامگاه مذکور را کسب نمود تا این که این جانب یک روز جهت زیارت اهل قبور به آرامگاه وارد شده و مشاهده نمودم جنازه‌ی تازه‌ای در آن جا دفن نموده‌اند، از نام وی تحقیق نمودم و معلوم شد که وی از مبلغان فرقه‌ی ضاله‌ی بهایی است، دیگر برایم شک و تردیدی باقی نماند که مادر آن جوان نیز بهایی می‌باشد، اکنون تکلیف چیست؟ در ضمن متذکر می‌شوم که آرامگاه مذکور در قبرستان مسلمین می‌باشد.

«گلبایگانی»: اگر میت مسلمان در قبرستان یا مقبره‌ی کفار دفن شود، واجب است او را اخراج و در مقبره یا قبرستان مسلمین دفن نمایند.

* * *

«نکونام»: اگر قبرستان مسلمانان است و مقبره نیز چنین ظاهری دارد، نبش قبر جایز نیست؛ اگرچه مالک آن غیر مسلمان باشد.

□ □ □ □

س ۴۳۱۰ - اگر کسی غسل میت را به عمد یا به سهو یا از روی جهل اشتباه بجا آورد و برای نمونه غسل با کافور را پیش از سدر و یا یکی از دو غسل را بعد از آب خالص بجا آورد، آیا می‌تواند بعد از دفن میت نبش قبر نماید و غسل را صحیح انجام دهد یا نه؟

«گلبایگانی»: در مفروض سؤال، اگر نمی‌دانند میت تغییر کرده یا نه، باید او را از قبر خارج نموده و به‌طور صحیح غسل داده و حنوط و کفن نموده و

نماز بخوانند و دفنش نمایند، و در صورت نبش قبر، اگر میت متعفن شده باشد، غسل ساقط می شود.

* * *

«نکونام»: اگر زمانی از دفن گذشته باشد، نبش قبر جایز نیست و تکلیف ساقط است.

□ □ □ □

س ۴۳۱۱ - حسینیه‌ای جهت سوگواری حضرت سید الشهداء علیه السلام از خشت و گل ساخته شده و مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته و پنج نفر از واقفان آن سال‌هاست که به صورت امانت در آن دفن شده‌اند و حسینیه به مرور زمان بر روی آن‌ها خراب شده و به مخروبه‌ای تبدیل گردیده، اکنون می‌خواهند آن را تجدید بنا کنند، در مورد نبش قبوری که اجساد در آن‌ها به طور امانت گذارده شده، چه باید کرد؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر امواتی که در حسینیه به عنوان امانت دفن شده‌اند به طور شرعی که سایر اموات را دفن می‌نمایند دفن نشده باشند و طبق متعارف بعضی جاها باشد که آن‌ها را به صورت میت در حال نماز بر او دفن می‌نمایند یا به همان صورت که میت در روی زمین گذاشته می‌شود می‌گذارند و روی او را با بنا می‌پوشانند، باید اگر باقی باشند، آن‌ها را از این صورت خارج نموده و به طور شرعی دفن نمایند و بنابراین، تجدید ساختمان حسینیه با نقل جنازه‌ها یا استخوان‌های باقی مانده به محل دیگر اشکال ندارد، و اگر به طور شرعی در زمین دفن شده باشند، حسینیه را به صورتی تجدید بنا کنند که نبش قبر نشود.

* * *

«نکونام»: اگر تجدید بنا منجر بر نبش قبر شود و به طور محترمانه موجودی
مردگان را در جای دیگر دفن نمایند و امانت گذاری دوباره لازم نیست.



احکام قبرستان

س ۴۳۱۲- بعضی برای مردگان خود در قبرستان عمومی که وقف عام است نرده‌ی آهن می‌گذارند و یا آن را با بتون چنان محکم می‌کنند که برای سال‌ها باقی بماند و مانع از دفن دیگران می‌شوند و بعضی دیگر قبرستان عمومی را تصرف کرده و در آن مسجد یا ساختمان دیگری می‌سازند، آیا ساخت چنین بناهایی و نماز خواندن در آن جایز است؟

«گلبایگانی»: این گونه تصرفات که مانع از دفن بشود با احتیاج مردم جایز نیست و مسجد ساختن نیز برخلاف وقف قبرستان است و جایز نیست. لکن نماز در آن صحیح است و اولی و احوط اعاده‌ی آن است و آن که ساخته معصیت کرده.

* * *

«نکونام»: این گونه تصرفات استکباری جایز نیست و انجام دهندگان آن گناه کارند ولی نماز خواندن در چنین مسجدی اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۳۱۳- یک قطعه قبرستان موقوفه واقع در روستا، محل دفن مردگان می‌باشد و فعلاً مدتی است چند نفر از ساکنان این روستا جهت استفاده‌ی شخصی، وسایط

سنگین حمل و نقل و تراکتور خود را از این قبرستان عبور می‌دهند و تاکنون قبرهای زیادی را تخریب و نابود نموده‌اند، با توجه به این امر، آنان دارای خیابان اصلی دیگری می‌باشند که می‌توانند از آن استفاده نمایند ولی مسافت آن بیش‌تر است، آیا از نظر شرع مقدس اسلام جایز است چند نفر بخاطر نزدیکی راه وسایط سنگین حمل و نقل را از قبرستان عبور دهند و سبب انهدام قبور مسلمین شوند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال که عبور وسایل سنگین موجب خرابی قبور باشد، توهین به مسلمین است و جایز نیست و خوب است در اطراف قبرستان برای جلوگیری از توهین مانعی ایجاد کنند که چنین وسایلی نتوانند از آن‌جا عبور کنند.



س ۴۳۱۴ - صاحب قبری که زمین آن را خریده است تا چه مدت صاحب آن به شمار می‌رود و اگر مالک آن نباشد چطور؟

ج - در صورت مباح بودن محل برای دفن اموات، تا یقین به پوسیدگی استخوان مانند خاکستر پیدا نشود، نبش قبر حرام است و در قبرستان و مشاهده مشرفه کسی مالک قبر نمی‌شود، ولی اگر ملک را کسی بخرد، تا آخر به ملکیت او و ورثه‌اش باقی است.



س ۴۳۱۵ - در قبرستان مؤمنان و مسلمین، دفن کردن حیوانات جایز است یا نه؟ و اگر حیوانی مانند اسب در آن دفن شده باشد، آیا بیرون آوردن آن واجب است یا نه؟
ج - بیرون آوردن واجب نیست و مؤمنان احترام قبرستان مسلمین را محفوظ دارند و چنانچه دفن حیوان موجب هتک و توهین باشد، حرام است.



س ۴۳۱۶ - قبرستانی مانند باغ رضوان مشهد مقدس که از بین رفته، آیا فروش اشیای موقوفه‌ی مقابر آن؛ مانند قالیچه و چراغ، جایز است یا خیر، و در صورت جایز نبودن، آیا اجازه می‌فرمایید در مساجد و یا مقابر دیگر یا مکان‌های دیگری مورد استفاده قرار بگیرد یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر بدن آن اموات را با نبش قبر در محل دیگری دفن کرده‌اند، این اشیا روی قبر جدید گذاشته شود و الا اگر صاحبان آن‌ها معلوم باشند با اذن خود آن‌ها، و اگر معلوم نباشند با اذن حاکم شرعی و یا مأذون از قبل او در اماکن عبادت از قبیل مساجد و مشاهد مشرفه و مقابر علما و صالحین گذاشته شود.

* * *

«نکونام»: اگر آن اشیا مناسب جای دیگری باشد، برای مردگان پیشین یا دیگران قرار داده شود و در صورتی که مناسب آنان نیست، متصدیان قبرستان؛ چنانچه افراد صالحی هستند، آن را به فروش برسانند و مصرف همان مردگان کنند.

□ □ □ □

س ۴۳۱۷ - شخصی وصیت کرده که بر قبر وی اتاقی بسازند. حال، اگر زمین قبرستان وقف باشد، آیا ساخت چنین بنایی جایز است یا نه و اگر وقف نباشد و زمین به قبرستان مختص باشد چه صورت دارد؟

«گلبایگانی»: اگر بنای دیوار آن مانع از دفن غیر نباشد، مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: اگر حالت استکباری یا نماد شخصی برای فرد داشته باشد، جایز نیست؛ اگرچه بنای دیوار مانع از دفن غیر نباشد. البته، اگر فرد از دنیا رفته عالم و یا صفتی داشته باشد که نماد معنوی دارد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۳۱۸ - قبرهایی اطراف ساختمان قبور امامزادگان است و سنگ‌هایی روی آن قبرهاست که نام مرده بر آن حک نشده است، اکنون برای صاف کردن حیاط امامزادگان و محفوظ ماندن ساختمان آن از ورود جانوران، آیا اجازه می‌فرمایید آن سنگ‌ها را بردارند و به مصرف دیوار ساختمان امامزادگان برسانند یا نه؟

ج - جایز نیست که در سنگ‌های قبور مؤمنان بدون اجازه‌ی صاحبان آن تصرف کنند و این جانب نمی‌توانم اجازه بدهم.



س ۴۳۱۹ - شخصی مقداری از خاک قبرستان را بدون اطلاع از این که خاک قبرستان است در بنایی به کار برده، حال آیا باید قیمت آن را بپردازد؟ اگر پرداخت قیمت آن لازم است، آن را در چه چیزی هزینه کند؟

«گلیپگانی»: ضمان او معلوم نیست. ولکن احتیاطاً معادل قیمت آن در همان قبرستان، و اگر نشد، در قبرستان دیگر چیزی مثل خشت و آجر در اختیار مردم بگذارد که در دفن اموات از آن استفاده نمایند.



«نکونام»: به مقداری که آورده ضامن است و چون مجهول المالک است وجه آن را باید به مجتهد عادل بدهد یا با اجازه‌ی وی به مصرفی برساند.



□ مس میت بعد از تیمم دادن آن

س ۴۳۲۰ - اگر میتی را به جای غسل، تیمم دهند، آیا بعد از تیمم، تماس با وی غسل مس میت را موجب می‌شود یا نه؟

«گلیپگانی»: احوط، غسل مس میت است؛ هرچند عدم وجوب آن بعید نیست.



«نکونام»: بعد از تحقّق تیمم به حکم شرعی، مس کننده‌ی آن نیازی به غسل مس میت ندارد و تیمم در حکم غسل است.

□ □ □ □

س ۴۳۲۱ - کسانی که قبر بت پرستان را نبش می‌کنند و استخوان پوسیده‌ی آنان را مس می‌نمایند، آیا غسل مس میت بر آنان واجب می‌شود یا نه؟
«گلپایگانی»: چون آن‌ها را بدون غسل دفن نموده‌اند، مس استخوان آن‌ها بنا بر احتیاط لازم موجب غسل مس میت است.

* * *

«نکونام»: غسل مس میت دارد.

□ □ □ □

س ۴۳۲۲ - زنی جنین خود را مرده به دنیا آورده و چون نمی‌دانسته که باید غسل مس میت نماید، مدت‌ها غسل ننموده، اما در این مدت، غسل جنابت کرده، آیا عهده‌ی او از غسل مس میت بری می‌شود یا نه؟
ج - غسل جنابت از غسل مس میت کفایت می‌کند؛ هرچند نداند غسل مس میت در ذمه دارد.

□ □ □ □

س ۴۳۲۳ - شخصی غسل مس میت بر عهده داشت و آن را فراموش کرد و مدتی با همان حال نماز خوانده و سپس آن را به یاد آورد، در خلال آن غسل جنابت نیز کرده، حال نمازهایی را که پیش از غسل جنابت و بعد از آن بجا آورده چه حکمی دارد؟

ج - در فرض مسأله، قضای نمازهایی که قبل از غسل جنابت خوانده واجب است و بعد از غسل جنابت، غسل مس میت ساقط می‌شود؛ هرچند در نظر نداشته است.

□ □ □ □

□ حکمت غسل مس میت

س ۴۳۲۴ - گاه دوستانم اشکال می‌کنند و می‌گویند اگر انسان دست به مرده‌ی سگ که حیوان نجس العین است بزند غسل لازم نیست و فقط باید دست خود را بشوید، ولی انسان که اشرف مخلوقات است وقتی از دنیا رفت و سرد شد و کسی دست به بدن او زد، اضافه بر شستن دست باید غسل کند. علت چیست، مگر مرده‌ی انسان از سگ نجس‌تر است؛ در صورتی که بر تمام موجودات برتری دارد، این مطلب را برایم روشن فرمایید؟

«گلپایگانی»: راجع به مسأله‌ی غسل مس میت، اولاً، آن‌چه بر ما واجب است عمل به تکالیف شرعیه است و دانستن فلسفه‌ی تمام احکام برای ما متعذر است. اجمالاً با ملاحظه‌ی حکمت‌ها و فلسفه‌های معلومه بسیاری از احکام می‌فهمیم که تعالیم این دین بر اساس حفظ و تأمین مصالح یا دفع مفسد است.

و ثانیاً، ممکن است درباره‌ی حکمت آن این چنین گفت که چون مردم طبعاً از مرده‌ی حیوانات متنفرند کسی آن را مس نمی‌کند ولی مرده‌ی انسان در معرض تماس زندگان؛ خصوص خویشان و دوستانش قرار دارد، لذا این گونه مقرر شده است. حکمت‌های دیگری نیز هست که به همین اکتفا شد.

* * *

«نکونام»: اگر حکمت غسل مس میت تماس بسیاری افراد با وی باشد، غسل امری صوری برای عدم تماس است و باید گفت اگر روزی نیز با سگ تماس بسیاری انجام گیرد، مس مرده‌ی آن در ملاک تشریح حکم غسل را می‌آورد یا اگر روزی مرده‌ی آدمی در ظرف ندرت، مورد تماس دیگران قرار نگیرد، ملاک غسل را از دست می‌دهد؛ در حالی که این چنین نیست. آن‌چه در این زمینه باید گفت این است که سگ با آن که نجس العین

است؛ اما ترکیب مادی و تخلیط وجودی آن محدود است، ولی آدمی از ترکیب‌ها و تخلیط‌های فراوان وجودی برخوردار است و ممکن است در تماس با مرده‌ی آن مفسده و ضرری باشد که در حیوان نیست؛ گذشته از آن که عمل غسل تنها به خاطر نجاست جسمانی نیست و گرنه در غیر این صورت لازم بود در ادرار، مدفوع و منی هم حکم غسل تشریح شود. پس ممکن است تنها تماس فردی به فرد هم‌جنس خود عارضه‌ای جسمی - روحی در بر داشته باشد که غسل را ایجاب کند؛ در حالی که در حیوان چنین نیست.

بدن مرده‌ی مسلمان نجس نیست و غسل‌های سه‌گانه برای برداشتن نجاست نیست و دست زدن به مرده‌ی مسلمان فقط غسل را سبب می‌شود و نه شستن آن را و شستن دست هنگام لمس سگ در صورتی است که سگ خیس باشد، و گرنه شستن ندارد.



س ۴۳۲۵ - فلسفه‌ی غسل مس میت چیست؟ خواهشمند است آن را اجمالاً مرقوم فرمایید.

«گلپایگانی»: دانستن حکمت و فلسفه‌ی احکام واجب نیست و برای نوع مردم که مشغول کارهای عادی خود هستند فراهم نمی‌شود باید مانند بیماری بود که به طبیب مراجعه می‌نماید و از فواید دوا و ترکیبات آن و علت مقدار تجویز شده نمی‌پرسد و دانستنش هم برای بیمار عادی میسر نیست. وظیفه‌ی مریض، مراجعه به طبیب است؛ چنانچه در بعضی از روایات هم وارد شده که شما مانند بیمارید و رب العالمین مانند طبیب است، مع ذلک چون میته و مرده‌ی انسان در معرض تماس اقارب و خویشان است و آنان در معرض آلوده شدن به میکرب می‌باشند، از این

جهت، غسل واجب است و حکمت‌های دیگری نیز دارد که برای بیان آن احتیاج به مجال بیش‌تری است.

* * *

«نکونام»: کشف علت وضع احکام شرعی در اختیار ما نیست و وضع آن نیز در شارع است. فهم حکمت احکام که مصالح و مفاسد آن است تا حدودی در دسترس انسان است و همه می‌توانند به‌نوعی از آن بهره‌مند گردند و حکمت غسل‌های سه‌گانه‌ی مردگان زمینه‌های بهداشتی دارد تا اضافه بر حرمت مردگان اقارب چندان با آن‌ها در همان مدت قبل از دفن دست‌یازی نداشته باشند تا موجبات سلامت جامعه و افراد فراهم گردد.

□ □ □ □

□ لمس استخوان مردگان و غسل مس میت

س ۴۳۲۶ - بنده چون دانشجوی دانشکده‌ی پزشکی هستم، ناچار به مطالعه‌ی علمی استخوان‌های مردگان می‌باشم و ناچارم که همیشه استخوان‌های مرده‌ای که غسل نداده‌اند و فقط ضد عفونی شده مس‌نمایم و نمی‌توانم همیشه غسل کنم. اکنون بنده را راهنمایی فرمایید و در رساله‌ی عملیه تعبیر به احتیاط واجب فرموده‌اید، آیا می‌شود این مسأله را از دیگری تقلید کرد یا نه؟

«گلپایگانی»: در مس استخوان جدا شده از میت، غسل بنا بر احوط لازم است و در مورد احتیاط، رجوع به فتوای مجتهد دیگر مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: امر مطالعه و تحقیق درباره‌ی استخوان‌ها را می‌توان بدون دست زدن به آن پی‌گیری نمود و در همه‌ی موارد از دستکش استفاده کرد و باید دانست که ضد عفونی شدن، از همه‌ی عوارض مس ایجاد مصوئیت نمی‌کند؛ به‌ویژه در مورد عوارض روحی و نفسی که به جهت جلوگیری از ضررهای احتمالی لازم است چنین فردی بیشتر در جهت غسل اهتمام

ورزد؛ به خصوص که باید نمازهای روزانه‌ی خود را نیز دیر وقت بجا آورد و دست‌کم هر روز در آخر کار به جهت مس میت غسل نماید و برای این‌گونه افراد در چنین مراکزی غسل روزانه مشکل نیست و ترک آن به‌دور از شوون بهداشت و اخلاق اسلامی است. می‌شود در مراکز دانشجویی به‌سادگی زمینه‌ی غسل را جهت بهداشت عمومی فراهم سازند تا پس از فراغت از کار، غسل واجب خود را انجام دهند.



س ۴۳۲۷ - اگر شخصی بمیرد و بعد از مردنش او را بسوزانند، چنانچه استخوانی سوخته از او مانده باشد و به آن دست زده شود، آیا غسل دارد یا خیر؟
«گلیپگانی»: اگر میت را غسل داده باشند، مس آن استخوان غسل ندارد و اگر غسل نداده باشند و بر آن چه مانده استخوان صدق کند که ذغال نشده باشد، بنا بر احتیاط واجب غسل لازم است.



«نکونام»: اگر میت غسل داده شده باشد، مس استخوان وی غسل ندارد وگرنه چنانچه به صورت استخوان باشد، مس آن غسل دارد.



س ۴۳۲۸ - مرده‌ای را به جهت عذر شرعی غسل ناقص داده‌اند و برای نمونه، به سبب نبود سدر و کافور وی را تیمم داده‌اند، حال آیا مس وی موجب غسل می‌شود یا خیر؟

«گلیپگانی»: بعد از تمام شدن سه غسل با آب خالص در صورت فقد خلیطین یا تیمم بدل از اغسال ثلاثه، مس بدن آن‌ها غسل ندارد.



«نکونام»: بعد از سه غسل یا تیمم مس بدن میت غسل ندارد.



□ افراد رجم شده

س ۴۳۲۹ - زن یا مردی که به رجم محکوم شده‌اند، باید غسل و تکفین و تحنيط خود را پيش از رجم انجام دهند، آیا آنان نیز سه غسل دارند و باید هم با آب خالص و هم با آب مخلوط به سدر و هم با آب مخلوط به کافور خود را غسل دهند یا یک غسل با آب خالص کافی است؟

«گلبایگانی»: باید هر سه غسل انجام شود، لکن در مورد غسل با آب سدر و آب کافور بنا بر احتیاط واجب است.

* * *

«نکونام»: در جهت غسل میت تفاوتی میان مردگان نیست؛ خواه وی رجم شود یا به صورت طبیعی بمیرد.

□ □ □ □

س ۴۳۳۰ - آیا غسل و تجهیز محکوم به رجم بر عهده‌ی خود اوست یا وظیفه‌ی دیگران است که باید او را تجهیز نمایند؟
ج - بعد از امر حاکم شرع جامع الشرايط، انجام آنها به عهده‌ی خود مرجوم است.

□ □ □ □

□ نیت غسل و تکفین محکوم به رجم

س ۴۳۳۱ - محکوم به رجم، چگونه باید در تجهیز خود نیت کند؟
«گلبایگانی»: باید خود مأمور؛ یعنی کسی که محکوم به رجم است، نیت کند و احتیاط آن است که آمر هم نیت کند.

* * *

«نکونام»: در مورد تجهیز محکوم به رجم، نیت حاکم شرع - حکم کننده‌ی به رجم - لازم نیست؛ بلکه نیت خود محکوم به رجم لازم است.

□ □ □ □

س ۴۳۳۲ - آیا نماز را می‌توان قبل از رجم بر مرجوم خواند یا خیر؟
ج - نماز را باید پس از موت خواند.

□ □ □ □

س ۴۳۳۳ - هرگاه محکوم به رجم اعمال غسل، کفن و حنوط خود را انجام داد، اما پیش از مراسم رجم به علتی مانند سکتة یا تصادف درگذشت، آیا باید مانند دیگر مردگان او را غسل دهند و کفن و حنوط کنند یا این امور ساقط است؟
ج - در مورد سؤال، امور مذکوره ساقط نیست و باید همه‌ی آنها انجام شود؛ مانند سایر اموات و آنچه قبلاً انجام شده مجزی نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۳۴ - آیا تطهیر کفن محکوم به رجم که به صورت قهری به خون آلوده می‌شود لازم است یا خیر؟
ج - لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۳۵ - اگر مرجوم یا مرجومه همه مراسم یعنی غسل و کفن و حنوط را انجام دهد و قبل از رجم محدث شود آیا باید امور مذکوره تجدید شود یا لازم نیست؟
ج - در مورد سؤال، اعاده لازم نیست.

□ □ □ □

□ چراغانی حجله در جلوی منزل از دنیا رفته

س ۴۳۳۶ - در جلو خانه و یا در منازل بعضی اشخاص که فوت نموده‌اند چند حجله چراغانی می‌کنند و چراغ‌های برق که تعداد آنها تقریباً به دویست لامپ می‌رسد در آن روشن می‌سازند و گاهی تا هفت شبانه‌روز روشن است، آیا این عمل برای فرد مرده نفعی دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: آنچه شرعاً مستحب است این است که در محلی که میت در شب فوت شده چراغ روشن نمایند و حجله برای متوفی اثر اخروی ندارد

و اگر آن چه صرف آن می شود خیرات و صدقات برای میت بشود برای او نافع خواهد بود.

* * *

«نکونام»: چراغانی در جلو منزل میت در حد متعارف می تواند از شوون احترام به میت مسلمان باشد؛ ولی بیش از حد معمول، مانند موارد حمله با کیفیت یاد شده؛ گذشته از آن که نفع اخروی ندارد، می تواند مصداق اسراف و مورد مظالم عمومی و تضييع حق همگانی (حق الناس) باشد؛ هرچند پول برق مصرفی را پردازد.

□ □ □ □

□ پخش صدای قرآن و سکوت

س ۴۳۳۷ - سکوت در موقع تلاوت کلام الله مجید واجب است یا مستحب؟ در ضمن هتک قرآن کریم به هر عنوان حرام است و در این عصر مرسوم شده که در مجالس فاتحه که قاری پشت بلندگو قرآن می خواند، صدای آن به کوچه و خیابان می رسد و مردم در حال معامله و رفت و آمد و گفت و گو می باشند و در خود مجلس نیز مردم سرگرم خوردن چای و قهوه و صحبت می باشند و خواندن قرآن تنها جنبه ای اعلان دارد و می رساند که در آن جا مجلس ترحیم است و بهره ای دیگری منظور نمی گردد؛ حال آیا این نوع تلاوت آیات، هتک نیست؟

«گلبایگانی»: استماع قرآن مستحب است و توجه و اتعاظ به مواعظ الهی نیز از مستحبات مؤکده است و هتک بودن قرائت قرآن در فرض مرقوم، معلوم نیست، ولی هرچه رعایت ادب و حفظ توجه مردم و تعظیم از مجلس قرائت قرآن مجید شود سزاوار است.

* * *

«نکونام»: پسندیده بودن سکوت و انصات به هنگام گوش سپردن یا شنیدن تلاوت قرآن کریم مطلق است و به مجلس قرائت ویژگی ندارد؛ هرچند

عدم رعایت سکوت و انصاف در کوچه و خیابان هیچ گونه هتکی شمرده نمی‌شود و آنچه در این زمینه ناشایست و مکروه است، به مجلس قرائت محدود است.



س ۴۳۳۸ - آیا صحیح است که به دستور شاه اسماعیل صفوی قبر مبارک حر ریاحی را شکافته‌اند و جسد او تازه بوده و حتی پس از باز کردن دستمالی که به سر او بسته شده بود خون بیرون زده است؟ آیا این داستان حقیقت دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: این مطلب در بسیاری از کتب نقل شده، و امثال این مطالب درباره‌ی شهدا راه خدا بعدی ندارد.



«نکونام»: به استناد بیانی شرعی این امر روشن و تواتر عرفی بر آن است که این امر در طول تاریخ مورد رؤیت قرار گرفته است.



س ۴۳۳۹ - آیا ممکن است اشخاص با ایمان و با تقوا که مقرب درگاه خدا می‌باشند پس از مردن، جسدشان سالم بماند؟

«گلپایگانی»: این مطلب به‌طور تواتر گفته شده و در مورد بعضی از اولیا و بندگان خاص خدا مشهود و محسوس بسیاری بوده است، ولی کلیت ندارد که هر کس بدنش در قبر پوسیده شد از بندگان صالح و با ایمان نباشد.



«نکونام»: روح مؤمن به واسطه‌ی اقتداری که بر بدن خود دارد پس از مرگ نیز می‌تواند بدن خود را از تلاشی حفظ نماید. البته نسبت به همه کلیت ندارد.



س ۴۳۴۰ - گاهی بر منبر می‌گویند که در زمان سلطان عبدالحمید قبر حضرت رقیه علیها السلام را نبش کرده بدن مبارک حضرتش را سالم بیرون آورده و پس از تعمیر قبر که سه شبانه‌روز طول کشیده، دوباره بدن را دفن نمودند، آیا این مطالب حقیقت دارد یا نه؟

«گلیپگانی»: این گونه مطالب نقل شده و استحاله‌ی عقلی ندارد ولکن از اموری که اعتقاد به آن لازم باشد نیست.

* * *

«نکونام»: چنین امری ممکن و اعتقاد به آن لازم است.

□ □ □ □

س ۴۳۴۱ - برادر و خواهری در زمستان بر اثر ریزش برف و مه غلیظ راه را گم کرده و در بیابان بر اثر سرما خشک می‌شوند، اهالی محل بعد از مدتی جسد آنان را از زیر برف بیرون آوردند، ولی باید جسدشان تا مدتی بماند تا بشود لباس آنان را بیرون آورد و غسل‌های واجب را انجام داد، آیا در این مدت لزومی دارد کسی پیش این اجساد باشد یا خیر؟

«گلیپگانی»: در فرض سؤال، اجساد این دو نفر را باید از درنده حفظ کرد و چنانچه محل محفوظ از درنده باشد لازم نیست کسی نزد این دو جنازه بماند و هرگاه محفوظ نباشد، باید به محل محفوظی حمل نمایند یا کسی برای نگهبانی آنها در صورت امکان بماند.

* * *

«نکونام»: باید به نوعی نگه‌داری شوند تا آماده‌ی انجام تکالیف شرعی نسبت به آنها گردد و لازم نیست کسی نزد آنها باشد.

□ □ □ □

س ۴۳۴۲ - عده‌ای از مؤمنان مبلغی جهت خریدن تابوت داده‌اند ولی شخصی به تنهایی تابوت را خریده، اکنون آیا مبلغ جمع‌آوری شده را می‌شود به مصارف

دیگر و وسایل غسل‌خانه رسانید یا نه؟

«گلبایگانی»: از دهندگان وجوه اذن بگیرند.

* * *

«نکونام»: از کسانی که آن وجه را پرداخت کرده‌اند اذن بگیرند و اگر ممکن

نیست از مجتهد عادل اذن گرفته شود.

□ □ □ □

□ صوت و صدای نامحرم

س ۴۳۴۳ - در مجلس عزاکه مردان و زنان به صورت مختلط در یک حیاط تشکیل می‌شود زنی باسواد در آن مجلس، قرآن، روضه، مصیبت و نوحه می‌خواند

به طوری که مردان صدای او را می‌شنوند، آیا چنین چیزی جایز است؟

«گلبایگانی»: با این که خداوند متعال می‌فرماید «فاسألوهنَّ من وراء حجاب»،

خوب است که مجلس زنانه طوری باشد که کاملاً مراعات عفت شود.

* * *

«نکونام»: صرف گوش سپردن و شنیدن صوت و صدای زن از جانب مرد یا

رسانیدن صوت و صدای زن توسط خویش به مرد یا به مرد و زن، یا

رسانیدن صوت و صدای مرد توسط خود به زن یا زن و مرد، در صورتی

که با عوارض جانبی همراه نباشد و به صورت متعارف و معقول انجام

گیرد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۳۴۴ - کسی که به تکالیف شرعی عمل نمی‌کند ولی مسلمان است، اگر بر بالین

او قرآن خوانده شود آیا فقط برای خواننده ثواب دارد یا ثواب آن به مرده نیز

می‌رسد؟

«گلبایگانی»: قرائت قرآن و اهدا ثواب آن به میت مؤمن؛ اگرچه معصیت‌کار

باشد، برای او مفید است.

* * *

«نکونام»: هدیه و اهدای ثواب به هر نیت و برای هر مؤمن مؤثر است.



س ۴۳۴۵ - بعد تقبیل یدکم الشریفة لا یخفی علی جنابکم أن المرسوم فی بلدنا إذا مات إنسان تقام له الفاتحة فی بیته لمدة غیر معلومة، والذین یشارکون فی العزاء یصلون ویمکتون مدّة فی بیت المتوفی، فهل فی صلاتهم ومکتهم إشکال أم لا؟ أفتونا لکم الفضل؟

- در محل زندگی ما مرسوم است وقتی کسی می میرد تا مدتی غیر معلوم در خانه وی مجلس ختم و فاتحه برای او می گیرند و کسانی که در مجلس عزای شرکت می کنند در خانه وی نماز می گزارند و مدتی در آن جا قرار دارند، آیا نماز و توقف در آن منزل اشکال دارد یا خیر؟

ج - إن كانت الورثة كباراً فالصلاة والمکث فی بیته موقوفة علی إحراز الرضاء والإذن منهم جميعاً، وأما إن كان کلهم أو بعضهم صغاراً فلا یجوز إلا بإذن الولی الشرعی لهم، وكانت فی الإذن أيضاً مصلحة للصغیر، ویمكن أن یتأجر غیر الورثة أو الکبار منهم سهم الصغیر بإذن الولی مدّة معلومة بمبلغ معلوم لإقامة العزاء لمصلحة الصغار.

- اگر وارثان کبیر باشند، جواز نماز و توقف در آن به احراز رضایت آنان و اذن از همه ی آنان بستگی دارد، اما اگر همه یا برخی از وارثان صغیر باشند، بدون اذن ولی شرعی آنان جایز نیست و در اذن نیز باید مصلحت صغیر را در نظر گرفت و غیر وارثان یا وارثان کبیر می توانند سهم صغیران را با اذن ولی برای مدتی معین و با بهایی معلوم برای اقامه ی عزای و در جهت مصلحت صغیران اجاره کنند.



س ۴۳۴۶ - در رشته ی پزشکی، قسمت تشریح و دروس مربوطه به آن، یکی از واحدهای درسی و اساس آن را تشکیل می دهد، بر این اساس ما نیز مجبور به

انجام این امر می‌باشیم، چون مرده‌های مورد تشریح، از یک سال قبل در موزه‌ی شیمیایی نگه داشته شده و فعلاً برای انجام آزمایش در دسترس ما گذاشته شده، لذا به طور حتم و صد درصد اطلاع دقیق راجع به این که آن را از کجا آورده‌اند و آیا مسلمانند یا نه نداریم. هم‌چنین مرده‌های مورد تشریح، بدون غسل در دسترس ما قرار می‌گیرد ولی به پیروی از دین مقدس اسلام آن‌ها را غسل دادیم. اکنون با توجه به مطالب فوق، خواهشمند است نظریه‌ی خود را در مورد آن مرقوم فرموده ما را از چگونگی آن آگاه فرمایید، و نیز بفرمایید آیا می‌توانیم در خصوص این مسأله از دیگری تقلید نماییم و اگر ممکن نیست، تکلیف و وظیفه‌ی ما برای جلوگیری از گناه انجام این عمل اجباری چیست؟

«گلیپگانی»: در بلاد اسلام مرده‌ای که مشکوک است که مسلم است یا کافر، محکوم به اسلام و احکام مسلم بر او مترتب می‌باشد. فقط در موردی که معلوم باشد کافر است تشریح آن جایز است و در خصوص این مسأله، اگر تقلید نشده باشد، تقلید از غیر با مراعات شرایط آن مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: میت مشکوک به اسلام و کفر در دیار اسلام محکوم به اسلام است و تشریح آن حکم حاکم شرعی را لازم دارد.

□ □ □ □

س ۴۳۴۷ - آیا برای مرده‌های که هنوز دفن نشده و می‌دانیم که در همان شب دفن می‌شود می‌توان در میان نماز مغرب و عشا یا بعد از نماز عشا و پیش از دفن نماز وحشت را خواند؛ زیرا اگر بعد از دفن خوانده شود، به نیمه شب می‌رسد و در آن وقت کسی برای خواندن نماز وحشت حاضر نیست و مرده از آن محروم می‌شود.

«گلیپگانی»: دلیلی بر جواز خواندن نماز لیلة الدفن قبل از دفن نیست و قدر

متیقن، بعد از دفن است؛ خصوصاً با این جمله‌ی دعا که در بعض روایات رسیده «وابعث ثوابها إلی قبر فلان».

* * *

«نکونام»: این نماز برای بعد از دفن است ولی خواندن آن پیش از دفن به نیت مطلق اهدا ثواب اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۴۳۴۸ - آیا حنوط نابالغ واجب است یا نه؟

«گلپایگانی»: بلی، حنوط واجب است و فرق بین صغیر و کبیر نیست.

* * *

«نکونام»: حنوط برای میت مسلمان واجب است و از این نظر تفاوتی میان بالغ و نابالغ در این مسأله نیست.

□ □ □ □

□ نجس نبودن مرده‌ی مسلمان

س ۴۳۴۹ - کسی که در حال غسل دادن میت است، اگر دست تر به لباس دیگری بگذارد، آیا لباس وی نجس می‌شود یا نه؟

«گلپایگانی»: میت، قبل از تمام شدن غسل نجس است، و اگر چیزی با رطوبت سرایت کننده با آن ملاقات کند نجس می‌شود.

* * *

«نکونام»: دلیل شرعی و نقل گویایی بر نجاست جسد مرده‌ی مسلمان نمی‌باشد و همه‌ی اجماع‌ات این باب، مدرکی - همراه با چند روایت معدود - است و حجیت ندارد و آنچه در این باب می‌باشد امر به غُسل و غَسَل - شستن - در رسیدن لباس و دست به بدن و جسد میت است و این امر حکایت از نجاست نمی‌کند. دلیلی که به تصریح یا اشاره، نجاست را عنوان کرده باشد در دست نیست و امر به غُسل و غَسَل در اصابت به

تنهایی با نجاست برابر نیست. افزوده بر آن که طبق بیان عقلی، بدن مؤمن به هنگام مرگ، مناسب عنوان نجاست نمی‌باشد.

بدن میت مسلمان نجس نیست و اگر نجاست خارجی در میان نباشد، دست تری که به بدن میت رسیده نجس نمی‌باشد تا جایی را متنجس کند.

□ □ □ □

س ۴۳۵۰ - گاه برای سرعت دادن به مرگ محتضر و راحتی وی به او موادی کشنده تزریق می‌کنند، آیا این عمل جایز است یا نه و در صورت جایز نبودن، مورد دیه و قتل نفس خواهد بود یا نه؟

«گلبایگانی»: عمل مذکور جایز نیست و با استناد موت به آن عمل، عامل آن قاتل محسوب می‌شود و حکم آن را در احکام دیه و قصاص ملاحظه نمایید.

* * *

«نکونام»: چنین عملی جایز نیست و عامل با صحت استناد مرگ به وی، قاتل است.

□ □ □ □

□ دندان عاریه‌ای میت

س ۴۳۵۱ - آیا بیرون آوردن دندان عاریه‌ای میت از دهان وی لازم است یا نه؟ و آیا با تغسیل میت پاک می‌شود یا نه؟

«گلبایگانی»: در صورتی که برای میت صدمه نباشد، دندان را بیرون بیاورند و اگر صدمه داشته باشد، او را اذیت نکنند و پاک شدن آن معلوم نیست.

* * *

«نکونام»: با مرگ، دندانی که در دهان میت است نجس نمی‌گردد، و بر فرض نجاست، با غسل و رسیدن آب به صورت و دهان وی پاک می‌شود، مگر

آن که آب به دندان نرسد. در هر صورت، در آوردن دندان عاریه؛ اگرچه ممکن باشد، لازم نیست.



س ۴۳۵۲- اگر شخصی از مال خود مبلغی به کسی بسپارد و شرط کند که آن را بعد از مرگ برای نماز و روزه‌ی او مصرف نماید و به او بگوید کسی متوجه نشود و شخص مزبور آن پول را با شرایط بالا قبول کند، آیا بعد از فوت آن شخص، مصرف این پول به اطلاع وصی و ورثه احتیاج دارد یا نه؟

ج- اگر زاید بر ثلث نباشد، باید صرف در روزه و نماز نماید و اطلاع دادن به ورثه و وصی لازم نیست.



س ۴۳۵۳- درباره‌ی مخارج تجهیز میت و هزینه‌های مراسم روز سوم، هفتم و چهلم در صورتی که میت وصیت نکرده و دارای کودکان صغیر باشد، چه می‌فرمایید؟

ج- مخارج تجهیز به مقدار واجب از اصل برداشته می‌شود و بیش از مقدار واجب را چون وصیت نکرده، کبار ورثه باید از سهم خود بدهند.



س ۴۳۵۴- آیا جایز است شخصی خود به نیابت از میت تیمم کند؟

«گلپایگانی»: اگر مواضع تیمم میت؛ یعنی دست و جبهه‌ی او باقی نیست، تیمم ساقط است و تیمم خود شخص برای میت مشروع نیست.



«نکونام»: اگر اعضای تیمم در میت باقی است، جایز نیست به نیابت از میت تیمم نمود.



□ میهمانی و ضیافت در خانه‌ی میت

س ۴۳۵۵- آیا برگزار کردن مجلس ضیافت در خانه‌ی فرد مرده در شب اول و روز

سوم و هفتم و چهلم و شرکت مردم برای طلب مغفرت و تسلیت به بازماندگان اشکالی دارد؟

«گلیپگانی»: تشکیل جلسات مذهبی و مجلس دعوت و ضیافت از مؤمنین جهت طلب مغفرت و آمرزش برای اموات، موجب اجر و ثواب و بسیار مستحسن و بجاست، ولکن اگر میت صغیر دارد، از سهم صغیر مصرف نکنند. بلی، اگر کبار از ورثه بخواهند از سهم خود خرج کنند، مانعی ندارد.

* * *

«نکونام»: تشکیل جلسه‌های مذهبی و گردهمایی مؤمنان و مردم جهت طلب آمرزش اموات، موجب اجر و ثواب و بسی پسندیده و نیکوست، ولی تشکیل میهمانی‌های استکباری و زیاده‌نمایی - که برای خودنمایی و ریاکاری و به گفته‌ی معروف برای حفظ آبرو و کسب وجهه می‌باشد و بسیار می‌شود که رضایت قلبی نوع وارثان را همراه ندارد و به‌ناچار چنین هزینه‌هایی را می‌پذیرند - گذشته از آن که شایسته نیست، ثوابی نیز ندارد، بلکه نادرست و زیان‌بار است و از موارد تکاثر و خودنمایی اهل دنیا به شمار می‌رود و لازم است از همه‌ی این گونه امور پرهیز شود.

برای گردهمایی هرچه بیشتر مردم به این منظور که گفته شود مجلس ختم، هفتم، چهلم یا سالگرد فلانی چه با عظمت بود! آیا می‌تواند اجر و ثوابی داشته باشد؛ در حالی که می‌توان این امکانات را در جهت حفظ حرمت ضعیفان و مستمندان هزینه نمود تا موجب شادی روح درگذشتگان گردد.

□ □ □ □

س ۴۳۵۶ - اگر درون پای مرده‌ای یا دندان‌های او طلا باشد و قیمت آن نیز بسیار زیاد است، آیا می‌شود طلا را از بدن مرده بیرون آورد؟

«گلیپگانی»: بیرون آوردن دندان‌های او جایز است ولی بیرون آوردن طلا از

داخل بدن او اگر توقف بر پاره کردن بدن داشته باشد، محل اشکال است و احتیاط ترک نشود.

* * *

«نکونام»: بیرون آوردن دندان لازم نیست و بیرون آوردن طلا، اگر منوط به پاره کردن جایی یا بی حرمتی بر میت باشد، جایز نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۵۷ - مرده‌ای که کودکان صغیری دارد و بخشی از مال مادر میت و زن او در ترکه‌ی وی است، آیا مادر و زن میت بر اطفال ولایت دارند یا نه؟
«گلبایگانی»: مادر و زن میت بر صغار او ولایت ندارند و در تقسیم اموال و ترکه میت و ادای دیون او در صورتی که صغیر دارد اگر ولی شرعی ندارد، باید به حاکم شرع رجوع شود.

* * *

«نکونام»: زن و مادر میت بر صغار ولایت ندارند و در صورتی که ولی شرعی نباشد اذن حاکم شرع لازم است.

□ □ □ □

س ۴۳۵۸ - در میان برخی از عشایر مرسوم است که لباس و ساعت و کفش و دیگر چیزهای مخصوص به میت؛ اگرچه قیمت بالایی داشته باشد، آتش می‌زنند و یا به آب می‌ریزند و یا به سید فقیری می‌دهند، در حالی که گاه میت دارای صغیر است و رعایت صغار وی را نمی‌کنند، آیا این کار جایز است یا نه؟
«گلبایگانی»: جز در مواردی که نگاهداری البسه‌ی میت خطر داشته باشد، اتلاف لباس‌های او به این نحو و بخشیدن آن به غیر در صورتی که صغیر داشته باشد، جایز نیست.

* * *

«نکونام»: دورریزی اشیای میت جایز نیست و در صورت انجام فاعل، بر ورثه‌ی دیگر بده کار می‌شود.



س ۴۳۵۹ - اگر کافری بمیرد و مسلمانی او را غسل دهد و کفن نماید و بر او نماز بخواند و او دفن کند، آیا از نظر شرع مقدس اسلام مستوجب عذاب و عقاب نیست؟

«گلبایگانی»: اگر عمل مسلمان محمل صحیح داشته باشد و بشود فعل او را حمل به صحت کرد؛ مثل این که شاید جاهل به موضوع بوده و یا محتمل باشد که آن کافر به طور خفا در نزد او توبه کرده باشد، نمی‌شود مسلمان را با این عمل تفسیق کرد.



«نکونام»: اگر وی برای کار خود نتواند توجیه معقولی ارایه دهد، باید مورد مؤاخذه قرار گیرد؛ زیرا مرتکب خلاف شرع شده است.



زلزله

س ۴۳۶۰- در زلزله، چنانچه به سبب بالا بودن تلفات، نتوان همه را غسل داد، چه باید کرد؟

ج- اگر تأخیر موجب تعفن و هتک میت باشد، تیمم کافی است.

□ □ □ □

س ۴۳۶۱- در صورتی که اجزای مردگان به نحوی است که معلوم نیست غسل آن واجب است یا نه، تکلیف چیست؟
ج- غسل واجب نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۶۲- در صورتی که برخی از اعضای رئیسیه بدن مفقود شده، تعجیل در تجهیز با شرایط موجود لازم است یا نه؟
ج- اعضای موجود را تغسیل و تکفین و دفن نمایند.

□ □ □ □

س ۴۳۶۳- در صورت عدم امکان تطهیر بدن، جهت تیمم چه باید کرد؟
ج- بدون تطهیر تیمم دهند و در صورت امکان، عین نجس را از محل تیمم زایل نمایند.

□ □ □ □

س ۴۳۶۴ - در صورتی که پارچه برای کفن پیدا نشود، تکلیف چیست؟

ج - اگر میت از مال خودش کفن نداشته باشد، کفن بر غیر واجب نیست، با پوشاندن عورت او را دفن نمایند.

□ □ □ □

س ۴۳۶۵ - کفن نمودن با پارچه‌ای که مالک آن ناشناخته است، چه حکمی دارد؟

ج - کفن کردن با پارچه‌ی مجهول المالک جایز نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۶۶ - انجام نماز میت بر اموات مختلف چگونه است؟

ج - می‌توانند یک نماز بخوانند و نسبت به ضمیر مذکر و مؤنث مختارند؛ یعنی به اعتبار جنازه جایز است ضمیر مؤنث ذکر شود و به اعتبار شخص، ضمیر مذکر.

□ □ □ □

س ۴۳۶۷ - دفن میت بدون اجازه‌ی ولی به هنگام پیش آمد زلزله چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که دسترسی به ولی میت نباشد، اذن او ساقط است.

□ □ □ □

س ۴۳۶۸ - اگر ملکیت محل دفن مجهول باشد، چه باید کرد؟

ج - باید میت را در زمین غیر غصبی دفن کنند.

□ □ □ □

س ۴۳۶۹ - اگر معلوم نباشد که عضوی مربوط به زن است یا مرد، تکلیف چیست؟

«گلپایگانی»: در صورت اشتغال آن قطعه بر استخوان، یک مرتبه زن و یک مرتبه مرد، آن قطعه را از زیر لباس غسل دهند.

* * *

«نکونام»: انجام یک مرتبه غسل کافی است.

□ □ □ □

س ۴۳۷۰ - در گورهای دسته جمعی، تفکیک زن و مرد در صورت عدم امکان لازم است یا نه؟

«گلبایگانی»: تفکیک لازم نیست. بلی، در صورت امکان، احوط و اولی آن است که حایلی بین زن و مرد قرار داده شود.

* * *

«نکونام»: عمل به احتیاط گفته شده لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۷۱ - در صورتی که آب نبود و مواضع تیمم هم از بین رفته باشد، تکلیف چیست؟

ج - اگر تأخیر در غسل بقیه‌ی اعضا موجب تعفن و هتک باشد، بدون غسل و تیمم دفن کنند.

□ □ □ □

س ۴۳۷۲ - اگر افرادی را با لباس و بدون مراسم دفن نموده‌اند، تکلیف چیست؟
ج - اگر بدن متعفن نشده؛ به طوری که نبش، موجب هتک شود، باید نبش کنند و مراسم را انجام دهند و اگر متعفن شده؛ به طوری که نبش موجب هتک است، تغسیل و تکفین لازم نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۷۳ - اگر بخشی از بدن قابل تشخیص نیست، میت چگونه به خاک سپرده شود؟

ج - مورد سؤال کاملاً روشن نیست، اگر منظور این است که تنها همان عضو به دست آمده و بقیه‌ی بدن موجود نیست؛ چنانچه مشتمل بر استخوان باشد، باید غسل دهند و در صورت شک، غسل واجب نیست و هم چنین اگر شک دارند که مشتمل بر سینه است یا نه، نماز واجب نیست.

□ □ □ □

س ۴۳۷۴ - اسکان و تصرف و نماز در منازل و مغازه‌های مردم که صاحبان آنها معلوم نیست چه حکمی دارد؟

ج - برای افرادی که جهت امداد به منطقه می‌روند، به مقدار رفع نیاز، مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۴۳۷۵ - استفاده از اموال مجهول (خوراکی، پوشاک و حیوانات) در مواقع ضروری برای افراد نیازمند چه حکمی دارد؟

ج - اجناس را به فقیر غیر سید بدهند و سایرین مهمان شخص فقیر باشند.

□ □ □ □

س ۴۳۷۶ - در صورتی که افراد زیر آوار مانده‌اند و اطمینان به موت آنها می‌باشد و خارج کردن آنها احتمال متلاشی شدن عضو را دارد، آیا خارج کردن آنها برای انجام مراسم واجب است یا نه؟

ج - با احتمال حیات، لازم است سعی کنند به نحوی عمل نمایند که موجب موت شخص نشود و با علم به موت، در صورتی که خارج کردن جسد صحیحاً ممکن نباشد، بیرون آوردن لازم نیست.

